

کردستان و کرد در اسناد محرمانه ي بریتانیا

بهزاد خوشحالی
bkhoshhali@yahoo.com

بریتانیا و راهکارهای گوناگون برای حل مسأله کرد

در سند شماره 254 که تلگراف وزیر خارجه «اریل کرزن» به «آدمیرال سردی روبیک» نماینده سامی بریتانیا در استانبول به تاریخ 26 مارس 1920 است، چنین آمده است:

بازگشت به دو تلگراف پیشین (شماره 211 مورخ 28 ژانویه و شماره 306 مورخ 2 مارس)، سیاستی که در پیمان صلح دنبال می‌کنیم آن است که نمی‌خواهیم در کردستان، قیومیتی بریتانیایی یا فرانسوی یا منطقه‌ای با چند دولت کوچ و تحت الحمایه اروپا به وجود آوریم... ما می‌خواهیم کردستانی خودگردان تأسیس کنیم که مستقل از دولت عثمانی و خارج از سلطه ترکها باشد. برای سعادت کرد و آسوری و اقلیتهای مسیحی، باید با نمایندگان کرد وارد گفتگو شد و نظر آنها را در مورد نوع حکومتی که می‌خواهند جویا شد چون انجام دادن هر اقدامی بدون رضایت اعضای یک ملت، بسیار ناپسند است.

آیا شما موافق هستید سید عبدالقادر (شم‌دینانی) یا کس دیگری به عنوان نماینده‌ی کردها از لندن دیدار کند؟ شریف پاشا هم اکنون در لندن بسر می‌برد. اگر موافقت نمایید با او در مورد شرق و جنوب کردستان وارد گفتگو و مذاکره شویم.

پاسخ نماینده سامی بریتانیا در استانبول، «آدمیرال دی روبیک» به شرح زیر است:

از «آدمیرال سرجی. دی روبیک» (قسطنطنیه)

شماره: 304

تاریخ: 29 مارس/1920

به سرورم اریل کرزن: وزیر خارجه حکومت بریتانیا
اختلاف دیدگاههایی چند در مورد استقلال یا خودگردانی کردستان وجود دارد. در هر حال، عقیده واحدی میان کردها وجود ندارد... بسیاری از کردها میل دارند حاکمیتی مقتدر از بالا بر آنها فرمان براند، معدودی از آنها قائل به

زعامت سران عشایر و مشایخ مذهبی هستند. میان این عده نیز اختلاف وجود دارد، اما همچنان که اشاره نمودید مشایخ مذهبی هستند. میان این عده نیز اختلاف وجود دارد، اما همچنان که اشاره نمودید جویا شدن نظر آنها نیز لازم می‌نماید... برخی روشنفکران کرد در خارج کردستان که اندیشه‌های منحصر به فردی دارند، در نشان دادن درجه‌ی نفوذ فکری-شخصیتی خود بر کردها زیاده‌روی می‌کنند. به عنوان نمونه، «شریف پاشا» در میان کردها محبوبیت چندانی ندارد. او در میان اعضای (خانه کردها) نیز فاقد مقبولیت لازم است. در همان محفل، هستند کسان دیگری که می‌توانند نقش مؤثرتری در عمل نمودن آرزوهای کرد ایفا کنند. به گمان من، دیدگاه برخی اعضای (خانه کردها) شفاف‌تر است... بهترین اه برای فراخوانی نمایندگان، دعوت شفاهی است... مناسب آن است که حکومت علیه با دیدگاه روشنفکران مقیم کردستان نیز آشنا شود... به نظر من، گفتگو با مقامات فرانسه و اطلاع آنها از موضوع، به جهت جلوگیری از مشکلات بعدی نیز اهمیت دارد. در نهایت، افتخار تأسیس یک کردستان مستقل، به بریتانیای کبیر بازخواهد گشت.

Documents Of British Foreign Policy, 1919-1939. First, Vol. XIII,
Turkey, Feb-Dec, 1920

نامه‌ی دیگر نمایندگی سامی به «اریل کرزن» که طی سند شماره 103 آمده به این شرح است:

از نماینده سامی سرچی. دی روبیک (قسطنطنیه)

به وزرات خارجه بریتانیا ازیل کرزن

شماره: 861 تلگراف (E 9076/11/44)

قسطنطنیه 28 جولای/1920

(تصویر این تلگراف، با شماره‌ی 28 به بغداد ارسال شده است)

بازگشت به تلگرافی که اخیراً فرستاده‌ام

آیا می‌توانید در مورد مسأله کردها و راهکارهای حل آن که اکنون، شیوه‌ای آشکار به خود گرفته است، اطلاعاتی در اختیارم قرار دهید؟... «صدراعظم» با کردهای میانه‌رو (آنها که قائل به حکم خودگردانی هستند) وارد گفتگو شده است. اما گمان می‌رود بلشویسم، کردها را به خود مشغول کرده است... نهضت کمالی‌ها، افکار کهن را حذف نموده است... نظر «صدراعظم» نیز این است: «اتونومی به کردستان اعطاء شده در پیمان نامه‌ای رسمیت پیدا می‌کند». خنثی نمودن این همه دسیسه، کار آسانی

نیست... هنوز هم مشکلاتی وجود دارد که پیش از این در تلگراف 401 بدان اشاره نموده‌ام. به عقیده من، اجرای پیمان «سان رمو» بدون همکاری گرم فرانسه، کای بس مشکل است، چون در حال حاضر، بسیاری از کردها در حلقه‌ی نفوذ فرانسه قرار گرفته‌اند.

Documents Of British Foreign Policy, 1919-1939. First Series, Vol. XIII, Turkey, Feb-Dec, 1920, P.108

گشت «میجرنوییل» در کردستان و بازتابهای آن

ضمیمه‌ی نخست از سند شماره 549 خلاصه‌ی گفتگوهای «مستر هوهلر» (منشی نمایندگی سامی بریتانیا در استانبول) و «ژنرال ماکوی» معاون «ژنرال هاربرود» که در سپاه نظامی ایالت متحده خدمت می‌کند.

ژنرال ماکوی از دوستان قدیمی من است. او امروز صبح نزد من آمد. ماکوی گفت: مصطفی کمال، درباره‌ی منطقه‌ی «اورفا» مطالبی به من گفت. این منطقه در شمال موصل قرار دارد. او همچنین در مورد تلاش جمعی از افسران بریتانیایی از جمله «میجرنوییل» و «کلنل بیل» برای تأسیس یک «کردستان آزاد» مطالبی گفت. این دو افسر نزدیک بود در «ملاطیه» به اسارت گرفته شوند. من نیز فرصت را غنیمت شمرده مسأله را برای برادر آمریکایی خود باز کردم... به او گفتم: ما مانع احساسات ملی کسی نخواهیم شد... اما این ملی‌گرایی که آنها می‌خواهند نصرانی‌ها را از میان بردارند، به هیچ وجه قابل قبول نیست... او (ژنرال ماکوی) گفت: اما تنها تعداد کمی از ارمنی‌ها در آن سامان باقی مانده‌اند. از مطالب مندرج در روزنامه‌ها نیز اینگونه برمی‌آید که گویا می‌خواهند ارمنستان جدیدی تأسیس کنند. به او گفتم: «اورفا» و دیگر شهرها براساس پیمان آتش‌بس اشغال شده‌اند. در مورد تصمیم حکومت علیه برای تأسیس یک کردستان آزاد نیز من بی‌اطلاعم... تا جایی که اطلاع دارم اقدام آنها (نوییل و بیل) رسمی نبوده است چون پیش از آغاز مأموریت، از همراهان ایشان تعهد کتبی اخذ شد که به هیچ وجه اقدامی علیه حکومت عثمانی و علیه مصطفی کمال انجام ندهند... گمان می‌رود نوییل به کردها عشق می‌ورزد...

تی.بی. هوهلر

1919/10/14

بریتانیا به مسأله کرد اهمیت می‌دهد

در پاورقی سند شماره‌ی 616، نامه‌ی «سردی روبیک» به «ایرل کرزن» وزیر خارجه بریتانیا به شماره‌ی 271 مورخه 4 دسامبر 1919، چنین آمده است: «روز 19 نوامبر، مذاکرات طولانی با وزیر خارجه عثمانی انجام دادم... به رشید پاشا گفتم که می‌خواهم راجع به موضع بریتانیا در مورد کردها مطلبی را روشن کنم، چون سوء تفاهمی میان دو طرف به وجود آمده که نتیجه بازدید «میجرنوییل» از ملاطیه» است.

«مستر ژیان» نیز در یادداشت‌های خود می‌گوید: به رشید پاشا گفتم: از زمان که آتش بس، اعلام شده است، نماینده سامی ملاقات‌های روزانه متعددی با شخصیت‌های مختلف دارد. در رابطه با آنها (معقود اعضای خانه کردها است) نیز موضع ما همواره سکوت بوده است و تا کنون در برابر خواست‌های آنها هیچ تعهدی نداده‌ایم. در مورد کردها نیز اگر چه همین کار را انجام داده‌ایم، اما به نظر ما آنها يك ملت هستند و به لحاظ ویژگی‌های قومی از دیگر ملل جهان متمایز می‌شوند... نه حق دارند از حقوق ملی خود دفاع کنند... اما در مورد سرنوشت آنها باید بگویم نماینده سامی چیزی نمی‌داند. حکومت علیه نیز تاکنون به نظری قطعی در مورد کردها و آینده‌ی ایشان دست نیافته است.

در همان یادداشت آمده است:

مسأله کرد از نظر حکومت علیه، بسیار مهم و مستلزم کاوش‌های دقیق است، چون کردها بخش اعظم گروه قومی مرزهای شمال بغداد را تشکیل می‌دهند، از این رو باید در مورد آینده‌ی کردها به بهترین راه حل ممکن دست یافت، چرا که هر تغییری در آینده بین‌النهرین، از دیدگاه ما مهم و اساسی است... ما «میجرنوییل» را جهت بررسی کردستان به برخی مناطق کردنشین فرستادیم تا اطلاعات جامعی از آنها تهیه و ارائه نماید. به نظر من، در حال حاضر بهتر است با «خانه کردها» روابط مناسبی برقرار نماییم چرا که در میان نخبگان ایشان، افرادی با ذکاوت و دارای دیدگاه‌های متعالی یافت می‌شوند.

Documents Of British Foreign Policy, Vol. Iv. First Series, 1919.
No. (616). PP 922-3

اهمیت تحقیق در مورد کردستان توسط «میجرنوییل»

«آدمیرال سرکالسورب» نماینده سامی بریتانیا در استانبول (سرکالسورب)، پیش از دی روبیک، این مسئولیت را بر عهده داشت). نامه‌ای برای وزیر

خارجہ بریتانیا «ایرل کرزن» ارسال نمود. شماره‌ی این نامه، 1430 و تاریخ آن، 10 جولای 1919 است. تصویر این نامه نیز برای حاکم مدنی بریتانیا در بغداد ارسال شده است.

در این نامه آمده است:

رابطه کردها و حکومت ترکیه در بحرانی‌ترین حالت ممکن بسر می‌برد. تنها راه حل برای جلوگیری از گسست کامل، دنبال نمودن سیاستی جهت تأسیس حکومت اقلیت ارمنی و تحمیل آن به اکثریت کردهاست...

کالسورب در ادامه‌ی نامه‌ی خود، با نام بردن از «سید عبدالقادر» و خاندان «بدرخانیا»، موافقت خود را با سفر نمایندگان کردهای استانبول به کردستان و دیدار آنها با سران عشایر جنوب اعلان می‌دارد به این شرط که میجرنوییل آنها را همراهی ننماید. هدف اصلی نامبرده از این اقدام، دعوت کردهای جنوب به آرامش و تشریح اوضاع وخیم شمال کردستان است.

کالسورب در پایان نامه‌ی خود می‌گوید: آنچه برای ما مهم است، بوجود آوردن مرزهای آرام و امن برای بین‌النهرین است که این نیز با استقبال کرد و حکم خودگردانی کردستان، منافات ندارد.

Admiral Sir A. Calthrope (Consantinople), To Earl Curzon (Received July 11, No 1434, Constantinople, July 10, 1919)

نامه مستر هوهرل منشی اداره سامی بریتا در استانبول

به جون تیللی سرپرست وزارت خارجہ بریتانیا

این نامه که با شماره 464 در اسناد وزارت خارجہ بریتانیا ثبت شده در تاریخ 21 جولای 1919 نگاشته شده است. نگارنده در نامه خود می‌گوید: مساله‌ای که تمام فکر و ذکر او را مشغول کرده است، مساله ملت کرد است... چند روز پیش، نوییل از بغداد به استانبول رسید. او مردی فعال و باهوش است تنها گناه او عشق مافوق تصورش به کردهاست. میجر نوییل، اکنون پیامبر کردهاست. از نظر او کردها نظیر ندارند... مهربان، مهمان نواز و بخشنده هستند... نوییل هم سرانجام، لورنس کردستان خواهد شد.

Documents on British Foreign Policy, Vol Iv, First series, 1919 No (404)

بریتانیا و مساله ارمنستان

بخشی از یادداشت‌های روزانه «میجرنوییل» بتاريخ 29 جولای 1919 که مبنای استنادات نماینده سامی بریتانیا در استانبول (کارلسورب) است، در سند شماره 469 آمده است:

«وضعیت موجود، به شیوه‌ای خطرناک، مرزهای ارمنستان- ترکیه را تهدید می‌کند. ده‌هزار کرد، آماده‌ی قیام هستند چرا که شایعات مربوط به تأسیس ارمنستان بزرگ در چارچوب مرزهای کردستان، آتش نهضت ملی- میهنی کردها را شعله‌ور می‌کند. در این میان، ترکها نیز با طرح این ادعا که کردها مایل به همزیستی با ترکها و تقویت جبهه اسلامی هستند، در تدارک توطئه و دسیسه‌اند:

Documents of the British Foreign Policy 1919-1939, First Series Vol, 1919 No (469) PP 704-705

بخش دوم

در جلسه 25 ژوئن 1919 نیز که در خانه «کلنل ویلسون» برگزار شد، نخست وزیر بریتانیا «لوید جورج» پرسید: در صورت عدم حضور نیروهای متفقین در خاورمیانه، چه اقدامی برای ارمنی‌ها انجام دهیم؟ اگر ترکها نیز از منطقه عقب نشینی کنند، آنگاه ارمنی‌ها در برابر کردها تنها می‌مانند، بنابراین بهتر است بخشی از نیروهای نظامی در آنجا باقی بمانند.

Ibid No. (428), PP.643-644

بدنبال پیشنهادات «کلنل ویلسون» در مورد آینده منطقه «آدمیرال وایب» در نامه‌ی منتشر نشده‌ی مورخ 19 اگوست 1919 به «اریل کرزن» می‌گوید: اعتراضات جدی در مورد پیشنهادات «کلنل ویلسون» وجود دارد... چون اگر هر دو ایالت «وان» و «موش» در داخل دولت کردی آینده محاط شوند، آنگاه ضربه سنگینی بر پیکر ارمنی‌ها وارد خواهد آمد، از این‌رو در موافقت با پیشنهاد «میجرنوییل» در گزارش 18 جولای، یک راه‌حل میانه مناسبترین خواهد بود... «نوییل» معتقد است پیش از همه چیز باید با اتکا به نیروی نظامی، اصل تحت‌الحمایگی اجرا گردد... «آدمیرال وایب» نماینده سامی- موافق پیشنهادات نوییل است و از نتیجه طرح‌های «کلنل ویلسون» بیمناک... ایجاد چندین منطقه کردنشین در بین‌النهرین، تنها یک نتیجه دارد و آن، این است که راه را بر آرزوهای مشروع ملت کرد خواهد بست.

Ibid No (498) P. 742

در مورد راه حل میانه پیشنهادی نوییل، که اشارات چندی بدان رفت، نامبرده می‌گوید:

دو ایالت «ترابوزان» و «ارزروم» دولتی ارمنی تحت حمایت آمریکا تأسیس می‌کنند. چهار ایالت دیگر نیز دولت کردستان تحت حمایت بریتانیا را بوجود می‌آورند. این دو اقدام نیز مستلزم یک نیمچه حاکمیت ترکی تحت نظارت اروپاست... بخش‌هایی از این سند بشرح زیر است :

For Convenience of Reference The Following Summariazation of the Proposais is Given: Trebizond and Erzerum Vilayets to form asingle Armenian State Under American Auspicias

Ibid No (545), PP. 814-815

همچنین نامه «سرکراو» که در تاریخ 12 اکتبر 1919 از پاریس به وزارت خارجه بریتانیا ارسال شده و طی سند شماره‌ی 545 منشر شده است بدین شرح است:

تصویر نامه‌ای که نمایندگان کردها در کنگره صلح پاریس (ژنرال شریف و مستر فوربس آدامز) در مورد آرمان کردها ارسال نموده‌اند را به ضمیمه تقدیم می‌کنم ... «شریف پاشا» گفته است «فوربس آدامز» از او خواسته یادداشتی تقدیم کنگره نموده و مساله لزوم نظارت بریتانیا بر کردستان آینده را طرح نماید ...

«مستر کراو» در ادامه نامه‌ی خود می‌گوید: پذیرش قیومیت ارمنستان توسط آمریکا تأثیری بر مساله‌ی کردستان نخواهد گذارد. بنابراین در مقطع فعلی، بهتر است بریتانیا فارغ از تصمیم آمریکا بخش اعظم کردستان را تحت الحمایه خود قرار دهد... شریف پاشا شفاهاً از من خواست موضوع «حمایت بریتانیا از اعضای خانه کردهای استانبول» را با هدف جلوگیری از برخورد مقامات عثمانی با آنها به اطلاع نماینده سامی بریتانیا در استانبول برسانم... (گمان می‌رود مستر کراو عضو هیأت بریتانیایی حاضر در کنگره‌ی صلح پاریس بوده است)

Ibid No (545),P (815)

وضعیت سیاسی در کردستان

نامه شماره «ب:4284» مستر شکبورگ از وزارت هند به لردهاردینگ این نامه در تاریخ 26 ژوئن 1919 به شماره 3299 منتشر شده است. در نامه آمده است:

بازگشت به تلگراف مورخه 9 می 1919، از سوی وزیر خارجه به حاکم مدنی در بغداد برای تأسیس ولایت موصل عربی و مناطق خودمختار کردنشین اختیار نامداره شد. این مناطق خودمختار که در اطراف ایالت عربی تأسیس می‌شوند، دارای حاکم کرد و مشاوران سیاسی بریتانیایی خواهند بود.

«مستر شکبورگ» در ادامه نامه‌ی خود می‌گوید: توصیه‌های حاکم مدنی بغداد در مورد کردستان، در تلگراف شماره 6666 پیشنهاد می‌کرد حکومت بریتانیا مسئولیت حمایت سیاسی- نظامی مناطق کردنشین را برعهده گیرد... این توصیه‌های حاکم مدنی مشکلاتی چند ایجاد می‌کرد. یکی آنکه پذیرش مسئولیت سیاسی- نظامی در خاورمیانه، مستلزم صرف هزینه‌های سنگین بود و دیگر آنکه گمان نمی‌رفت دولتهای اروپایی قیومیت کردستان توسط بریتانیا را بپذیرند ...

در مورد بازگشت قدرت به ترکها بعنوان يك راه حل بدیل نیز، تلگراف شماره 456 مورخ 13 جولای مستر کارلسورب، حکایت از عدم موافقت با این مساله داشت... مساله دیگر بررسی این احتمال بود که کردستان آینده به همسایه‌ای بالقوه خطرناک برای عراق، ارمنستان و مناطق کردنشین ایران تبدیل شود. از دیدگاه مقامات بریتانیایی کردستان آینده، قواره سیاسی ایران را تهدید می‌کرد.

مستر شکبورگ در ادامه می‌گوید: به هر حال گمان می‌رود مستر مونتاگیو (وزیر هند) در نهایت قائل به پذیرش پیشنهادات «کنل ویلسون» البته با تغییراتی چند- شود... مونتاگیو همچنین از نماینده سامی بریتانیا در استانبول خواست تحلیل کاملی از اوضاع منطقه و راه‌حلهای انتخابی ارائه نماید

Ibid, No 545, 8(815)

سند شماره 584

این سند، شرح مذاکرات «مستر ایرل کرزن» و «مسیو بیجون» فرانسوی است که در تاریخ 12 نوامبر 1919 در محل وزارت خارجه بریتانیا انجام شد. در این گفتگوها مستر کرزن از همتای فرانسوی خواست نظر رسمی و قطعی خود را در مورد مسائلی چون «ارزیابی وضعیت ارمنستان و آینده کردستان» اعلام نماید.

Ibid, No(620) 1919, PP 925-928

معاهده‌ی کردها و ارمنی‌ها

سند شماره 612 که نامه «لرد ایرال کرزن» وزیر خارجه بریتانیا به «آدمیرال سردی روبیک» به شماره 1831 مورخ 10 دسامبر 1919 است، به یادداشت تفاهم 20 نوامبر پاریس اشاره می‌کند که توسط «بوغوس نوبار» نماینده‌ی ارمنی‌ها و اوهانجیان نماینده جمهوری ارمنستان و شریف پاشا نماینده کردها به امضاء رسیده است... در این نامه آمده است: نامبردگان در یادداشت خود گفته‌اند که ارمنی و کرد، خواسته‌های مشترک دارند و هدف آنها رهایی از سلطه‌ی عثمانی با تأسیس ارمنستان بزرگ و کردستان مستقل تحت حمایت قدرتهای بزرگ است. دو طرف، مساله خطوط مرزی را به کنگره صلح پاریس واگذار کرده‌اند.

«سردی روبیک» در تلگراف شماره 2135 مورخ 11 دسامبر 1919 می‌گوید: این بهترین خبری بود که دریافت نمودم. فکر نمی‌کنم تاکنون خبری این چنین مسرت بخش دریافت کرده باشم. به اعتقاد من، باید همه‌ی توانایی ما مصروف اجرای این یادداشت گردد.

«لرد کرزن» نیز در تلگراف شماره 1887 مورخ 20 دسامبر، دستگامه‌های اداری- اجرایی را موظف نمود از هر گونه همکاری و مساعدت جهت تحکیم پیوندهای کرد و ارمنی دریغ ننمایند

«آدمیرال سیرو وایپ» در نامه شماره 38 مورخ 8 ژانویه 1920 خطاب به مقامات وزارت خارجه بریتانیا گفت: هر چند تحکیم پیوندهای کرد و ارمنی بسیار مثبت ارزیابی می‌شود، اما من در مورد عملی شدن پیمان نامه‌ی «شریف پاشا و نوپار پاشا» شک دارم... هر چند موضع «شریف پاشا» بسیار جوانمردانه است، اما نامبرده بدلیل آنکه سالها در اروپا اقامت گزیده است، آگاهی چندانی از سرزمین مادری خود ندارد...

Documents on British Foreign Policy 1919-1939 First Series, Vol IV
London, 1925

کنگره دسامبر 1919 بریتانیا و فرانسه در مورد ترکیه

سند شماره 633

این سند که یکی از اسناد وزارت خارجه بریتانیا است به شیوه‌ی زیر منشر شده است:

مذاکرات «انگلو-فرانسی» تا 23 دسامبر در کاخ وزارت امورخارجه میان دو هیأت ادامه داشت. در این جلسات، «کلنل گیون» نیز هیأت بریتانیایی را همراهی می‌کرد: کردستان:

«لردکرزن» وزیر خارجه بریتانیا با اشاره به یادداشت «مسیویرتیلو» درباره‌ی کردستان (سند شماره 634) جلسه را آغاز نمود. در این یادداشت، فرانسه پیشنهاد کرده بود بخشی از کردستان تحت حمایت قیومیتی قرار گیرد که قرار است در مورد بین‌النهرین به اجرا درآید. در مورد بخشهای دیگر کردستان نیز می‌توان یک اتحاد فدرالی برای عشایر کرد تحت سرپرستی انگلیس و فرانسه پدید آورد بشرط آنکه سروری ترکیه بر این اتحاد فدرالی تضمین شود ...

«لردکرزن» پس از مطالعه یادداشت گفت: شگفت زده‌ام از اینکه حکمت بازگشت حکم سلطان عثمانی- حتی بصورت ظاهری بر کردستان، چه می‌تواند باشد؟ «کرزن» این پیشنهاد و پیشنهاد مربوط به تجزیه کردستان را به این صورت نپذیرفت. «مسیویرتیلو» در پاسخ گفت: دیگر تقسیم بندی‌ها نیز مانع یکپارچگی کردستان خواهند شد...

«لردکرزن» گفت: تقسیم مناطق کردنشین میان فرانسه و انگلیس هم بمصلحت نخواهد بود. طراحی یک اقدام گسترده مانند مساله کردستان، تنها با یک یادداشت عملی نخواهد شد... تعریف مرزهای کردستان، مرزهای ایالت موصل و جنوب کردستان، کاری بسیار مشکل است...

«لردکرزن» پیشنهاداتی طرح کرد و در پایان گفت: گمان می‌کنم عملی شدن این پیشنهادات، به سود طرفین (فرانسه و بریتانیا) باشد. خلاصه این پیشنهادات به شرح زیر است:

1- از هر گونه اعمال قیمومیت، چه انگلیسی چه فرانسوی در سراسر کردستان صرفنظر شود. این اقدام تنها در مورد يك بخش از جنوب کردستان، بمصلحت خواهد بود.

2- لازم است سلطه ترکها بر کردستان را پایان داد حتي اگر اقتدار ظاهري و سمبليك هم باشد.

3- کردها مي‌توانند جداگانه با کمینه‌هاي آسوري و ارمني پیمان صلح امضا نمایند. حل مسأله‌ها کردها بدون توجه به ارمني‌ها بریتانیا و فرانسه را در مورد تأسیس دولت ارمني با مشکل مواجه خواهد کرد.

4- تأسیس يك دولت واحد یا چند دولت منطقه‌اي کوچک توسط کردها را باید به انتخاب خود آنها واگذار.

5- کردها باید همواره خود را از امپراتوري عثمانی دور نگاه دارند...

بخش‌هایی از سند شماره 634 که حاوی یادداشت «مسیویرتیلو» به زبان فرانسوی است را می‌آوریم: مسأله آینده کردستان، از پیچیده‌ترین موضوعات می‌باشد... محال است بتوان کردستان را به ارمنستان ضمیمه نمود، چون ارمني‌ها اقلیت و کردها اکثریت هستند... کردها مدنیت را بیشتر می‌پسندند... صلاح‌الدین ایوبی که یکی از جنگاوران بنام عصر خود بود، یکی از همین کردها بوده است... جغرافیای کردستان، طبیعت زمین و ویژگی‌های ساکنان کرد، آنها را به ملتی کاملاً متمایز در خاورمیانه تبدیل نموده است. بنابراین فرانسه و بریتانیا در مورد حل مسأله کردها باید بسیار دقیق و باحوصله عمل کنند... پیمان «سایکس- پیکو» کردستان را به دو منطقه تحت نفوذ فرانسه و بریتانیا تقسیم کرده است... دخالت اروپا در امور کردستان، امری حیاتی است... موقتاً باید موضوع فدرالیزه شدن کردستان را تحت نظر اروپا دنبال نمود... حفظ اقتدار ترکها در کردستان- هر چند سمبليك هم باشد- ضروري می‌نماید... انجمن‌های داخلی باید تحت نظارت انگلیس و فرانسه تشکیل شوند... مادامی که مرزهای ارمنستان و ایالت موصل مشخص نشوند، حل مسأله کردستان، غیرممکن خواهد بود.

Documents of British Foreign Policy, 1919-1939 First Series, Vol. Iv, London, 1952, No (633) No (634) PP.940

درخواست‌های ایران

سند شماره‌ی 825

درخواست‌های ایران، نخستین بار در سند شماره 825 آمده است. این سند، نامه‌ی وزیر خارجه‌ی بریتانیا «ایرل کرزن» است که در تاریخ 25 اکتبر 1919 از لندن به عنوان «ایرل دربی» در پاریس ارسال شده است. در این نامه، وزیر خارجه بریتانیا با اشاره به سفر وزیر خارجه ایران در کابینه‌ی وثوق‌الدوله (نصرت‌الدوله فیروز) می‌گوید: وزیر خارجه ایران ملت‌مسانه از من خواست موضع حکومت علیه را در دو مورد برای او روشن نمایم: نخست مسأله‌ی کردستان و دوم مسأله‌ی ترکستان.

در ادامه‌ی نامه آمده است:

در مورد کردستان، «نصرت‌الدوله» وزیر خارجه ایران گفت: سخن گفتن از «کردستان ترکیه» یا «کردستان ایران» اشتباه است چون در واقع، همه‌ی آنها يك کردستان هستند آن چیزی هم که شما به عنوان خطوط مرزی می‌شناسید، توهمی بیش نیست... اگر حکومت بریتانیا مسأله کردستان واحد را مطمح نظر قرار دهد، دولت ایران نیز پشتیبانی خواهد کرد مشروط بر آنکه کشور متبوع وی نیز نقشی در کردستان آینده داشته باشد.

Documents of British Foreign Policy, 1919-1939 Vol. Iv, No. (825).

P.1924

سند شماره‌ی 825

در این سند، تلگراف «لرد کرزن» وزیر خارجه‌ی بریتانیا به «سربرسی کوکس» سفیر این کشور در تهران در نوامبر 1919 آمده است. «کرزن» در این تلگراف می‌گوید:

«وزیر امور خارجه ایران، یکبار دیگر به ملاقات من آمد و با تقدیر نقشه‌ای که ادعاهای ارضی حکومت ایران را طرح و از کنگره صلح پاریس می‌خواست آنها را مورد بررسی قرار دهد، مرا شگفت‌زده نمود...»
کرزن در ادامه می‌گوید: دو حالت وجود دارد. حالت اول آن است که ایران، مدعی اراضی کردنشین مرزهای ترکیه- ایران به طرف غرب دریاچه ارومیه و مناطق کردنشین امپراتوری عثمانی خواهد شد. بخشهایی از این سند، به شرح زیر است:

The first Proposal was for the annexation of a considerable Tract of Kurdis Territory Lying across Turco Persian Frontier To The west of The Kurdis Conuntry.

کرزن می‌گوید: برای وزیر ایرانی توضیح دادم که اراضی مورد ادعای وی، متعلق به ترکیه بوده‌اند، اما مقام ایرانی برخواست‌های خود و اینکه مناطق مورد نظر، کردنشین هستند، پا فشاری کرد

Ibid, P(6-1225)

سند شماره‌ی 846

این سند، یادداشت وزیر امور خارجه‌ی ایران به لرد کرزن است که در تاریخ 13 نوامبر 1919 به عنوان مقام بریتانیایی و به زبان فرانسوی نگاشته شده است. محتوای این سند، تکرار ادعاهای ارضی ایران در مورد مناطق کردنشین عثمانی و لزوم اعاده‌ی این اراضی به خاک ایران است.

Ibid , No (846). P(30-1229)

سند شماره 849

این سند، نامه‌ی وزیر خارجه ایران خطاب به «لرد کرزن» است که در تاریخ 17 نوامبر 1919 به لندن ارسال شده است. این نامه هم به زبان فرانسوی نگاشته شده است. در بخش مربوط به کردها آمده است:

6-1- درباره‌ی کردها...

کردها به چند قبیله تقسیم شده‌اند. این قبایل، هیچگاه مناسبات خوبی با یکدیگر ندارند. قبیله‌ها فاقد قابلیت لازم برای بوجود آوردن یک اتحاد سیاسی هستند... بنابراین، تنها راه‌حل برای پایان دادن به مسأله‌ی کردها، انضمام آنها به ایران است، چون در ایران چندین عشیرت کرد از جمله مکری و گروس زندگی می‌کنند که قبلاً کوچرو بوده و اکنون ساکن شده‌اند. کردها هرگز تن به سلطه‌ی ارمنی‌ها نخواهند داد... اجتماع قومی، مذهبی و زبانی آنها به‌گونه‌ای است که می‌توانند در شرایط طبیعی با ایرانی‌ها همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند (آیا اعتراف وزیر ایرانی به ویژگی‌های قومی، مذهبی و زبانی بخصوص، دلیلی بر مستقل بودن ملت کرد نیست؟ مترجم)

Ibid, No (849). P(8-1237)

سند شماره‌ی 853

این سند، نامه‌ی سفیر بریتانیا در تهران به (ایرل کرزن) وزیر خارجه بریتانیاست که در تاریخ 21 نوامبر 1919 ارسال و در 23 همان ماه در لندن دریافت شده است...

«کوکس» در نامه‌ی خود می‌گوید: خواهشمند است ضمن مطالعه‌ی گزارش، نظر خود را در مورد وضعیت موجود در شمال ایران اعلام نمائید: در آذربایجان غربی، «سمکوی کرد» به پشتیبانی نیروئی ترك (!!!) و کمک‌های مادی و معنوی، مناطقی از شمال غرب ایران تا «خوی» را اشغال نموده است.

نامبرده در ادامه می‌گوید: لازم است هر چه سریعتر کنسول انگلیس در ارومیه را از معرکه خارج کنیم، چون بیم تعدی به جان او می‌رود. بطور کلی وضعیت آذربایجان آشفته است...

Ibid. No (852) P(1241)

سند شماره‌ی 854

در تلگراف وزیر خارجه بریتانیا «ایرل کرزن» به تاریخ 28 نوامبر 1919 آمده است:

وزیر خارجه‌ی ایران به ملاقات من آمد تا در مورد موضوعات مورد نظر دولت متبوع خود، با من مذاکره نماید. هر دو در مورد مسأله‌ی خطوط مرزی و پیشنهادات امیر (وزیر خارجه‌ی ایران) در مورد گسترش مرزهای ایران به طرف غرب و الحاق مناطق کردنشین عثمانی به ایران سخن گفتیم اما من به هیچ وجه نظر خود را در این مورد بیان نداشتیم. گمان می‌رود مناطق شمال غربی ایران و کوه‌های مرتفع آن هم‌اکنون تحت کنترل «سمکو» قرار دارند.

«کرزن» در تلگراف خود می‌گوید: تصور نمی‌کنم ادعاهای ایران و اقدامات آنها کردهای ساکن در امپراتوری عثمانی را به پذیرش حاکمیت ایران راضی کند... در پایان به وزیر خارجه ایران گفتم: در حال حاضر نمی‌توانم در مورد تغییر مرزها اظهار نظر کنم. این کار مستلزم تحقیقات جغرافیایی و

بررسی‌های بیشتر است با این وجود ما از یاری رساندن به شما بسیار
خرسند خواهیم شد...

Ibid No (854). PP.1247-8

سند شماره‌ی 878

در این سند نامه‌ای دیگر از وزیر خارجه بریتانیا به ثبت رسیده که در تاریخ 5
ژانویه 1920 به عنوان وزیر خارجه‌ی ایران ارسال نموده است:

به هر حال من آماده‌ام هر آنچه در توان داشته باشم مصرف یاری رساندن
به حکومت شما در مورد مرزهای غرب ایران کنم.

Ibid No (878). PP. 1273-4

کنگره‌ی لندن و مسأله‌ی کرد

در ماه فوریه 1920 در شهر لندن کنگره‌ای میان متفقین برگزار شد. در سند
شماره‌ی 12 وزارت خارجه بریتانیا چنین آمده است:

یکی از نشست‌های کنگره در بارگاه نخست‌وزیر بریتانیا (داوینگ ستریت) در
17 فوریه و با حضور «لوید جرج» نخست‌وزیر «لرد کرزن» وزیر خارجه «مسیو
کامبو» و «بیرتیلو» از فرانسه و نماینده‌گان ایتالیا و ژاپن برگزار شد... در این
جلسه، بررسی مسأله‌ی «موصل» ساعتها به طول انجامید.
در ادامه‌ی سند آمده است:

چون «موصل» تحت سلطه‌ی «بریتانیا» و «فرانسه» نیست، مسأله‌ی
بین‌النهرین نیز در گرو تعیین مرزهای شمالی بود... در مورد کردستان نیز
این سؤال مطرح بود که آیا همچنان به عنوان بخشی از حریم عثمانی
باقی بماند یا خیر... چون «مسیوبیرتیلو» به هیچ وجه قائل به تقسیم
مسئولیتها نبودند

Documents of British Foreign Policy, 1919-1939 No. (12), Vol VII

First Series. P 103, 1920, London 1958

در بخش دیگری از سند شماره‌ی 12 آمده است:

«لرد کرزن» بر این باور بود که فرانسه، قیومیت «کلیکیا» (جنوب ترکیه
نزدیک مرزهای شمال سوریه و دریای مدیترانه) را خواهد پذیرفت، اما
فرانسه خردمندانه شانه خالی کرد. سرانجام، اقدام فرانسه به این منجر
شد که مرزهای ترکیه به مرز کردستان نزدیک شود (هنگام تأسیس
چارچوبی برای کردستان در ترکیه، منطقه‌ای حائل وجود نداشت که به
وسیله‌ی آن، ترکیه را جدا کرد) سؤال اصلی این بود: آیا کردستان در
امپراتوری ترکیه باقی بماند یا مانند آذربایجان مستقل شود؟...

Ibid No (12), P 106 Voll, VII

«مسیو بیرتیلو» در پایان گفت: مسأله‌ی کردستان، همچنان مورد بررسی
خواهد بود... براین باورم که «لرد کرزن» اعلامیه‌ای منتشر خواهد نمود.

Ibid No (12). Vol VII P.108

گفتگوها در مورد پیمان صلح با ترکیه

در سند شماره 18 آمده است:

«کرزن» گفت: گویا «بیرتیلو» بصورت غیر رسمی به بریتانیا پیشنهاد نموده است قیمومیت کردستان، یک قیمومیت فرانسوی- بریتانیایی می‌باشد، اما بریتانیا این پیشنهاد را نمی‌پذیرد و قطع‌نامه‌ای هم امضاء نخواهد کرد... دلیل نپذیرفتن این درخواست نیز عدم تمایل بریتانیا به دخالت در امور کردستان است... به همین خاطر فرانسه و بریتانیا بر سر استقرار کردستان به توافق رسیدند...

در ادامه سند آمده است: «لرد کرزن» مایل است پس از مشورت با وزارت هند، چند پیشنهاد در اختیار متفقین قرار دهد تا بررسی و در نهایت، یکی از آنها تصویب شوند. اما در هر حال موضوع بازگشت قدرت ترکها به کردستان، منتفی است، چون هر اقدامی در این مورد به مصلحت نخواهد بود... در نهایت، «مسیو بیرتیلو» این موضوع را پذیرفت که حل مسأله‌ی کردستان متمم حل مسأله‌ی تمام ترکیه باشد:

«لرد کرزن» باید نقشه‌ی کردستان را تهیه و برای بررسی در برابر متفقین قرار دهد تا تصمیم نهایی در مورد آن اتخاذ و در کنگره‌ی صلح به تأیید برسد.

Ibid No (18) Vol. Vii, PP 159-60

در سند شماره 20 نیز چنین آمده است:

... اما در مورد کردستان، وزارت خارجه بریتانیا سرگرم بررسی پیشنهادهای مختلف برای ارائه‌ی راهکارهای مناسب به کنگره است...

Documents of British Foreign Policy, 1919-1939, First Series, Vol VII, P.138.

... ازم است وضعیت کردستان و مرزهای آن به طور کامل مشخص و «لرد

کرزن» نیز پیشنهاد خود را ارائه نماید...

Ibid, P 185

کنگره‌ی لندن

سند شماره 29

این سند، مشروح مذاکرات متفقین در کنگره‌ی لندن به تاریخ 26 فوریه 1920 است. در بخشی از این مذاکرات، فرانسه و ایتالیا از ادعاهای خود در کردستان و شرق دجله دست برداشتند... «مسیوکامبو» عضو فرانسوی با طرح سؤالی از اعضاء کنگره پرسید: آیا محتوای اصلی موضوع، استقلال کردستان است یا خیر؟ و آیا این مسأله در کنگره حل شده است؟

«لرد کرزن» در پاسخ گفت: مسأله کردستان در نشست اعضای کنگره لاینحل باقی مانده است... اما در کنگره به این نتیجه رسیده است که «لرد کرزن» و «مسیو بیرتیلو» تا وصل نتیجه‌ی نهایی به گفتگو پردازند...

کرزن در ادامه می‌گوید: نخست‌وزیر بریتانیا «لوید جرج» در برابر کنگره به تشریح برخی خطوط اساسی که امروز عصر قرار است در برابر مجلس نمایندگان بریتانیا ارائه کند، خواهد پرداخت. لوید جرج گفت: به تصمیمات

متفقین در مورد جدایی سرزمینهای غیر ترک امپراتوری عثمانی یعنی سرزمین اعراب، ارمنی‌ها، سریانی‌ها و کردها خواهد پرداخت، چون مورد اخیر (کردها) قطعاً ترک نیستند...

در همان سند به گفتگوهای «مسیوبیرتیلو» و «کرزن» نیز اشاره شده است:

- مسیو بیرتیلو: در این مناطق، منابع طبیعی بسیاری وجود دارند که تحت کنترل بریتانیا هستند...

- لرد کرزن: اما بریتانیا چیزی از کردستان برداشت نخواهد کرد...

- مسیوبیرتیلو: کردستان برای مرزهای ارمنستان، سریانی‌ها و کلدانیها اهمیت بسیاری دارد...

Ibid Vol VII, P 258, No (29)

سند 371-4149

در این سند، اسامی شرکت کنندگان در کنگره وزارت امور خارجه به تاریخ 17 آوریل 1919 آمده است:

1- اریل کرزن کیدلستون: رئیس

2- کلنل ویلسون: حاکم مدنی بریتانیا در بغداد

3- سرتوماس هولدرنیس: از وزات هند

4- مستر ج. شگبرا: از وزات هند

5- ژنرال و. بارثولومبو: وزارت امور خارجه

6- مستر ج. کیدلستون: وزارت امور خارجه

7- مستر آ. جونز: منشی

8- میجره. یونگ

در این سند مهم که تحت عنوان «آینده اداره در بین‌النهرین» آمده است می‌خوانیم:

نامه‌ای از «کلنل آرنولد ویلسون» به کنگره ارائه شده است که پیش از این در آوریل 1919 به وزارت هند ارسال شده بود. مطالب دیگری نیز به صورت ضمیمه، پیوست شده است. مشروح مذاکرات انجام شده به شرح ذیل می‌باشد:

کرزن (رئیس):

وضعیت بین‌النهرین کاملاً دگرگون شده است. این دگرگونی ناشی از پیمان دو جانبه انگلیس-فرانسه است که در مورخه 8 نوامبر 1918 منعقد شد. پس از انعقاد این پیمان، هیأت شرق (هیأت تحقیق بریتانیا در مورد شرق از وزارت هند که مقر آن در لندن است) از حاکم مدنی بغداد خواست که دیدگاه‌های خود را در کنگره بیان کند... در مورد آینده‌ی حکومت بین‌النهرین به «کرزن کیدلستون» اختیارات کافی داده شد تا پیشنهادهای اولیه‌ی خود را ه مبتنی بر حق تعیین سرنوشت (ملل ساکن) هستند، ارائه نماید مشروط بر آنکه این پیشنهادات، تنها به صورت فرضیه باشند چون هنوز بررسی‌های طولانی و معیارهای بسیاری را باید. تا وضعیت نهایی اداره این سرزمینها روشن شوند... در طول ماه‌های اخیر امسال (1919) حاکم مدنی

بغداد در چندین نامه، ددگاه گروه‌های مختلف قومی و عشیرتی منطقه را تشریح کرده‌اند... در 14 فوریه، وزارت هند، در نامه‌ای نظرات و پیشنهادات خود در مورد آینده‌ی منطقه را به روشنی و با جزئیات تمام، تبیین کرده است... گفتگوهای امروز ما هم با هدف تصمیم‌گیری برای آینده این سرزمین در چارچوب پیشنهادات و دیدگاه‌های مذکور است. در این مناطق، توانسته‌ایم ادارات شهربانی و شهرداری تأسیس کنیم. کلنل ویلسون از افسران سیاسی نیز خواسته است دیدگاه‌های خود را ارائه و اظهار نظر کنند. کلنل ویلسون، حتی از «سربرسی کوکس» خواسته است که به بین‌النهرین بازگشته منصب نمایندگی سامی بریتانیا در بغداد را خود شخصاً عهده‌دار شوند. مشارالیه همین پیشنهاد تقسیم مناطق کردنشین به چند استان و اداره‌ی هر یک توسط نمایندگان مستقل را مطرح نموده‌اند... غالب افسران سیاسی نیز این پیشنهاد را پسندیده‌اند اما «کلنل هاول» معتقد است کردستان، به استثنای موصل، به پنج استان تقسیم شود... اکنون لازم است «کلنل ویلسون» نقشه‌ی نهایی خود را ارائه نماید تا در جلسه امروز طرح و به تصویب نهایی برسد.

کلنل ویلسون:

«کلنل ویلسون» ضمن اشاره به نامه‌ی مورخ 6 آوریل 1919 خود به وزارت هند، با پیشنهاد «کلنل هاول» موافقت نمود. نامبرده در پاسخ یکی از سؤالات «کرزن» گفت:

تقسیمات اداری مورد نظر، مستلزم صدور قطعنامه‌ی کنگره‌ی صلح است... در مورد مرزبندی‌ها سه حالت وجود دارد... نخست: مرزهای کنونی ایالت موصل قدیم... دوم: مرزهایی که از سوی هیأت بریتانیایی قدیم کنگره‌ی صلح شده و در امتداد دریاچه‌ی «وان» و رود «دجله» قرار دارند... سوم: مرزهایی که آمریکاییها پیشنهاد نموده‌اند. اگر آمریکا قیمومیت ارمنستان را بپذیرد، آنگاه مرزها به سوی شمال کشیده خواهند شد.

ایالت موصل قدیم که در مورد اجرایات اداری، پیشنهادی راجع به آن طرح نشده است، سرزمین کردنشین در این سوی خود دارد که به سه بخش تقسیم می‌شود... نخست: یک حریم کردی خالص که در کنار مرزهای ایران قرار دارد و شمار ساکنان آن، 150000 نفر است... دوم: حریمی که مشتمل بر کفری و کرکوک و آلتون کوپری و اربیل با جمعیتی بالغ بر 250000 نفر است... سوم: ایالت موصل که جمعیت آن از 100000 نفر تجاوز نمی‌کند. دو سوم ساکنان موصل عرب و ثلث باقیمانده کرد و نصرانی و... هستند. ند خانواده مقتدر کرد نیز ساکن این ایالتند... در مورد مسأله اداره این منطقه دو راه حل وجود دارد. نخست: یک کردستان خودمختار با مرکزیت موصل که دارای اکثریت بوده و آرمان نهایی کردهاست. دوم: تأسیس ایالت مستقل موصل و چند دولت خودمختار و کوچک کردی در اطراف آن (سلیمانیه، رواندوز، آمیدی، جزیره ابن عمر)... این دولتهای کوچک، رهبران بومی کرد و رایزن سیاسی بریتانیایی خواهند داشت که افسران سیاسی، مستقیماً با بغداد ارتباط خواهند داشت...

رئیس:

در صورت انتخاب راه حل دوم، سرنوشت دیاربرکر، اورفا و جرابلس چه خواهد شد؟

کلنل ویلسون:

شخصاً مایل به انتخاب راه حل دوم نیستم چون در آن هنگام، دیگر پیوندي میان دیاربرکر، اورفا و سلیمانیه وجود نخواهد داشت... اداره‌ی منطقه دیاربرکر مستلزم هزینه نظامی بسیار خواهد بود... در صورتی که بریتانیا ناگزیر از اداره‌ی دیاربرکر و اورفا شود، باید يك ایالت دیگر با مرکزیت دیاربرکر به ایالت‌های پیشنهادی دیگر افزود... البته احتمال تأثیرپذیری موصل از اعتراضات مردمی دیاربرکر وجود دارد، اما چندان نیرومند نخواهد بود...

مسترکیدلستون:

در میان اکثرناتیوهای ممکن برای پذیرش مسئولیت حکمرانی دیاربرکر و جزیره ابن عمر، نام اشخاصی چون ژنرال شریف پاشا، سید عبدالقادر شمدینانی و خاندان بدرخانین دیده می‌شود.

کلنل ویلسون:

این افراد مقبولیت چندانی ندارند چون از کردستان بریده‌اند... من شخصاً مایل به بازگشت قدرت ترک‌ها به دیاربرکر هستم. «ویلسون» در پاسخ یکی از سؤالات کرزن گفت: راه حل دوم، از دیدگاه من ایده‌آل است.

سرهولدرنس:

در «برمه» نیز دولت‌های کوچکی وجود دارند که نام هر يك از آنها «شان» است.

کلنل ویلسون:

تنها يك راه برای تأسیس کردستان مستقل تحت نظارت بریتانیا وجود دارد و آن، تأدیه بدهی‌های عثمانی توسط کردهاست که از محل درآمد توتون تأمین می‌شود... نگرانی دیگری که وجود دارد مانع تراشی رهبران کرد در کردستان خودمختار آینده بر سر راه جمع‌آوری مالیات است... از دیدگاه من نیز راه حل دوم، بهترین است...

سرهولدرنیس:

مسأله‌ای که در مورد مالیات بدان اشاره شد، در هند نیز مشکلاتی به پا نمود...

کلنل ویلسون:

انتقال توتون به صورت قاچاق در ایران و در ادامه برگرداندن آن به بین‌النهرین بسیار آسان است.

سرهولدرنس:

در برابر خدمت بریتانیا، رهبران کردستان نیز باید مسوولیت تأدیه بدهی را به عهده گیرند...

رئیس:

به جای تصویب قانون در مورد توتون، می‌توان کردها را به پرداخت مبالغی معین به خزانه مجاب نمود...

مسترشکبرا:

اما در مورد محتوای یادداشت میجرنوویل، که پیش از این اشاره شد...

رئیس:

برخی از ایالت‌های بین‌النهرین، تمایلی به جدایی از امپراتوری عثمانی ندارند.

مسترکیدلستون:

آیا اتحاد کردستان اهمیتی دارد؟

روابط ما با ایران، اجازه نمی‌دهد درخواست کردهای ایران را بپذیریم... دولت‌های خودمختار کردی پیشنهادی، بسیاری مشکلا، از جمله شورش‌های ناخواسته را خنثی می‌کنند.

رئیس:

در مورد موصل و رdstان، راه حل دوم مناسب‌تر است... من از اعتراض فرانسوی‌ها به تصمیم اخیر باکی ندارم... اعطای اختیارات به «ویلسون» از سوی کنگره برای اجرای پیشنهادات مورد نظر، عملی کاملاً بجاست... در پایان جلسه به «کلنل ویلسون»، اختیار داده شد جهت تأسیس پنج استان، براساس پیشنهاد «کلنل هاول» اقدامات اولیه را انجام دهد. این پنج استان، شامل چهار استان کردنشین به رهبری حاکمان کرد و رایزنی افسران سیاسی بریتانیا و یک استان عربی (موصل) خواهند بود.

Public Record, Office, (Foreign Office) 371-4149, H325 (Printed For The F.O. May 1919) (Inter- Departmental Conference on Middle Easten Affairs). April, 1919.

سند شماره‌ی 50

این سند، در جلد هفتم اسناد سیاسی وزارت خارجه بریتانیا آمده که نامه‌ی نماینده سامی بریتانیا در استانبول به تاریخ 5 مارس 1920 است: کمیسیون عالی متفقین، به بررسی جزئیات دقیق طرح‌های سیاسی مورد نظر در مورد استانبول پرداخت... متفقین، لازم است سلطان عثمانی را به تأسیس ارمنستان مستقل و به رسمیت شناختن کردستان مستقل مجاب نمایند.

Documents of British Foreign Policy, 1919-1939, First Series, Vol VII, PP, 421-2, No, (50).

کنگره سانرمو

این کنگره در آوریل 1920 و در شهر «سانرمو» با حضور نمایندگان متفقین برگزار شد. باستناد سند شماره 5 جلد هشتم از اسناد سیاسی وزارت خارجه بریتانیا، دیدگاه‌های هیأت بریتانیایی حاضر در نشست 19 آوریل 1920 بشرح زیر ثبت شده است:

از طرف بریتانیا نخست‌وزیر «مسترلویدجرج» و از سوی فرانسه، «مسیو میلیران» و هیات‌های همراه در جلسه حاضر بودند...

مستر لوید جرج پیشنهاد نمود کمیسیون عالی، مساله‌ی کردستان را در دستور قرار دهد...

مستر لورد کرزن گفت: حال مساله‌ی کردستان، بسیار سخت است. کردستان، هم مرز ارمنستان و در عین حال مسکن سربانی‌ها، نصرانی‌ها و کلدانی‌ها نیز هست... پیشنهاد اولیه ما قیومیت کردستان بصورت انگلو - فرانسوی بوده است. جنوب کردستان بخشی از ایالت موصل را نیز پدید می‌آورد که قیومیت آن به بریتانیای کبیر واگذار شده است... پیشنهادات مختلفی در مورد کردستان طرح شده است... هم اکنون بهتر آن است که کردستان از ترکیه جدا و بعنوان یک سرزمین خودمختار برسمیت شناخته شود. در این میان، مشکل‌ترین موضوع، آگاهی کامل به خواست کردهاست... بالاخره ما متوجه نشدیم که نماینده واقعی کردها چه کسی است؟... «شریف‌پاشا» خود را نماینده کردها می‌داند، اما کردها او را برسمیت نمی‌شناسند... کردها مایل به قیومیت بریتانیایی هستند و بیگمان، قیومیت فرانسه را هم می‌پذیرند. این سرزمین، تا کنون بخشی از ترکیه بوده است بنابراین، انفصال آن از ترکیه بسیار سخت می‌نماید... بخشی از جنوب کردستان که مشتمل بر مناطق کوهستان ایالت موصل است، اهمیت فراوانی برای مقاصد بریتانیا دارد.

پس از این بیانات، «کرزن» پیشنهاد چهارماده‌ای خود را طرح نمود... به دنبال پیشنهادات «کرزن»، عضو هیات فرانسوی «مستر بیرتیلو» گفت: با پیشنهادات کرزن موافقم، اما راه حل‌های ارائه شده برای مساله کردستان در مقطع زمانی فعلی، قطعی نمی‌نماید، از این رو بتعویق انداختن تصمیم‌گیری نهایی بهتر است... نمایندگان کردها هم اکنون از لندن و پاریس، در حال مذاکره با مقامات سیاسی هستند. نمایندگان سربانی‌ها و کلدانی‌ها نیز برای وصول به اهداف خود حتی به «سان‌رمو» هم آمده‌اند... قیومیت مناطق کردنشین ایالت موصل توسط بریتانیا نیز مساله‌ای است که در گرو توافق فرانسه است...

پس از بریتانیا و فرانسه، نماینده ایتالیا در کنفرانس (سناتور نیچی) درخواست نمود مساله کردستان فردا ادامه پیدا کند. «بیرتیلو» هم گفت: بنظر من بهتر است به دو روز دیگر موکول شود.

Documents of British foreign policy 1919 – 1939, first series, voll vii, 1920, London, 1958 (sanremo April 1920) No. 5

مقامات بریتانیا در دو کنگره داخلی در مورد مساله کردستان به گفتگو می‌نشینند.

در کنگره آوریل 1920 لندن، افراد زیر حضور داشتند:

1. وزیر خارجه ایرل کرزن (رئیس)
2. ژنرال رادکیل (وزارت جنگ)
3. کلنل لیفتنات (وزارت جنگ)
4. سر جرج بارستو (وزارت مالیه)
5. سر جون تیللی (وزارت خارجه)
6. مستر فوربس آدام (وزارت خارجه)
7. مستر اولیناف (وزارت خارجه)
8. کاپیتان لاین (وزارت جنگ)
9. اس. مونتگیو (وزارت هند)
10. سر آرتور هرترزل (وزارت هند)
11. مستر سی. کاربت (وزارت هند)
12. سر هیوز ترینگارد (وزارت پرواز)
13. جانیر (وزارت پرواز)
14. میجر اچ. یونگ (منشی کنگره)

در نشست این کنگره تحت عنوان «کردستان و سرزمین بین‌النهرین» آمده است:

«لرد کرزن» گفت: این، چهارمین کنگره در مورد کردستان است. در تمام نشستهای پیشین، خطوط کلی، اهداف و برنامه‌های مورد نظر از یک نشست به نشست دیگر فاقد هماهنگی و انسجام بوده‌اند. این موضوع نیز متأثر از تغییرات و دگرگونی‌های سریع منطقه است نه قصور اعضای کنگره. نخستین پیشنهاد قابل توجه، ایجاد چند دولت کوچک خودمختار کردی در اطراف ایالت موصل بود... پیشنهاد بدیل فرانسوی‌ها تقسیم کردستان به دو منطقه‌ی تحت نفوذ فرانسه و انگلیس بود... در آخرین نشست «کنگره سان‌رمو» که وزیر هند در آن حضور داشت، کنگره از حکومت بریتانیا خواست تا با قطع نقاط اتصال خود با کردستان، در حوزه‌های دجله و فرات باقی بماند. بریتانیا نیز این موضوع را پذیرفت و بستره مناسب برای گفتگو با چند تن از نمایندگان کرد و اطلاع از موضع آنها در مورد خودمختاری و یا استقلال کردستان فراهم آمد. بهمین خاطر، کمیته تحقیق راهی استانبول و بغداد شد... نماینده‌ی سامی بریتانیا در بغداد بر این باور است که «شریف‌پاشا» نماینده واقعی مردم کردستان نیست و فاقد صلاحیت لازم برای سپردن وظایف سنگین (خومختاری کردستان) است... حاکم مدنی بغداد نیز با تأیید این اظهارات مدعی است که در کردستان، شخصی وجود ندارد که بنام ملت کرد سخن بگوید...

اکنون ما در وضعی بسر می‌بریم که در صورت تمایل، می‌توانیم کردستان را از ترکیه جدا نماییم، اما در مورد انتخاب فردی قابل که توانایی تاسیس دولتی خودمختار را داشته باشد، نمی‌توانیم با قاطعیت اظهار نظر نماییم...

«کنل ویلسون» ضمن اظهار نارضایتي شدید از وضع ما در مورد جنوب کردستان گفته است ما اداره‌ی موصل، سلیمانیه و اربیل را بعهدہ گرفته‌ایم، در صورتی که از حمایت خود دست برداریم، نه تنها جنوب کردستان را از دست داده‌ایم - بلکه حتی با تهدید از دست رفتن نفوذ در ایران مواجه خواهیم شد... پیشنهادی از «نوری‌پاشا» (نوری‌سعید) که هم اکنون در لندن بسر می‌برد، دریافت نموده‌ایم که در آن، تمایل کرده‌ای کردستان به پذیرش حاکمیت «الشریف‌عبدالله» پادشاه سابق اردن و برادر «ملک‌فیصل» در صورتی که به ریاست حکومت عربی در بغداد برگزیده شود - اظهار شده است... از دیدگاه ما حضور «ملک‌عبدالله» در عراق، کلید پیروزی ما نیز هست چرا که نیت ما از اعزام نیرو به بصره حفظ حاکمیت ابدی بر سرزمین بین‌النهرین نبوده است... در مورد کردستان نیز پیشنهادات من، شرایط مقتضی را برای چاره‌سر نمودن معضل کردستان فراهم خواهد آورد. از سوی دیگر وزارت هند نیز توصیه نموده است ارتباطات خود را با جنوب کردستان تعدیل نماییم... حال سؤال این است که اگر ساکنان بین‌النهرین حکمرانی «عبدالله» را پذیرفته و کردها نیز اظهار تمایل نمودند، آیا دلیلی برای عدم پذیرش موضوع وجود خواهد داشت؟...

«آرتور هرتزل»: همچون «مسزیل» یک امیر عرب را برای حکمرانی بین‌النهرین می‌پسندند اما من تصور نمی‌کنم مقصود ایشان، «عبدالله» باشد...

مستر شکیر:

مستر مونتاگیو گفت در مورد آینده کردستان، اساسی‌ترین تلاش ما باید حول محور دور کردن ترکها از مساله کردستان دور بزند... حل موضوع کردستان به صورت جزء بجزء نیز بسیار مشکل است چون تمام اجزا بیکدیگر پیوسته‌اند.

ایرل کرزن:

یکی از انتقادات وارد بر «دولت نیمه خودمختار کردی» (Quasi - Autonomous kurdisch State) آن است که رایزنان بریتانیا معتقدند فرانسوی‌ها نیز تمایل دارند دولت نیمه خودمختاری در شمال کردستان تاسیس کنند. درست است که فرانسه، ظاهراً به پذیرش قیومت «کلیکیا» راضی است، اما هدف اساسی این کشور گسترش حوزه‌ی قدرت به شرق و بلعیدن غرب کردستان است... اما در حالت فعلی، اگر اعلام کنیم که از منطقه خارج خواهیم شد، از فرانسه برای خود یک اپوزیسیون بوجود آورده‌ایم...

در مورد ترکها هم باید بگویم اگر آنها را در بازگشت به شمال کردستان، آزاد بگذاریم تنها برای آنکه آسوری‌ها بتوانند به مسکن خود بازگردند، تاوان سنگینی خواهیم پرداخت...

مونتاگیو:

بنابراین بهتر است به فرانسه اطلاع دهیم که مساله کردستان باید هر چه سریعتر حل و فصل شود...

کرزن:

نباید فراموش کرد که فرانسوی‌ها ممکن است در برابر راه حل کردستان مستقل، امتیازات بازرگانی بسیاری طلب کنند، هر چند بازرگانی آنها در «کلیکیا»، هم اکنون با مشکلات بسیاری روبروست...

(P.R.O) (FO) 371 - 5068 , E3706/1/44 iNter --- Departmental conference on Mid , East . Affairs (Draft – Minutes of a Meeting held at the foreign office on april 13 th 1920

(P.R.O) (fo) 371 , 6343 – 4842 march 15, 1921

(P.R.O) (fo) 371, 6346 – 2262 (E342)

پروژه فانسیتات و طرح‌های پیشنهادی برای کردستان

1 - هیاتی که مقرر آن در استانبول است با شرکت نمایندگان حکومت بریتانیا، فرانسه و ایتالیا تشکیل شود تا پروژه‌ای طرح و در مدت شش ماه، بررسی، تأیید و اجرا شود. این پروژه به مساله خودمختاری مناطقی که غالب ساکنان آن کرد هستند و در شرق رود فرات، جنوب مرزهای ارمنستان، شمال مرزهای سوریه، غرب مرزهای ایران - ترکیه و سرزمین بین‌النهرین قرار دارند، اختصاص خواهد یافت.

این پروژه همچنین حقوق اساسی آسوری‌ها، کلدانی‌ها و اقلیتهای ملی و مذهبی منطقه را تدوین خواهد کرد، بهمین خاطر، هیاتی مرکب از نمایندگان بریتانیایی، فرانسوی، ایتالیایی، کرد و ایرانی به مناطق کردنشین سفر خواهند کرد تا مساله‌ی لزوم دستکاری مرزهای ترکیه، در همسایگی ایران را مورد بررسی قرار دهند.

2 - لازم است حکومت ترکیه ماده اول را بدون قید و شرط قبول نماید.

3 - اگر در مدت یکسال مشخص شود اکثریت ساکنان این منطقه، تمایل به استقلال و جدایی از حکومت ترکیه دارند، ترکیه موظف به اطاعت از قطعنامه‌های هیات بوده ملزم به دست برداشتن از همه‌ی حقوق و امتیازات خود خواهد بود.

4 - متفقین، بهیچ وجه نباید از تصمیم ساکنان کردستان در مورد آینده خود ناخرسند بوده و در این مورد اظهار نارضایتی نمایند...

Documents on the British foreign policy. 1919 – 1939 , first series , vol vill , 1920, pp 43 – 45

معاهده سه جانبه بریتانیا، فرانسه و ایتالیا

این معاهده در مورخ 23 آوریل 1920 میان سه کشور بریتانیا، فرانسه، ایتالیا منعقد شد. ضمیمه نخست سند شماره 13 از جلد سوم اسناد وزارت خارجه بریتانیا به شرح این معاهده اختصاص دارد:

ضمیمه نخست از سند شماره 13

معاهده سه جانبه (خیلی محرمانه)

هرسه حکومت فرانسه، بریتانیا، ایتالیا انتظار دارند حکومت ترکیه آنها را جهت دستیابی به اهدافشان یاری نمایند... به نظر متفقین توسعه و تعالی کردستان مستلزم استقلال این سرزمین است بنابراین متفقین از هیچ اقدامی برای انجام این مساله خودداری نخواهند کرد... از این رو منافع ایتالیا در جنوب آناتولی، فرانسه در «کیلیکیا» و غرب کردستان تا جزیره‌ی ابن‌عمر و مصالح بریتانیا در شرق دجله منجر به انعقاد معاهده‌ای سه جانبه شد که مشتمل بر موارد ذیل است:

1- دول همپیمان که دارای دیدگاهی مشترک در آینده‌ی منطقه هستند، جهت حفظ منافع خود و مصالح منطقه، اقدامات لازم را انجام خواهند داد...

2- هرگاه حکومت کردستان بخواهد فعال‌سازی اراده‌ی امور داخلی خود از نیروی خارجی درخواست کمک کند، بریتانیا، فرانسه و ایتالیا به یاری آن خواهند شتافت...

3- دول همپیمان از اعطای امتیازات بازرگانی و... به دولتها و اشخاص حقیقی حمایت نخواهند کرد...

4- متفقین از هیچگونه اقدامی جهت همکاری‌های دیپلماتیک میان یکدیگر خودداری نخواهند کرد...

Ibid , (Ippendix T) to no – (13) (draft of tri partite agreement) , pp 141 – 142

سند شماره‌ی 8

این سند، شرح یادداشت‌هایی است که منشی هیات بریتانیایی درباره‌ی نشست اعضای هیات عالی کنگره‌ی سان‌رمو بتاريخ 1920 تحت عنوان «کردستان» نگاشته است:

... رئیس هیات ایتالیایی، سینیور نیتین گفت: هیات بریتانیایی مایل بود در مورد کردستان، طرحی چهار ساده‌ای به هیات عالی ارائه نماید.

عضو هیات فرانسوی، مسیو برتیلو گفت: مسئله مرزهای کردستان چندان مهم نیست، ما با طرح این چهار ماده موافقیم اما هیچ اقدامی را در مورد به خطر افتادن حقوق اقتصادی فرانسه تحمل نخواهیم کرد.

پس از گفتگوهای کوتاه در مورد این طرح هیات عالی با موارد ذیل موافقت نمود:

1) پذیرش موادی که هیات بریتانیایی در مورد کردستان پیشنهاد نموده است.

2) هرگاه هیأت تصمیم‌گیری در مورد کردستان نتواند به نتیجه‌ای قطعی دست‌یابد، آنگاه مسأله به سرام دول متبوع ارجاع خواهد شد.

Ibid, P 77.

یادداشت سرفواندهی کل در مورد وضعیت ترکیه

سند شماره 23

این سند در جلد 13 اسناد سیاسی وزارت خارجه بریتانیا آمده است که نامه وزارت جنگ بریتانیا بتاریخ 15 مارس 1920 است. در بخش نخست این یادداشت آمده است:

1- تأثیرات کلی:

الف: تأثیر سیاسی: توازن سیاسی بسود کمالیست‌های ملی‌گرا تغییر کرده بود. نهضت کمالی تبدیل به يك جریان نیرومند سیاسی شده است...

ب: ملت‌های دیگر (کردها): ملی‌گرایی کردها در عین شدت فاقد انسجام و هماهنگی است. از این رو ترک‌ها تلاش می‌کنند از آن به بهترین شیوه‌ی ممکن سوء استفاده کرده و در مسیری قرار دهند که باب طبع آنهاست... کردها نیز اگرچه بر مشروعیت خلافت عثمانی صحنه می‌گذارند، اما يك حزب نیرومند در میان آنها وجود دارد که برای استقلال کردستان تلاش می‌کند... تحریک کردها از سوی يك نیروی خارجی منتفی است... گمان نمی‌رود کردها از ادعای استقلال خود بسود کمالی‌ها دست بردارند... در صورتی که درخواست‌های خود را با اتکاء به نظامی‌گری عملی نماییم، مشکل بتوان ترکیه را به پذیرش التزامات راضی نمود...

التزامات و شروطی که برای ترکیه تعیین شده‌اند:

ج- ترکیه باید از همه ادعاهای خود در مورد کردستان دست بردارد...

د- به رسمیت شناختن ارمنستان...

Documents of the British foreign Policy, 1919-1939, first Series, n 20,

Vol XIII, No (23)

سند شماره 144

این سند، نامه‌ی نماینده سامی بریتانیا در قسطنطنیه «آدمیرال دی روبیک» به «ایرل کرزن» است که بتاریخ 28 سپتامبر 1920 نگاشته شده است دی روبیک با اشاره به یادداشت «ریان» درباره‌ی نهضت ملی آناتولی که در تاریخ 23 سپتامبر ارسال شده است می‌گوید:

ما هم اکنون با دو موضوع عمده روبرو هستیم: پیمان صلح و مسأله کردها...

در مورد مسائل مربوط به پیمان صلح، به نتایج مناسبی دست یافتیم، اما معضل کردها همچنان پابرجاست. شاید باشند سیاستمدارانی که اهمیت چندانی برای این موضوع قائل نشوند... گروه‌های بسیاری متأثر از شعارهای مصطفی کمال، از دیدگاه‌های او تأثیر پذیرفته‌اند... اما گروه‌های دیگری نیز وجود دارند که حداقل دو نقطه مشترک دارند: یکی آرمان تأسیس کشور مستقل و دیگری خصومت با ترک‌های کمالی. با وجود این نقاط

اختلاف بسیاری نیز وجود دارد... اگر بریتانیای کبیر بتواند از فرصتهای موجود بنحو احسن استفاده نماید آنگاه می‌توان جبهه‌ای واحد از کردها علیه نهضت کمالی و بلشویکها گشود... کردها اکنون بدلیل آنکه در پیمان «سور» اهمیت چندانی برای آنها قائل نشده‌ایم بسیار خشمگین هستند که عمده‌ی این تحریکات به قلمرو تحت نفوذ فرانسوی‌ها باز می‌گردد... از سوی دیگر کردها در مورد آینده‌ی مرزهای خود با ارمنستان بسیار نگرانند. آنها هرگز راضی به پذیرش قیمومت ارمنی‌ها نخواهند بود... نباید فراموش کرد که اساسی‌ترین پیشنهاد در مورد آینده روابط کردستان و بریتانیا، عقب نشینی منظم نیروهای بریتانیا از کردستان است.

سند شماره (71) (5068) وزارت امور خارجه بریتانیا
(44/11/2486) مورخ 30 مارس 1920

این سند، نامه وزیر خارجه بریتانیا به حاکم مدنی بغداد بتاريخ 23 مارس 1920 است. وزیر خارجه در این نامه می‌گوید:

حکومت بریتانیا بار دیگر مسأله کردستان را در اولویت سیاستگزاری خود قرار داده است به امید آنکه پیشنهادهاي جدید جایگزین راه‌حلهای پیشنهادی پیشین گردند... ضرورت عقب نشینی منظم نظامی و کاهش التزامات سیاسی کاملاً احساس می‌شود... حکومت بریتانیا آماده است در صورت رضایت کردها به جدایی از ترکها بندهایی دیگر به پیمان صلح اضافه کند و حمایت‌های معنوی خود را در راه دستیابی به ارمان ملی کردها افزون نماید... مشکل اصلی، ناهماهنگی به تمام معنی کردها در طرح ادعاهای مورد نظر است. ما واقعاً نمی‌دانیم کردها در نهایت، چه می‌خواهند... کردها فاقد يك نماینده‌ی واقعی و همه پسند هستند و به همین خاطر، کنگره در موضع سردرگمی بسر می‌برد... یکی از پیشنهادهاي مطروحه، دعوت از «شریف پاشا» برای حضور در کنگره و استماع نظرات اوست. نامبرده هم اکنون در لندن بسر می‌برد. پیشنهاد دیگر، دعوت از یکی از اعضای بلند پایه خانه کردها در استانبول است... دیدگاه خانه کردها در استانبول، تأسیس يك کردستان مستقل و تداوم حضور بریتانیا در جنوب کردستان است.

سند شماره (95) (608) یا (271) (419) (2099)

در نامه وزارت خارجه بریتانیا به حاکم مدنی بغداد در مورخه 22 نوامبر 1919 آمده است:

مسأله تعیین خط مشی سیاسی ما در کردستان، با جدیت تمام دنبال می‌شود. برای شروع کار پنج نکته اساسی را در نظر گرفته‌ایم:

- 1- بدلائل سیاسی و نظامی، بهتر است مرزهای میان دو رود (دجله و فرات) محدود باشد.
- 2- تا جایی که مقدور است از عملیات نظامی ارتش بریتانیا در منطقه پرهیز و احتمال بروز بحران کاهش یابد.
- 3- حکومت بریتانیا از پذیرش هر گونه تعهدی بر پایه اصل تحت‌الحمایگی در مورد کردستان خودداری ورزد.

4- حکومتي که قيمومت ارمنستان را مي پذيرد، از امتداد مرزهاي ارمنستان به سوي جنوب پرهيز نمايد.

5- هيچگاه احتمال بازگشت قدرت ترکها به کردستان نادیده گرفته نشود... «ميجر نوپيل» براي حل مسأله کردستان، سه نکته اساسي را يادآوري مي کند:

1- پايان دادن به سلطه ترکیه بر کردستان

2- ممانعت از تجزيه کردستان

3- تعريف سرحدات کردستان بگونه اي که مرزهاي سياسي منطبق بر مرزهاي قومي و نژادي باشند...

از دیدگاه ميجر نوپيل، اگر کردها به آمال ملي خود دست يابند، در آینده دوستان خوبي براي بریتانیا خواهند بود و به نفوذ ترکها در خاورميانه پايان خواهند داد. از نظرگاه او تجزيه کردستان، دشمني ملت کرد را با بریتانیا برانگیخته و دست ترکها را براي سلطه مجدد بر کردستان، باز خواهد کرد. ميجر معتقد است به رسميت شناختن استقلال کردستان در شمال و پذيرش اقتدار سياسي بدرخانيان از سوي بریتانیا، ایده آل ترين راه حل موجود است.

نامه ي سربرسي کوكس به وزارت خارجه بریتانیا در تاريخ 7 دسامبر 1917

سربرسي کوكس در نامه خود به وزارت خارجه بریتانیا مي گوید: هنگامی که در مارس 1917 بغداد را فتح نموديم، ساکنان کردستان بر این باور بودند که ما توانايي دسترسي به مرزهاي ترکیه و ایجاد تغييرات مقتضي را داريم. عشایر کرد نیز فرصت را براي اثبات هويت ملي و دستيابی به حکم خودگرداني مناسب مي دیدند...

Fo 371/3407 (XCA/3785) (From Civil Commissioner, Baghdad, To India office) Dated 7th December 1917

کنگر دواير رسمي بریتانیا درباره ي خاورميانه

در سند شماره (371) (4198) (07115) راجع به مسائل مطروحه در کنگره سپتامبر 1919 در مورد کردستان آمده است:

در نشست بيست و نهم کنگره دواير رسمي بریتانیا در خاورميانه در مورد کردستان، مطالب ذیل به بحث گذارده شد:

نخست: بموجب پيمان دو جانبه حکومت بریتانیا و فرانسه، نيروهاي بریتانیا ملزم به بازگشت به پشت خطوط مورد توافق شده اند که از رودخانه ي فرات به طرف راست و به سوي «خاپورسو» و «جوغجوغ سو» تا دره ي «عراد» و از آنجا به سوي رودخانه «دجله» به طرف غرب تا جزيره ابن عمر و «تيل» امتداد دارند. (این نخستين بار است که در يکي از اسناد بریتانیا حدود مرزهاي کردستان، دقيقاً مشخص مي گردند - مترجم)

دوم: میجر نوییل و کلنل بیل، خود را برای سفر به کردستان و بررسی وضع منطقه تحت کنترل بریتانیا آماده نموده‌اند.

Fo 371/4198 (HM 07115), Secret, Inter Departmental Conferena on Middle Eeasteyn Affairs additional Note, Situation in Kurdistan, 1919

در ادامه این سند آمده است:

مسأله نخست که باید در مورد آن به نتیجه قاطعی دست یافت، موضوعی است که به عقب‌نشینی نیروهای بریتانیا از خطوط مورد نظر می‌انجامد. هنوز روشن نیست که آیا با عقب‌نشینی نیروهای بریتانیا از منطقه، حوزه‌ی نفوذ فرانسه، نقاط خلأ را خواهد پوشاند؟... اگر چنین اتفاق بیفتد، آنگاه تمام تلاشها برای تأسیس یک دولت خودمختار کردی تحت قیمومت یک کشور اروپایی، عقیم خواهد ماند... پس باید به این نکته توجه کافی نمود که لازم است حکومت بریتانیا با ارائه نقشی قدرتمندتر، اهمیت بیشتری برای کردها و ارمنی‌ها در غرب این خط حائل قائل شود... اما نقش اصلی در این میان به عهده‌ی نماینده‌ی سامی در استانبول است، فرمانده‌ی نظامی منطقه بین‌النهرین و یا فرماندهی نیروهای بریتانیای کبیر در فرانسه؟

اگر کنگره‌ی صلح پاریس، در مورد آینده‌ی کردستان قطعنامه‌ای جامع به تصویب نرساند، آنگاه مشکل اصلی ما تعیین خط مشی سیاسی بریتانیا در برخورد دوگانه با کردها و ارمنی‌هاست. در حال حاضر، باید به این سؤال پاسخ داد که آیا بهتر نیست با تقدیم دیدگاههای مورد نظر به کنگره‌ی صلح پاریس، مقدمات تأمین خواسته‌های بریتانیا را در منطقه فراهم آورد و پیشاپیش در این راه گام برداشت؟... به احتمال فراوان، قیمومت بین‌النهرین به بریتانیا واگذار خواهد شد... احتمال آنکه کنگره‌ی صلح با تعیین دقیق مرزها برای خود ایجاد دردسر نماید نیز بسی ضعیف است، به همین خاطر پیشنهادهای متفاوتی در مورد آینده‌ی مرزهای بین‌النهرین و کردستان ارائه شده است... در مورد خط آهن کرکوک- کفری نیز اگر حکومت علیه بودجه لازم را در اختیار بگذارد، کار تأسیس آن، هر چه سریعتر آغاز خواهد شد. هدف اصلی در این میان نیز همانا موصل است نه دفاع از مناطق کردنشین، اگرچه گمان می‌رود تأسیس راه آهن کفری- کرکوک برای حکومت بریتانیا التزام عملی در دفاع از مناطق کردنشین ایجاد خواهد کرد.

تلگراف حاکم مدنی «ویلسون» به وزارت خارجه (22 جولای 1919)

در این تلگراف آمده است:

طوایف مسیحی شرق در کردستان، ما را یگانه منجی خود می‌پندارند، اما کردها تاکنون موضع بی‌طرفی اتخاذ کرده‌اند. برخی رهبران کرد مانند اسماعیل خان سمکو و سید طه شمزینی که با میجر نوییل در ارتباطند، منتظر اشاره‌ای کوچک هستند تا به ما بپیوندند...

Fo 371/4149 (H 325) (107933), from Baghdad, 22 July 1919

سند شماره (371) (4193) (169456) (3050) (3050)
در سند وزارت خارجه بریتانیا بتاريخ 10 ژانویه 1920 آمده است:
در نشست سوم کنگره‌ی دواير رسمي راجع به خاورميانه که در 17 نوامبر
1919 برگزار شد و میجرنوییل در جلسات آن حضور داشت مقدر شد حکومت
بریتانیا به حضور خود در مناطق کردنشین پایان داده و از تأسیس خط آهن
کرکوک- کفری منصرف گردد...
Fo 371/4193 (169456) (3050) (XC/A/4008) (Confidential) Second
Additiond Noteon the Situation in Kurdistan, jan loth 1920.

مرزهاي پیشنهادي کلنل ویلسون براي کردستان

حاکم مدني بریتانیا ژنو 1919 در نامه‌ای خطاب به وزارت خارجه بریتانیا
مرزهاي کردستان را بترتیب زیر تعیین می‌کند:
بدلائل اقتصادي و استراتژیک و بمنظور دستیابی به مسیری مناسب در
کوهستان برای دولت عراق، بهتر است «سلیمانیه»، «رانیه» و «کوی
سنجاق» در حوزه اداری ولایت بین‌النهرین قرار گیرند و «ارییل» متمم ایالت
«موصل» شود. هنگامی که در ششم ژوئن با بزرگان «ارییل» ملاقات
نمودم. مشارالیه‌م نارضایتی شدید خود را از الحاق به کردستان ابراز
داشتند. جدای از اینها «ارییل» در مسیر خط آهن موصل- بغداد قرار
می‌گیرد... بنابراین باید ارییل را چون «اکری» از حوزه اداری کردستان
مستثنی نمود. همچنین باید «دهوک» و «زاخو» را در ایالت بین‌النهرین قرار
داد، اما «آمی‌دی» نه ...
کلنل ویلسون بر تأسیس سرحد جغرافیایی- اقتصادي در کردستان پافشار
می‌کند

در سند شماره 163477 /3947 مورخ 28 نوامبر 1919، کلنل ویلسون در
تلگراف خود به وزارت خارجه بریتانیا بر تأسیس خط آهن «کفری- کرکوک»
تاکید می‌نماید:

... کاملاً در جریان هستید که خط آهن بغداد- موصل از منطقه‌ای بی‌آب و
علف و بیابانی عبور می‌کند. جدای از منطقه حدفاصل بغداد- سامرا ، این
خط جهت آمد و شد میان بغداد و «حلب»، تأسیس شده است. اکنون برای
توسعه منطقه ، بهترین راه حل ، تأسیس خط آهنی است که از شهرهاي
خانقین ، کفری ، کرکوک- آلتون که‌پری ، ارییل ، موصل گذر می‌کند. از این
خط ، شاخه‌ای نیز به‌سوی مسیر سلیمانیه- رانیه کشیده می‌شود... اگر
موصل جدا شود یا مرزهاي عراق در «زاب بزرگ» پایان پذیرد، می‌توان با
امتداد این خط آهن به سوی شمال، مسیر تکریت به زاب کوچک و از آنجا به
آلتون کوپری و رانیه را نیز کاملاً پوشش داد. بدینترتیب علاوه بر تسلط کافی
بر کردها، ارمنی‌ها نیز در دسترس ما قرار خواهند گرفت تا در زمان مقتضی
به یاری ایشان بشتابیم. مسیری که معرفی کرده‌ام از اراضی بسیار
حاصلخیز کردستان عبور می‌کند... همچنین می‌توان این خط را به سوی
شمال شرق نیز امتداد داد... تأسیس این خط آهن به شیوه‌ای خودکار

کردستان، ارمنستان و شمال غرب ایران را در تیررس کامل ما قرار خواهد داد... از دیدگاه من، تأسیس این خط آهن آنچنان اهمیت دارد که جهت وصل به آن، حتی می‌توان فعلاً از تأسیس خط آهن خانقین- کرمانشاه چشم پوشید... اگر زاب کوچک بعنوان سرحد مرزی شناخته شود، اهمیت این خط آهن، باز هم افزون خواهد شد... برای آنکه منطقه‌ی سلیمانیه نیز بعنوان یک مرکز کردنشین ثابت پیدا کند، تأسیس جاده اتومبیل‌رو از خانقین و در امتداد رودخانه‌ی سیروان- دیاله به سوی دشت شهرزور و سلیمانیه بسیار بصره است. در اهمیت تأسیس این جاده همان بس که پیش از جنگ امپراتوری عثمانی از قبل خرید توتون، و دادوستد احشام سالانه مبلغی حدود 100/000 لیره بچیب می‌زد...

تأکید چندباره‌ی میجر نوییل درباره‌ی تهدیدات ترکها علیه کردها و ارمنیان

در سند شماره 168038 مورخ 19 دسامبر 1919، گزارش میجرنوییل به شرح ذیل ثبت شده است:

ترکها برای تداوم سلطه‌ی خود بر مناطق شرقی، بهترین ابزار را در ایجاد اختلاف و تعمیق آن میان کردها و ارمنی‌ها می‌دانند... کردها و ارمنیان اگر دست در دست یکدیگر متحد شوند، خواهند توانست ترکها را از سرزمین خود بیرون برانند... ترکها با استفاده از ابزار مذهب و تبلیغ آیین مشترک، کردهای خوش باور را فریب داده آنها را علیه ارمنی‌ها می‌شورانند... در این میان بسیاری از کردهای روشنفکر و تحصیل کرده که با این خدعه دشمن ترک آشنا نیستند، از سرزمین آبا و اجدادی رانده شده‌اند تا نتوانند با تنویر افکار عمومی کردها توطئه ترکها را عقیم گذارند... با وجود سیاست بازی‌های عثمانی، کردها در وجود خود مضومت شدیدی نسبت به ترکها احساس می‌کنند و این مهمترین جنبه از نتایج سفر من در طول چهار ماه گذشته بوده است...

سند شماره 168763

این سند که در تاریخ 8 ژانویه 1920 ثبت شده است نامه نماینده سامی بریتانیا در استانبول خطاب به وزارت امور خارجه بریتانیا است: مقامات ترک تلگرافهای بسیاری از عشایر کرد دریافت کرده‌اند بدین مضمون که کردها تمایلی به جدایی از ترکیه ندارند... سران ترک تلاش بسیار بخرج داده‌اند تا با ادعای مزدوری جدایی طلبان کرد و وابستگی آنها به بریتانیا افکار عمومی کردها را نسبت به آنها خدشه‌دار کنند...

بریتانیا و ایجاد ارتباط با کردها

در سند شماره (371) (3407) (10115) وزارت خارجه بریتانیا با عنوان «روابط بریتانیا با عشایر جنوب کردستان» آمده است:

پیش از آنکه به بحث در مورد عشایر کرد ساکن جنوب «زاب کوچک» بپردازیم، بهتر است نگاهی کلی به تاریخ عشایری بیفکنیم که تا تابستان

1914 تحت سلطه امپراتوری عثمانی بودند... با آغاز سال 1908، تصویب قوانین جدید و قدرت یافتن «اتحاد و ترقی»، نارضایتی عمومی ملت‌های تحت سلطه امپراتوری عثمانی، به جرقه‌های اولیه نابودی امپراتوری وحشت تبدیل شد. تشدید نارضایتی‌ها در بغداد، شکوه‌های دائمی کردها و قیام سالار الدوله در سال‌های 1911-1913، حکومت ترک را به اتخاذ تدابیر شدید علیه ملیت‌های غیر ترک وا داشت.

نیرومندترین عشایر کرد ساکن جنوب زاب کوچک، عشایر «همه‌مه‌وند» و «جاف» بودند. عشیرت «همه‌مه‌وند» ساکنان اطراف سلیمانیه و عشیرت «جاف»، اقوام کوچ‌رو اطراف سیروان (دیاله) از «صالحیه- کفری» تا میروان بودند. جدای از این دو عشیرت، «باجه‌لانی»ها را هم می‌توان یک نژاد سیاسی ساکن منطقه نام برد. «باجه‌لانی»ها بخشی در ایران و بخشی در ترکیه زندگی می‌کنند. بخشی ترکیه نشین این عشیرت در «خانقین» و متمایل به «مصطفی پاشا باجلانی» هستند... ترک‌های جوان از همان آغاز کار با اتخاذ موضعی غیر اصولی علیه «شیخ سعید حفید قره‌داغی» که از بزرگان سلیمانیه و سادات برزنجی بود، عشیرت «همه‌مه‌وند» را به دشمنی با خود برانگیختند. شیخ سعید در ژانویه 1909 در حرکتی مشکوک و در شرایطی که دوران تبعید را می‌گذراند در شهر موصل کشته شد. قیام عشیرت «همه‌مه‌وند» در واکنش به مرگ رهبر آیینی، منجر به تعدی آنها به روستاهای ترک‌نشین شمالی شد که تا سال 1910 ادامه یافت. وساطت والی بغداد در این سال و پذیرش شرایط از سوی ترک‌ها، «همه‌مه‌وند» را آرام کرد اما پشت‌گوش انداختن درخواست‌های «همه‌مه‌وند» از سوی «ناظم پاشا» آتش قیام را مجدداً شعله‌ور نمود که این یکی تا سال 1912 ادامه پیدا کرد. سیاست ترک‌ها در تشکیل پاسداران مرزی که سپاهیان شبیه سپاه حمیدیه بودند، اوضاع منطقه را موقتاً آرام نمود... با آغاز جنگ جهانی اول، «همه‌مه‌وند» بار دیگر علیه عثمانی قیام کرد.

در مورد عشیرت «جاف» نیز باید گفت مقامات دولت عثمانی در سال 1910 مالیات سنگینی بر این عشیرت وضع نمودند. چنین وضعیتی- یعنی پرداخت مالیات به دولت- که در تاریخ عشیرت جاف سابقه نداشت، به سرپیچی ایشان انجامید. ترک‌ها با خدعه‌چینی، «محمود پاشا بگزاده» را به موصل فراخوانده و او را بازداشت نمودند. «بگزاده» بمدت یکسال در زندان بسر برد اما ضعف مفرط امپراتوری عثمانی و گسترش دامنه نارضایتی «جاف»، مقامات ترک را ناگزیر از آزادی او کرد. «مصطفی پاشا باجلانی» نیز هیچگاه میانه خوبی با عثمانی نداشت. او مدتی در استانبول، عمر به تبعید گذراند و در سال 1912 نیز چند ماهی در بغداد زندانی شد.

با آغاز جنگ، کردها که از سال‌های ستم عثمانی، مالیات سنگین و تحقیر بزرگان آیینی خود توسط ترک‌ها به تنگ آمده بودند، فرصت را برای رهایی مغتنم شمردند و سر به قیام برداشتند... ترک‌ها نیز برای خنثی نمودن تهدید کردها ابتدا سپاهی غیرنظامی موسوم به «شعوبیه» از کردها تأسیس نمودند، اما این حربه نیز موثر نیفتاد... از آن زمان تاکنون، کردها حتی یک

گلوله به سوي ما شليك نکرده‌اند... دليل اصلي خنثي شدن توطئه ترکها در برانگیختن دشمني کردها با بریتانیا فتوای مجتهدین کرد در مورد ترک خصومت کردها با نظامیان بریتانیا و اعلان ترکیه- دشمن دیرینه کردها- بعنوان آغازگر جنگ است...

روسها نیز بعنوان نیروی چهارم، اگرچه ابتدائاً انتظار می‌رفت با استقبال کردها روبرو نکردهند، اما سالهای طولانی ستم عثمانی، کردها را به حمایت از روسها تحریض کرد...

در بهار 1914 عشایر «همه‌مه‌وند»، «دزه‌یی» و «جاف» ابتدا به یاری روسها برخاستند اما بمحض آنکه شایع شد روسها با اشغال هر منطقه، مشکلات بسیاری از نظر تأمین تدارکات برای ساکنان فراهم می‌آوردند، این عشایر از ادامه همکاری سرباز زدند. تعدی به مردم رواندز در سالهای 1915-1916 و غارت خانقین در 1916 از سوي نیروهای روس صحت این شایعات را تأیید نمود...

هنگامی که نیروهای ما در مارس 1917 وارد بغداد شدند، کردها با اطمینان خاطر از ادامه فتوحات ما تا مرزهای ترکیه و امکان اعطای خودمختاری از سوي متفقین، راه را برای پیشروی نیروهای ما باز و از اعطای کمک به ترکها بویژه در محورهای عملیاتی «صلاحیه- کفری» خودداری کردند.

در آوریل 1917 پس از ملاقات با سران روس در قصر شیرین، اداره‌ی امور خانقین به «مصطفی پاشا باجلانی» سپرده شد هنگامی که تهدید تجاوز روسها به مناطق کردنشین جدی شد، فرمانده افسران سیاسی سپاه «D» در 21 مارس پیشنهاد کرد خط حائل نیروهای بریتانیا- روسیه از شهرک «بدره» سیوی «مندلی» و از آنجا به سوي «قزل رباط» در امتداد «حمرین» تا «شریمیه» کشیده شود... این پیشنهاد بدلیل آنکه مفاد پیمان همکاری روسیه- بریتانیا- فرانسه را زیر پا می‌گذارد، رد شد. تنها قرار شد اداره مناطق اشغالی جنوب زاب کوچک به افسران سیاسی سپاه «D» سپرده شود...

لازم به ذکر است که تصمیمات فوق‌الذکر تا 16 می به اطلاع فرماندهان جز نرسیده بود، بهمین خاطر ماجرای غارت خانقین از سوي روسها بوقوع پیوست. روسها این شهر را در ماه آوریل اشغال کرده بودند...

آرنولد توین‌بی و پیشنهادات او در مورد آینده کردستان

آرنولد توین‌بی در تاریخ 1919/1/27 می‌نویسد:

ما پیشنهاد می‌کنیم حقوق زیر به کردها اعطا شود:

- 1- اتحاد کنفدرالی آزاد برای جنوب کردستان
- 2- برسمیت شناختن حقوق کردها و کلیه اقلیتها در ارمنستان جدید (کشوری که قرار است بزودی تأسیس شود) توین‌بی در ادامه می‌گوید: از دیدگاه جغرافیایی، محال است بتوان دولتی تأسیس کرد که همه کردها را در بر گیرد، چون در این حالت، دولت کردی مورد بحث، شامل اقلیتهای ملی

دیگر نیز خواهد بود از یکسو و از سوی دیگر اسباب برهم زدن آشتی اقلیمی برای ایران خواهد بود.

Fo 371/608 (11/289) (11446) (784) Peace Congress Jan 5th 1919

هیأت «کمیته کردستان» درخواستهای خود را طرح می‌کند

نامه مورخ 1919/1/5 نماینده سامی «آدمیرال کالسورب» که در سند شماره 608 وزارت امور خارجه بریتانیا ثبت شده است بشرح ذیل می‌باشد:

بازگشت به تلگراف شماره 37 مورخ 5 ژانویه... مفتخرم نسخه‌ای از یادداشت کمیته کردستان را که اخیراً در «استانبول» و بریاست «شیخ عبدالقادر» بزرگ خاندان شم‌دینی تشکیل شده است به ضمیمه تقدیم نمایم... هیأت مذکور از سوی «مستر رایان» رسماً مورد استقبال قرار گرفت... رایان متعهد شده بود درخواستهای کمیته را به لندن منعکس نماید اما خود از هر گونه اظهار نظری خودداری کرده بود... هیأت بر اکثریت کردنشین مناطق شرقی ترکیه تأکید می‌کرد و اعضای آن از انعقاد يك پیمان بین‌المللی بسود کردها اظهار تردید می‌کردند... اعضای هیأت مصرماً بر روابط خوب کردها و ارمنیان پافشاری و اختلافات کوچک را نتیجه خدعه‌چینی و سیاست تفرقه‌آمیز ترکها می‌دانستند. آنها همچنین به روابط مناسب و درخور توجه خود با سنطوری‌ها اشاره نمودند آنها حتی فردی نصرانی بنام «عبدالاحد داوود» را بعنوان مترجم به همراه آورده بودند که مطالب را یادداشت می‌نمود اما نماینده سامی در اینکه نامبرده نماینده واقعی آسوری‌ها و کلدانی‌ها باشد، مردد است... یادداشت هیأت مذکور در تعیین مناطق خودمختار شفاف نبود و تنها به شهرهای با اکثریت کردنشین اشاره شده است. در یادداشت هیأت مذکور همچنین به مناطق مرزی غرب ایران تا ایالت لرستان در جنوب به عنوان بخشی از مناطق مورد نظر اشاره رفته است... هیأت، تعیین خطوط مرزی را بعهدہ کنگره صلح پاریس نهاده است... آنها همچنین درخواست خود را برای اعزام هیأت نمایندگی کرد به پاریس در یادداشت آورده‌اند...

مسئول بریتانیایی در ادامه می‌گوید:

کردها يك نژاد مستقل هستند و نباید از خواسته‌های بحق آنها گذشت. ما باید سرانجام راه حلی قطعی برای کردستان و ارمنستان بیابیم. اهمیت ندادن به آینده کردستان و ارمنستان، مشکلات بسیاری برای آینده منطقه ایجاد خواهد کرد... کردها از جمعیت اتحاد و ترقی و فریبی که بر آنها اعمال نمود، سخت ناراحت بودند. یکی از آنها با شماره به کتاب والی ترک در بغداد (جاوید پاشا) به 700 تن از کردهایی اشاره می‌کند که اجباراً برای جنگ با انگلیسی‌ها به بصره اعزام شدند.

Fo 371/608 (95) (3087) (face Congress) (Politica) Turkey, December 1919

در یادداشت رهبر کردها نیز آمده است:
سران کرد، همواره تکیه‌گاه امن خلفا، شاهان و سلاطین اسلامی بوده‌اند، اما هر دو دولت عثمانی و ایران، کردستان را تنها بخاطر منافع خود، ناعادلانه تجزیه نمودند... اتحاد کرد با عثمانی و ایران، همواره بخاطر رفع تهدید روس‌ها از ممالک اسلامی بوده است، بهمین خاطر روس‌ها کینه‌ی بسیاری از ملت کرد بدل دارند... اکنون که با انقلاب اکتبر 1917، تهدید روس‌ها دفع شده است، کردها قربانی مطامع همسایگان شده‌اند... کردها این قابلیت را دارند که سرنوشت خود را بدست خویشتن تعیین کنند...

در ادامه یادداشت مسوول بریتانیایی آمده است:
در میان کردها روشنفکران قابل‌ی وجود دارند... جمعیت کردها کمتر از 5 میلیون نفر نیست... آنها از بریتانیا می‌خواهند برای تأسیس سرزمینی مستقل به یاریشان بشتابد.

امضا کنندگان این یادداشت عبارتند از:

شیخ عبدالقادر شمیدینانی رئیس

امیر بدرخان زاده معاون

شیخ عبیدالله سید طاهر

مصطفی پاشا بابان‌زاده

عبدالاحد داوود مترجم (کلدانی)

ملا سعید

ملا علی رضا

موضع بریتانیا در مورد شیخ عبدالقادر و خاندان بدرخانیان

در سند شماره (608) (95) (8307) کنگره صلح ترکیه و خاورمیانه مورخ 25 آوریل 1919 به غیر قابل اعتماد بودن شیخ عبدالقادر و کمیته‌ی کردستان اشاره شده است. در ادامه این سند، «کالسورب» ضمن بی‌اساس خواندن وابستگی شیخ عبدالقادر به ترک‌ها می‌گوید:

هیچ سندی در مورد وابستگی شیخ عبدالقادر و خانواده بدرخانیان به ترکیه وجود ندارد. تمام تلاش آنها قانع نمودن بریتانیا به درخواست‌های کمیته است. اما در مورد سلیمان نظیف والی موصل باید بگویم نامبرده مطلقاً جاسوس و وابسته‌ی ترک‌هاست...

به گمان من «عبدالله جودت» با همان کشتی که «شیخ عبدالقادر» در آن سفر می‌کند، به پاریس خواهد رفت... به باور من کردهای درسیم- که شیعه هستند- در کنار دیگر کردها بدنبال تحقق آرمان‌های ملی هستند...

سند شماره 1289/564

در این سند که در مورخ 20 آوریل 1919 توسط نماینده سامی بریتانیا در استانبول ارسال شده است آمده است:

بازگشت به تلگراف نماینده سامی شماره 11 مورخ 5 ژانویه بعرض می‌رساند:

- سه نسخه از یادداشت کمیته‌ی کردستان به ضمیمه تقدیم می‌شود.
 در این نامه همچنین آمده است:
 (شماره‌ی 1 نوشته نشده است)
- 2- نسخه‌ای از یادداشت فوق برای شریف پاشا در پاریس ارسال شود.
 3- آدمیرال وایپ با استقبال از هیأت کردی، آنها را بکار می‌پذیرفت. سید عبد القادر افندی رهبر کمیته‌ی کردستان هم اکنون ریاست کابینه دولت عثمانی را نیز برعهده دارد، از اینرو گمان می‌رود این بار مسئله‌ی کردها صورت جدیدتری به خود بگیرد.
 4- آدمیرال وایپ به کمیته‌ی کردستان قول داد درخواستهای ایشان را به لندن منتقل نماید.
 5- آدمیرال وایپ از عبدالقادر افندی در مقام رئیس کمیته کردستان و وزیر کابینه عثمانی خواسته است کردها را از واکنش‌های غیرطبیعی بازدارد.
 6- این ملاقات پیش از پخش شایعاتی بود که عبدالقادر را در رهبری جمعیت تازه تأسیس کردهای ضد بریتانیا در مظان اتهام قرار می‌دهد.
 7- آدمیرال کالسورب هیچ یک از شایعات موجود را باور نمی‌کند.
- 1- Drive, G.R Kurdistan and Kurds, Mun Carmel polistine, 1919
 2- Fo 371/608 (95) (9991) (Peace Congress 1919) (Turkey)(Future of kurdistan) 15 May 1919

عشایر کرد و شکایت 6 مارس 1919

این سند، شکایت عشایر کرد از حکومت ترکیه و درخواست تأسیس یک حکومت ملی برای کردهاست.
 متن نامه بشرح زیر است:
 به جناب ژنرال ماک اندرو
 سرزمین آبا و اجدادی پنج عشیرت کرد (کیتکانلی)، (بیجانلی)، (شیخانلی)، (آلون) و (اومرات) هنوز هم تحت سلطه‌ی ترکها هستند. امضا کنندگان نامه ذیل به نمایندگی از عشایر خود از دولت علیه انگلیس می‌خواهند با بیرون راندن افسران ترک، حکومتی ملی برای کردها تأسیس نمایند.

رهبر کیتکانلی- بصرای

رهبر بیجانلی- محمد پسر عبدي

رهبر شیخانلی- شیخ نول

رهبر آلون- حاجي مصطفي

رهبر اومرات- حسن

Fo 371/608 (9382) May 8 th 1919

Ibid (4403) Cherif Political officer 6th, May 1919

مقامات بریتانیا فاقد آگاهی کافی در مورد شخصیت‌های برجسته کردستان هستند

گزارش کاپیتان میلز به فرماندهی کل بریتانیا در تاریخ 9 آوریل 1919 آمده است:

گزارش حاضر، مجموعه اطلاعات جمع‌آوری شده راجع به رهبران نهضت ملی کرد است که به صورت خلاصه تقدیم می‌گردد.

اعضای کمیته‌ی کرد در استانبول:

شیخ عبدالقادر شم‌دینانی

امین عالی بدرخان

سلیمان نظیف

دکتر عبدالله جودت

1- شیخ عبدالقادر: عموی سید طه نهری است... دوران تبعید وی در دمشق 40 سال به طول انجامیده است (این مدت 4 سال بوده است نه 40 سال- م). او هم اکنون عضو و رهبر کمیته‌ی معمرین است.

2- امین عالی بدرخان: اطلاعات چندانی در مورد او بدست نیامده است... او از خاندان قدرتمند حریم جزیره است... اعضای این خاندان 20 سال پیش به استانبول تبعید شدند...

3- سلیمان نظیف: پیش از این، والی موصل بوده و متهم به افراط بسیار در امور اجرائی است... هم‌اکنون در استانبول زندگی می‌کند و از نویسندگان روزنامه «الحادثه» است.

پیش از آغاز جنگ دو حزب «یه‌کیتی» و «پیکه‌وه بوون» در «ماردین» و «دیاریکر» فعالیت می‌کردند. «یه‌کیتی» متأثر از «اتحاد و ترقی» و «پیکه‌وه بوون» یک نیروی اپوزیسیون بود. از آغاز نهضت، «یه‌کیتی» نقش موثری برعهده گرفته و از مجموعه اشخاص متنفذ تشکیل می‌شود. در اینجا به ذکر اسامی برخی از آنها می‌پردازیم:

در دیاریکر: مصطفی بگ، زلفی بگ، عادل بگ، شرف بن آلمه، حقی افندی بگ، دکتر جودت، مسلم محمد

در ماردین: قادر بگ، حاجی عبدالرحمان، آلتواس (رئیس شهربان‌ی- متوفی)، نصیبین (متوفی)، قادر بگ (دوباره آمده است).

زلفی بگ و عادل بگ برادرند دکتر جودت یکی از دوستان والی پیشین است. هنگامی که درصد بازداشت او برآمدیم، خود را کشت... مسلم محمد، اهل موصل است و بدلیل تنگ دستی به دیار بکر رفته است... او هم اکنون مردی ثروتمند است... رهبران کرد بدلیل تنفر از یکدیگر، هیچگاه نتوانسته‌اند به موضعی واحد دست پیدا کنند مگر در مواردی بسیار استثنائی...

هم اکنون رئیس عشیرت «هافیرکی»، «علی باتی» و زعیم عشیرت «شرناخ»، «عبدالرحمان» رهبران اصلی قیام هستند... در 10 مارس یکی از با نفوذترین ساکنان «مدیات» بنام «ع-ق» به سران عشایر «هافیرکی»، «شرناخ و صلاحیه» پیشنهاد کرد با هدف تشکیل جبهه‌ای واحد کنگره‌ای در

«مدیات» تشکیل دهند (عشیرت صلاحیه مرکب از 400 سوار مسلح هستند که در حدفاصل جزیره و مدیات سکونت دارند) هر سه رئیس عشیرت یعنی علی باتی، عبدالرحمان و رمضان، اخیراً کنفدراسیونی غیره متحد تشکیل داده‌اند (!!!)... اطلاعات ما در مورد اهالی شهر «سیفریک» ناقص است عشیرت بالا دست در این شهر، «قراکیت»ها هستند که دوازده هزار سوار مسلح دارند... رهبر آنها «عبدالقادر آدرغ» با اسماعیل پسر ابراهیم در اواسط ماه فوریه در دیاربکر بازداشت و هم اکنون نیز در آنجا بسر می‌برند... در همان شهر، مردی به نام «قصاب شیخو» حکم‌دار عشیرت کرد است. نام برده چنین وانمود می‌کند روسای سایر عشایر با او همراه‌ند... جدای از اینها دو عشیرت «بوجاق» و «هوشین» نیز در شهر «سیفریک» ساکن‌اند. این سه عشیرت در عین قرابت، رابطه‌ی نزدیکی با عشیرت «میللی» نیز دارند. «قصاب شیخو» که در هنگام جنگ، افسر نیروی میلشیا بوده بسیار ثروتمند است.

Pro (AIR) (20-721) (5132) (B.A.J Millos to G.H.Q.I) 9 th April, 1919

نماینده سامی بر این باور است که راه حل مسأله‌ی کردها نظامی نیست

نماینده سامی بریتانیا «آدمیرال کالسورب» در نامه‌ای به فرماندهی نظامیان بریتانیا و مصر دیدگاه‌های خود را در مورد راه حل‌های موجود برای مسأله‌ی کردها طرح نمود:

استانبول... 2 می 1919

بازگشت به تلگراف‌های شماره‌ی 674 و 715 مورخ 26 آوریل 1919 از دایره‌ی سیاسی به ژنرال فرماندهی نیروهای بریتانیا در مصر گزارش‌های موجود حکایت از آن دارند که وضعیت ناهموار کردستان تنها مستعد راه حل‌های سیاسی است و تحرکات نظامی تحت هیچ شرایطی به مصلحت نخواهد بود... در شرایط کنونی، حکومت علیه بریتانیا سه راه پیشرو دارد:

- 1- بی‌اعتنائی به رویدادهایی که در خارج از مناطق اشغالی به وقوع می‌پیوندند و عدم پذیرش مسئولیت در قبال آنها
 - 2- استفاده از حکومت ترکیه و هدایت آن در مسیرهای مورد تأیید زیر نظر بریتانیا
 - 3- استفاده از کردهایی که مایل به همکاری با ما هستند
- پیشنهاد‌های اول و دوم با دو بازتاب متفاوت روبرو خواهند گشت... نخست حیات مسیحیان منطقه با تهدید مواجه خواهد شد... دوم رویدادهای خارج از منطقه تحت نفوذ ما بر مناطق اشغالی حکومت علیه تأثیر خواهند گذارد...
- به هر حال، افق چندان روشنی در برابر ما وجود ندارد بویژه در مورد انتخاب راه حل دوم.

اما در مورد راه حل سوم، من در اینجا توجه شما را به گزارش میجرنوییل جلب نمایم... در وضعیت کنونی نباید کردها را به چشم گذشته نگریست... از دیدگاه من ایجاد ارتباط با عبدالقادر یا پسرش و یا یکی از بدرخانیان در مصر بسیار مفید خواهد بود... در این مورد، ابتدا باید موضع خود را در مورد آینده اداری کردستان برای زعمای کرد روشن و به آنها بفهمانیم بریتانیا هیچ تمایلی به حضور دائمی در کردستان ندارد... خانه کردهای استانبول، مقرر نموده نمایندگانی جهت مذاکره با رؤسای عشایر به مناطق کردنشین اعزام نماید... کردها علاقه‌ی بسیاری به جدائی از ترکیه دارند اما بیم قدرت گرفتن ارمنی‌ها ایشان را دچار تردید می‌نماید خواهشمندم پس از بررسی راههای موجود، ما را در جریان قرار دهید... چند نسخه از این نامه را برای وزارت خارجه بریتانیا، والی مصر... ارسال نموده‌ام.
Pro Fo 608/95/68701/ME/44 Admiral Calthorp.
Constantinople. May 2, 1919

«کلنل ویلسون» از آمادگی خود برای حل مساله کردها می‌گوید

قائم مقام حاکم مدنی بریتانیا «کلنل ویلسون» در واکنش به پیشنهادات نماینده سامی بریتانیا در استانبول، تلگراف‌هایی بعنوان وزارت خارجه ارسال نمود... در این دو تلگراف، مطالبی چند راجع به ملاقات با «شیخ طه نهری» آمده است... نامه‌ی نخست ویلسون در سند شماره (608) (95) (11315) مورخ 2 می 1919 وزارت خارجه ثبت شده است:
(5353) این نامه در پاسخ به نامه‌ی مورخ 2 می نماینده سامی در استانبول نگاشته می‌شود... از هنگامی که مراجعت نموده‌ام... فرصت چندانی نداشتیم... او در استانبول بسر می‌برد... پس از بررسی گزارش‌های میجرنوییل و گفتگوهای بسیار با شیخ طه نهری... (این سند، به همین صورت آمده است و جملات آن بصورت مقطع و پراکنده نوشته شده است- مترجم)

من با پیشنهادات نماینده سامی در استانبول موافقم... عبدالقادر دور زمانی از کردستان دور بوده است... روابط عبدالقادر با شیخ طاهر نهری به قدری نامناسب است که در برگیرنده‌ی منافی برای ما نیست... بهتر است از نامبرده در استانبول استفاده شود. اما بدرخانیان در مقطع کنونی واجد پتانسیلهای مناسبی هستند. پیشنهاد می‌کنم با دو برادر (جلادت بدرخان و کامران بدرخان که در معیت نوییل از استانبول به حلب رفتند- مترجم) و همچنین «احمد ثریا» پیوندهای ویژه برقرار کنیم... بعداً با یکدیگر به غرب کردستان عزیمت نمایند... مذاکرات صلح پاریس نیز چنین اجازه‌ای به ما می‌دهند...

من نیز با عملی شدن پیشنهاد سوم مندرج در تلگرام مورخ 1 می نماینده سامی موافقم... بدون آنکه قیومیت بریتانیا بر مناطق کردنشین اطراف موصل را بپذیریم... تا بدانیم اوضاع آینده به کدام سو می‌روند... بنابراین لازم است راه‌حلی اساسی برای مساله پیدا شود... بنابراین من خواستار

قدرت اجرایی بیشتری در این مورد هستم... به جای حکومت بریتانیا در کلیه مناطق شرقی رود فرات، البته با موافقت میجرنویل و تحت نظر فرماندهی نیروهای موصل و استانبول با همکاری مقامات ترک در منطقه و منطبق بر قطعنامه‌های کنگره صلح...

Ibid, (11315) (Turkey Me) (Civil Commission to fo) (May 12 th 1919)
(Repeated to Cairo)

گفتگوی کلنل ویلسون با شیخ طه نهري

نامه‌ی دوم کلنل ویلسون، متن گفتگوهای ویلسون و شیخ طه نهري است که در سند شماره (10827)(5554) مورخ 12 می 1919 ثبت شده است... در این نامه آمده است:

شیخ طه عموي عبدالقادر شمديناني و ششمین پسر شیخ عبیدا... نهري است که در سالهای 1876-1880 به ایران یورش برد... شیخ طه از شهرک «نهري» ترکیه به بغداد آمد... افسران سیاسی بریتانیا او را مردی متنفذ در مرکز و شرق کردستان می‌دانند...

شیخ طه گفت: هدف او از عزیمت به بغداد، گفتگو در مورد یک کردستان مستقل تحت قیمومیت بریتانیا است که کردها در ایران را نیز شامل شود... به او گفتم نباید در مورد کردها در ایران، هیچ انتظاری از دولت علیه داشت... او از این مسأله بسیار ناراحت شد و گفت بدون حضور بریتانیا هم ما سرانجام به آرزوهای خود خواهیم رسید... به هر حال شیخ طه با پیشنهادات ما موافقت نمود و آمادگی خود را برای تأسیس یک نظام اداری منسجم آنگونه که وزیر هند پیشنهاد کرده است- اعلام کرد. شیخ طه در پایان راجع به چند موضوع، پیشنهاداتی طرح نمود.

1- مسأله عفو عمومی در مورد حوادث دوران جنگ
2- عدم حمایت یک طرفه از یکی از سران کرد و تأسیس چند قواره اتونومی یکسان

3- کردستان، تحت سلطه اقلیتهای دینی قرار نگیرد و مسیحیان منطقه مجدداً اسکان داده شوند.

4- حکومت بریتانیا چون یک دوست واقعی به یاری کردها بشتابد.

سند شماره 9382

سند شماره 9382 مورخ 7 می 1919 با اشاره به تلگراف شماره 657 مورخ 2 می پیشنهادات دیگری آمده است. مستر فوربی ب. آدم نیز در 8 می با اشاره به این سند می‌گوید:

با در نظر گرفتن موارد زیر می‌توان بر بسیاری از موانع موجود در مورد مسأله کردستان غلبه کرد.

1- نام دیگری غیر از «ارمنستان» بر دولت ارمنی آینده گذارد.

2- در حالی که شش ایالت ترکیه در شرق، تحت قیمومیت قرار گیرند، باید آزادی‌های مدنی و آیینی برای تمام ساکنان و اقلیتها فراهم آید.

در ادامه این نامه آمده است: مهمترین تهدید در آینده، جدایی ایالت‌هایی چون «دیاربکر» است که بیم سلطه‌ی بیگانگان بر آنها می‌رود. کردها با ابراز تمایل نسبت به جدایی از عثمانی به اتحاد عقیدتی مناسبی دیت یافته‌اند... جمعیت اتحاد و ترقی نیز تبلیغات سنگینی به راه انداخته است در پایان نامه آمده است:
خواهشمندم در این مورد راهنمایی‌های لازم به عمل آورید...

روابط کردها و ارمنی‌ها

در سند شماره‌ی 20747 مورخ 20 نوامبر 1919 نامه هیأت مشترک کرد و ارمنی خطاب به کنگره صلح پاریس ثبت شده است:
پاریس، 20 نوامبر 1919

جناب رئیس

خرسندیم از اینکه نوانسته‌ایم خلاصه‌ای از یادداشت نمایندگان کرد و ارمنی به عنوان کنگره پاریس را تقدیم کنیم. جنابعالی ملاحظه می‌فرمایید که علیرغم تبلیغات مسموم دشمنان، کردها و ارمنی‌ها پیمان صلحی امضاء کرده‌اند تا در کنار یکدیگر اهداف ملی خود را به آینده رهنمون شوند. احترامهای گرم ما را بپذیرید.

رئیس هیأت کردی

رئیس هیأت ملی ارمنی

بوغوس نوپار

به کنگره آشتی

شریف

هیأت متحد ارمنی

هیأت متحد ارمنی

1919

(در مورد عدم درج نام و آدرس شریف پاشا در سند، مورخین بر این باورند که مسائل امنیتی، عامل این موضوع بوده است. مترجم)

متن قطعنامه کرد-ارمن

ما امضاء کنندگان زیر نمایندگان خلق ارمنی و کرد هستیم. مفتخریم با گاهی کنگره صلح برسانیم دو ملت برای دستیابی به رهایی و آزادی دارای مواضع مشترک هستند، بویژه در مورد رهایی ملت ارمنی از سلطه عثمانی. ما از کنگره می‌خواهیم که با تکیه بر مبنای ملی، کردها و ارمنی‌ها را در تأسیس ارمنستان متحد و کردستان مستقل یاری نماید.

نماینده کردستان بوغوس نوپار د. اوهانجانیان

شریف رئیس هیأت

ارمنستان رئیس جمهور موقت

ریاست هیأت کردی ملی ارمنی

در کنگره‌ی صلح

Ibid, (10837) from political 12 May, 1919 Repeated to Cairo.. etc C
5354

Ibid, (20747) cherif pash and Boghos Nobar, November, 20 th, 1919

Ibid, (9382) (Turkeyme) (Situation in Kurdista) May 7 th 1919

نشست کلنل فرینج با بزرگان ملت کرد

سند شماره (5615) (389) (1124443-144) مورخ 5 آگوست 1919 نامه کلنل فرینج از قاهره به وزارت خارجه بریتانیا است.

کلنل فرینج می‌گوید

عارف پاشا ماردینی و احمد ثریا بگ درخانی که نمایندگان ملت کرد هستند، میهمان من بودند. «سید کاملی پاشا» نیز ایشان را همراهی می‌کرد. «عارف پاشا» از من خواست به آگاهی حکومت بریتانیا برسانم که «کمپته کرد» قاهره خواستار کمک‌های اداری کردها برای تأسیس قواری است. کردی است.

آنها قیمومت بریتانیا را بر خود پذیرفتند... بنظر من اعمال چنین قیمومتی بصورت محدود، مناسب است... اما کردها برای تأسیس این کردستان خودمختار، بسیار عجله دارند... «عارف پاشا» با قیمومیت موافق نبود و ادعا می‌کرد کردها غیر از بریتانیا به هیچ قدرت دیگری اجازه دخالت در امور کردستان را نخواهند داد... کردها موافق حضور ارمنی‌ها در دولت آینده کردی هستند. از نظر ما ارمنی‌ها دوستان خوب ملت کرد هستند... اتحاد تمام عشایر کرد با یکدیگر دشوار است...

من گفتم خواستهای ایشان را به اطلاع دولت بریتانیا خواهم رساند... هیچ تعهدی به نمایندگان کرد ندارم... من تنها شنونده بودم و گاهی سئوال می‌کردم. «احمد ثریا بدرخان» در تدارک سفر به استانبول است. خوشحال خواهم شد اگر مانعی در راه سفر او ایجاد ننماید. عارف پاشا نیز پس از بازگشت «ثریا» به «ماردین» سفر خواهد کرد.

Ibid, (5615) (112443) Me 44 A (Political Colonel French - Egypt-Cairo) Aug 5th 1919 (No 398)

نارضایی برخی سران کرد از شایعه الحاق کردستان به ارمنستان

در تلگراف بزرگان کرد در سند شماره 12551 مورخ 13 ژوئن 1919 ثبت شده است. این سند همچنین حاوی نسخه‌ای از نامه‌ی نماینده‌ی سامی «آدمیرال وایپ» به شماره 824 مورخ 22 می و دو تلگراف صدراعظم بتاریخ 18 آوریل و 25 همان ماه است:

تلگراف بزرگان ارز روم

با تذسف فراوان، نارضایی شدید خود را نسبت به الحاق کردستان به ارمنستان اعلام می‌دهد. الحاق منطقه‌ای که 97% آن مسلمان هستند به

سرزمینی غیر مسلمان، خلاف واقعیات سیاسی است. بنابراین ما ترجیح می‌دهیم در کنار امپراتوری عثمانی به حیات خود ادامه دهیم...

امضا کنندگان
مینازاده مصطفی، اسماعیل بگزاده محمد محمود، کوچک آقازاده خلیل، قادر زاده محمد نوری ازکیفی، شیخ زاده محمد بهجت، عزیززاده حاجی احمد، آلیق زاده علی، مرفیس زاده قهرمان صبری، رئیس شهرانی حسنی، اولاج زاده فهمی، لال زاده محمد، زازه‌جی زاده سلیمان، حاجی حافظ شاکر، رشید بگ احمد، محمدتورسون، هوپ‌زاده حسینی، حاجی رسول آقا محمد علی، خلیل حسین حلمی، بیاب احمد کمال، صبری سعید...، حاجی احمد اسماعیل، حقی مصطفی تلگراف «دیاریکر» به صدراعظم نیز در سند شماره (5373) ثبت شده است:

از زمان اعطای حق تعیین سرنوشت به خلقها، ما ساکنان دریاریکر و اطراف به اتحاد خود با امپراتوری عثمانی افتخار می‌کنیم. ما در مورد آینده‌ی خود بسیار نگرانیم. جدای از عشایر کرد که تاکنون سرشمار نشده‌اند، شمار ساکنان ترک و کرد مسلمان 5889990 نفر در ازاء 33649 غیرمسلمان است... کنگره صلح پاریس الزاماً باید تمام ملل را به یکسان بنگرد. اکثریت را تحت سلطه اقلیت درآوردن، هیچگاه مسأله کردستان را حل نخواهد کرد... صلح مورد نظر کنگره هرگز پایدار نخواهد بود... خواهشمند است در خواست ما را برای باقی ماندن در کنار امپراتوری عثمانی به اطلاع کنگره برسانید...

امضا کنندگان
نماینده شیوخ: زکی، عبدالقادر، عمر
نماینده علما: محمد کامل، سیف ا...، عبدالعزیز خالصی، عبدالرحمن، محمود
نماینده اشراف: رافی، سعید، حقی، صبری، عارف، احمد، نیازی، اشرف، اسماعیل، فاهرا، عارفی، محمد، محمود، حمید...
نماینده سایرین: احمد، احمد شکری، توفیق، علی...
PRO (Fo/608) (12551) (Turker me) (12 th June, 1919).

وزیر خارجه بریتانیا و کردستان

نامه‌های شماره 12031 و 3127 و 177668 (خاورمیانه/44) مواضع وزیر خارجه بریتانیا در مورد مسأله کردستان است:
بازگشت به نامه مورخ 10 می به شماره 69345/خاورمیانه/44 وزیر هند اطلاع داد «کلنل ویلسون» اراضی کردنشین را بطور دقیق مشخص ننموده است... امیدوارم در تحقیقات بعدی روشن‌تر به جزئیات پردازید... مستر مونتگیو نظرات دیگری دارند...

اما در مورد چگونگی برخورد با مسأله کردستان، هر اقدامی که انجام شود، باید موقتی باشد... مستر مونتگیو پیشنهاد کرده است «لرد کرزن» با اعطای اختیارات به «کلنل ویلسون»، او را در برخی تصمیم‌گیری‌ها آزاد

بگذارد... اما در مورد برادران «بدرخانین»، مونتاگیو نظر خاصی ندارد و تنها به استناد سخنان ویلسون، نقش مثبتی برای آنها قائل است... «لرد کرزن»، مانعی بر سر راه اقدامات دیپلماتیک احساس نمی‌کند... بدنبال این نامه، نامه دیگری با عنوان C.U.A و به شماره 29/11386/12331 می 1919 به ثبت رسیده است:

نامه شماره 3588 مورخ 22 می 1919 جنابعالی در مورد کردستان دریافت شد... «لرد کرزن» موافق است. به جهت اهمیت تعیین منطقه جغرافیایی با اکثریت کردنشین، لازم است هر چه سریعتر پیشنهادهای «مستر مونتاگیو» عملی شوند... «کرزن» بر این باور است که راهنمایی «ویلسون» در مقطع کنونی، بسیار موثر خواهد بود... «ویلسون» ملزم به همکاری با نماینده سامی بریتانیا در استانبول بوده بدون موافقت وی هیچ اقدامی انجام ندهد... اقدامات انجام شده در هر مرحله نیز باید به اطلاع فرمانده نظامیان بریتانیا در مصر برسد...

1- Ibid, 12031/3172/1776 861, me 44/India office white hall,

22 th may, 1919 immediater

2- S.W.1/ 12331/ 11386/ 29 th May. 1919

3- 12175/ 1135, from Secretary of State to Civil
Commissionev Baghdad, 5 th June 1919, Repeated To
Viceroy, foreign dept, priority A

اعطای اختیارات ویژه به «کلنل ویلسون» در مورد کردستان در سند شماره 1135/12176 مورخ 5 ژوئن 1919 آمده است: بازگشت به تلگراف شماره 5352 مورخ 2 می... به شما در مورد مسائل کردستان، اختیارات ویژه داده شده است مشروط بر آنکه با نماینده سامی در استانبول مشورت و فرماندهی مصر را نیز در جریان اقدامات انجام شده قرار دهید... تعیین مناطق با اکثریت کردنشین، حائز اهمیت فراوان است... اطفأ تلگراف مورخ 21 می را بدقت بررسی نموده اعلام فرمایید آیا باز هم با الحاق «دیاریکر» و «اورفا» به عراق مخالفید؟... در مورد بدرخانین نیز تصمیم نهایی بر عهده جنابعالی و نماینده سامی است. در سند دیگری به شماره 13140 مورخ 13 ژوئن 1919 با عنوان «آینده ارمنستان و کردستان» آمده است:

1- بازگشت به تلگراف مورخ 5 ژوئن و 21 می

2- نقشه اتنوگرافی ترکیه آسیایی که وزارت جنگ به شماره 2901 چاپ نموده است، مناطق جغرافیایی با اکثریت کردنشین را مشخص کرده است. این نقشه توسط جمعیت سلطنتی جغرافیا تهیه شده است.

3- در مرزهای شرقی این منطقه نیز اکثریت کردنشین کدگذاری شده‌اند

4- مرزهاي جنوب را مي‌توان از جنوب غربي كوه قنديل تا شماره (11-13) با مقياس $1=1000000$ و از آنجا به ملتقاي عرض 37 و طول 44 و عرض 37 و طول 43 امتداد داد.

5- به باور من مرز جنوبي حريم كردنشين، شمال جزيره ابن‌عمر و شمال نصيبين را درنورديده و از شمال «رأس العين» در امتداد عرض 37 به «بیره جك» خواهد رسيد، از آنجا بسوي شمال فرات رفته سپس مرز ايالت «خربوت» را به سوي «معموره عزيز»، «بتليس» و «وان» پشت سر خواهد گذارد. بدینترتيب، ارزنجان و ارزروم، خارج از اين محدوده قرار خواهند گرفت.

6- در اين محدوده که ايالت «دياربکر» در «آن قرارداد» چند منطقه ارمني‌نشين وجود دارد که جمعيت آنها بسيار اندک است. بنابراین، نمی‌توان امتيازي براي آنها قائل شد... اما در مورد ديگر مناطق ارمني، اي کاش ايالت متحده آمریکا، با حمايتهاي خود، موقعيت مناسبی براي رشد ساکنان ارمني ترابوزان و ارزروم ايجاد مي‌کرد... ادارهي اين دو ايالت براي اکثريت ارمني کار دشواري نيست...

7- کردستان در مقطع کنوني، متأثر از دو ديده‌گاه سياسي است... نخست حزبي که بدنبال حل مساله کرد و طرفدار بریتانیاست... حزب ديگر طرفدار ترکها و دشمن مسيحيان است... هر يك از اين دو حزب، در صورت دريافت کمکهاي خارجي مي‌توانند موازنه قدرت را بسود خود تغيير دهند... از اين دو حزب، تنها مي‌توانيم يکي را انتخاب کنيم. اگر قرار باشد ترکیه مجدداً بر منطقه تسلط يابد، آنگاه مساله تشکيل دولت کرد و ارمني منتفي خواهد شد.

8- هر چند کردها اکثريت ساکنان منطقه را تشکيل مي‌دهند، هرچند بسيار شجاع و جنگاورند و هرچند احساسات ملي‌گرايانه آنها بسيار قوي است، اما اختلافات دروني و عدم يکپارچگي دليل وجود کوههاي سريفلك کشيده و بزرگيهاي ذاتي آنها را بي‌اثر مي‌نمايد. تنها يك سيستم اداري بيگانه با مرکزيت «بتليس» يا «وان» مي‌تواند هماهنگي لازم را در ميان کردها ايجاد نمايد...

کردها اگرچه راضي به حاکميت مسيحيان نيستند، اما در ميان تمام کشورهاي بيگانه تنها قائل به پذيرش قيمومت بریتانیا هستند... جمع‌آوري اطلاعات و صدور قطعنامه‌هاي گوناگون تنها بمنظور دفع وقت، ديگر گره گشا نيست.

9- تمام پيشنهادات ارائه شده را مي‌توان بترتيب زير خلاصه نمود:
دو ايالت «ترابوزان» و «ارزروم» يك دولت ارمني بوجود مي‌آورند که تحت قيمومت آمریکا خواهد بود... چهارايالت «دياربکر»، «نلعزيرند»، «وان» و «بتليس» دولت کودي تحت حمايت بریتانیا را تشکيل خواهند داد... تنها راه حل جانشين بازگشت قدرت ترکیه به منطقه با نظارت يك کشور اروپايي خواهد بود.

10- بارديگر تکرار مي‌کنم تداوم حضور ما در کردستان، مصلحت نيست...

11- پیشنهاد می‌کنم روز 20 ژوئن دیداری از «حلب» داشته باشم تا بتوانم میجرنوییل را ملاقات کنم با دیدن او به دیدگاه جامعتری دست پیدا خواهم کرد.

12- مطالب مطروحه‌ی فوق، خلاصه مسائل مربوط به کردستان بودند. پیشنهادهای تازه در واقع، یعنی پذیرش غیررسمی یک دولت کردی تحت حمایت بریتانیاست و یگانه راه حل جایگزین، بازگشت اقتدار ترکیه به منطقه است.

13140, Political officer, Baghdad, Comd, by. I.O, 13 th.
June 1919, Future of Armenia and Kurdistan.

رهبر کمیته کردستان، یکبار دیگر به دیدار نماینده سامی می‌رود
رهبر کمیته کردستان و رئیس مینی دولت عثمانی، شیخ عبدالقادر شمدینانی روز 12 می یکباردیگر با نماینده سامی رفت:
«دولت بریتانیا حکومت عثمانی را برای بازگشت صدها هزار تن از کردهای تبعیدی و آواره دوران جنگ تحت فشار قرار دهد»
12468/3836 Turker, Constantinople, 4 th June 1919

گزارش میجرنوییل در مورد ایالت دیاربکر

متن نامه «کلنل ویلسون» به شرح زیر است:
بازگشت به تلگراف مورخ 11 می، میجرنوییل گزارش خود در مورد ایالت دیاربکر را تکمیل و تا 15 ژوئن در حلب خواهد بود...
چند نسخه از این گزارش برای ادارات مربوطه بریتانیا در خاورمیانه ارسال شده و اهمیت تحقیقی بسیاری دارد، از این رو باید بعنوان زیربنای سیاستگزاری بریتانیا در آینده منطقه مورد استفاده قرار گیرد... نوییل پیشنهاد می‌کند مقام دیگری جانشین او شود تا بتواند تحقیقات خود را در ایالات «سیعرت» «بتلیس» «وان» و «ارزروم» با اهداف زیر ادامه دهد.
1- تخمین جمعیت ساکنان منطقه پس از جنگ
2- وضعیت کنونی اقتصادی این شهرها و شناسایی مسیرهای تجاری بین‌النهرین
3- بررسی جنایات و خرابکاری‌های انجام شده
4- احساس و موضع کردها در برابر آرزو و امال ملی کرد
5- تحولات و نتایج تأسیس یک دولت ارمنی در کردستان مرکزی
6- موضع کردها در برابر بریتانیا در جنوب شرق کردستان و مسأله بازگشت آسوری‌ها
7- مسأله بازگشت کردهای آواره و تبعیدی به موطنشان
من شخصاً با ادامه تحقیقات نوییل موافقم. امیدوارم مقامات بالا نیز موافقت نمایند...

12789/6290 4 th June 1919 Repea fed to Cairo... Aleppo for Noel

يك گزارش مهم در مورد شمال غرب كردستان

سند شماره 14677/91479/4568 مورخ 7 جولاي 1919 گزارش كاپيتان سي.ايل. ولي با عنوان «نهضت ملي كرد» است. همين سند حاوي نسخه‌اي از نامه ژنرال كلايتون به شماره C.E.O (157) است:

ستاد كل

سپاه مصر

6 ژوئن/1919

مفتخرم نسخه‌اي از گزارش «كاپيتان سي ايل وولي» در مورد مناطق كردنشين را به استحضار برسانم.

امضا

جي. ايف كلايتون

فرمانده افسران سياسي

هنگام ديدار از منطقه با روساي عشاير «ميلي»، «زازا»، «كاراوار»، «كيتكان»، «بزازي»، «آلون» و روحانيون و فرماندهان حكومت و افسران سپاه تركيه و كشاورزان، مفصلاً گفتگو كرده‌ام... اگرچه كمتر فرصت بازديد از مناطق كردنشين را بدست آوردم، اما در همين مدت کوتاه به تحليلهاي جالب توجهي دست پيدا كردم... احساسات ملي كردها بسيار نيرومند است... حتي كشاورزاني كه سربفرمان روساي عشاير هستند، چنين ويژگيهاي بارزي در خود دارند. از اين رو بايد هويت ملي كردها را بعنوان ماهيتي ريشه‌دار به رسميت شناخته حق تشكيل يك دولت كرد را براي ايشان قائل شد... در اينجا تحليلها و نتايج خود را مفصلاً ارائه مي‌نمايم...

*خاك كردستان

كردستان سرزميني است كه از فارس و تفليس تا آدانا (جنوب غرب آناتولي) و از تراپوزان و ملاطيه بسوي روانداز كشيده مي‌شود. بدینترتيب، كردستان شامل شش ايالت خواهد شد كه موسوم به ايالت ارمني است. بخشي از كردستان نیز در روسيه و شمال ايران قرار دارد... جمعيت كردستان را حدود 13 ميليون نفر تخمين مي‌زنند. بكاربردن واژه «ايالات ارمني» اشتباه است چرا كه 95% ساكنان اين شش ايالت كرد، 10% ترك و بقيه غيرمسلمان هستند... كشورهاي بزرگ مي‌توانند با آمارگيريهاي جامع، صمت ادعاهاي مرا دريابند. در بخش وسيعي از منطقه، كردها بجز زبان كردي، زبان ديگري نمي‌شناسند... اين كردها ساكنان كهن منطقه و مردماني باهوش هستند. در زيركي و آگاهيهاي سياسي آنها همين بس كه يكي از كردهاي ساكن «سيفريك»، از سياستهاي دوره «گلاستون» در مورد روابط كردها و انگليسيها تحليلهاي كارشناسانه ارائه مي‌كرد. او از گزنفون سخن بميان آورده كردها را ساكنان اصلي آسياي صغير مي‌دانست...

کردها استقلال طلب بوده تمایلی به ادامه‌ی همکاری با عثمانی ندارند. آنها خواهان یک حکومت مستقل کرد هستند که نمایندگان آن از طریق انتخابات برگزیده شده و کشور آینده آنها تحت قیمومت یک دولت اروپایی باشد...

رئیس عشیرت «میللی» یعنی «محمود بگ» می‌گوید: هرگاه حکومت کردی تشکیل شود، بسیاری از کارمندان ارمنی در ادارات دولتی بکار گمارده خواهند شد چون آنها بر اثر دریافت کمک‌های خارجی و تأسیس مدارس، آگاهی‌های بیشتری دارند... کردها نیز پس از پشت سرگذازدن دوران آموزش، به موقعیتهای بالاتر ارتقاء می‌یابند... کردها مخالفتی با ارمنی‌ها ندارند. پیش از این، برخی عشایر کرد به مشارکت در قتل عام ارمنیان- آنهم بر اثر تحریک عثمانی‌ها- متهم بودند، اما اغلب قبایل کرد با پناه دادن ارمنی‌ها ایشان را از آسیب‌های جدی مصون داشته‌اند. براساس اطلاعات من عشایر «میللی»، «آلون»، «بزازي» و «کیتکان» شمار بسیاری از ارمنی‌ها را پناه داده و آزادی‌های فراوانی به آنها اعطاء کرده‌اند... «میللی»ها نیز نزد ارمنیان، از محبوبیت والایی برخوردارند...

هفته‌نامه «کوردستان» در آخرین شماره‌ی خود نوشته است شمار قربانیان کرد در حریم وان و «بتلیس» از مرز چهارهزار تن گذشته است. باوجود این کردها عاقلانه تلاش می‌کنند از شکافتن زخم‌های کهن بپرهیزند... بطور کلی کردها طرفدار تأسیس یک حکومت مستقل کرد با نمایندگی اقلیتها و مشارکت آنها در ارکان حکومتی هستند... بدیهی است که بدلیل اکثریت جمعیتی کرد، حکومت آینده‌ی منطقه نیز ماهیتی کردی خواهد داشت...

کردها با پیروی از رهبران خود، بدنبال فرصتی هستند تا احساسات درونی خود را از قوه به فعل درآورند و در آینده حکومت خود مشارکت کنند... در این میان، عشایر کوچکی چون «آلون» و «کیتکان» نیز بدلیل نزدیکی به اعراب، خواستار الحاق به یک حکومت عربی هستند، اما عشیرت «بزازي» متمایل به کشور کردی هستند... بزازي‌ها در صورت عملی نشدن کشور آینده‌ی کردی، خواهان باقیماندن در کنار ترکیه هستند... با حرکت بسوی شمال، حس استقلال طلبی و تمایل به تشکیل یک دولت کردی، تشدید می‌شود. کردها در این مناطق، مخالف دخالت بیگانه هستند... ساکنان شهرها مایل به تجارت آزاد و رونق بازرگانی بدور از سلطه عوامل بیگانه هستند... این در حالی است که طبقات بالا است، در بدست گرفتن بدون قید و شرط امور، احساس ناتوانی می‌کنند... کردها نسبت به فرانسوی‌ها احساس خوشایندی ندارند، چون داستانهایی از حضور ناموفق آنها در بیروت شنیده‌اند... کردها حکومت فرانسه را تکیه‌گاه سیاسی قابل اعتمادی نمی‌دانند... سران کرد با تأسیس چند دولت براساس اشتراکات قومی موافقت، اما «خلیل» یکی از سران «میللی» می‌گوید: بنظر من دیدگاه‌های تئوریک «وودرو ویلسون» در عین جذابیت، کمتر عملی می‌نماید. یک افسر کرد نیز می‌گفت: چندین جنگ جهانی دیگر بوقوع خواهد پیوست، اما آینده بسود بلشویک‌هاست... در نهایت، تمام کردها قائل به تصمیم‌گیری کنگره صلح بودند و از تشکیل یک دادگاه استیناف بین المللی برای رسیدگی به

اتهام حکومت‌های متجاوز حمایت می‌کردند. از نظر کردها تعیین حدود و قدرت در شرایط تحت الحمایگی، امری لازم بود.

شیوه‌های حکومت

اگرچه بسیاری از مسائل مطروحه در حوزه شخصی دور می‌زد، اما برداشت من از کردها حاکمیت سیستم پدرسالاری بود که ریشه در تاریخ این ملت دارد و آسیب‌های فراوانی به این ملت وارد نموده است.

در مجموع اغلب کردها با تأسیس یک حکومت کردی تحت حمایت بیگانه موافق و از مشارکت ارمنی‌ها در دولت آینده حمایت می‌کردند.

سران امارتهانیز یکی «عبدالوهاب بدرخان بگ» و دیگری «محمود بگ» فرزند ابراهیم پاشا میلی هستند...

بهنگام گفتگوها «محمود بگ» رئیس عشیرت میلی گفت: هرچند «بدرخانی»ها بزرگترند، اما عشیرت ما قویتر است... او در مورد پدرش سخن گفت و راجع به عشایر هوادار «میلی» یعنی «قزلباش در سیم»

و... مطالبی به زبان آورد. نامبرده در پایان گفت: تصمیم نهایی بعهدہ متفقین است و آنها می‌دانند ملت، چه کسی را انتخاب خواهد کرد؟ من در برابر رای مردم، سرتعظیم فرود می‌آورم...

«مستر فوربس‌آدام» در همان سند می‌گوید:

این گزارش بسیار مهم است، اما مرزهای جنوبی ارمنستان، همچنانکه از سوی هیأت‌های آمریکایی و بریتانیایی تعیین شده‌اند، از شمال محل سکونت عشایر «میلی» می‌گذرد که در شرق و جنوب شرقی دیاربکر قرار

دارد...

اگر این حدود و مرزهای مورد نظر فرانسه در مورد بین‌النهرین و سوریه به رسمیت شناخته شوند، آنگاه این منطقه کردنشین در حوزه‌ی قیمومت فرانسه (در سوریه) قرار خواهد گرفت...

«مستر روبرت فانسیتارت» نیز در همان سند اشاره می‌کند:

با دیدگاه‌های مطروحه «مستر آدام» در سند مورخ 1919/8/8 موافقم...

در نامه‌ی دیگری از «فانسیتارت» بعنوان «مستربوکلر» آمریکایی بتاريخ 11 جولای 1919 با اشاره به گزارش «وولی» آمده است: «از این نامه بوی

خوش‌بینی به مشام می‌رسد»

14677/91479/4568, Turkey and me, Kurdistan National Movement, 7

th July 1919

وزیر هند خواستار تأسیس دو مرکز برای امور کرد و ارمنی شد

در سند شماره 25434/174858/3398 مورخ 17 اکتبر 1918، تلگراف وزیر هند به حاکم مدنی در 28 اکتبر 1918 آمده است:

وضعیت جدید که پس از توافق «سربرسی کوکس» و «شریف پاشا» در فرانسه حاصل شده است، شرایط مناسبی را برای انعقاد قطعنامه‌ای میان اکثریت مسلمانان کرد و اقلیت ارمنی فراهم آورده است... کردها و ارمنی‌ها

داراي حقيقي برابر هستند... بنا بر اين پيشنهاده مي‌کنم هيأتي از کردها و ارمني‌ها با مرکزيت لندن و پاریس تحت سرپرستي بریتانیا تشکیل شود...

دیدگاه‌های هوکارث

سند شماره 3385 / 19249 مورخ 20 نوامبر 1918 یادداشت‌های دي. جي. هوکارث راجع به آسیای غربی است:

6- ارمنستان، مجموعه ایالاتی است که اکثریت جمعیت آن را کردهای نیرومند تشکیل می‌دهند. بدون راضی کردن کردها تأسیس ارمنستان امکانپذیر نخواهد بود...

7- شمال بین‌النهرین: این قسمت را می‌توان بطور کامل جدا و حکومتی با مرکزیت موصل یا اورفا تأسیس کرد. سؤال این است: این کشور چقدر به شمال کشیده شود؟ آن، مسأله‌ای است که به کردها مربوط است. از آنجا که کردها روش و عادات اعراب را بیشتر می‌پسندند، احتمال پیوستن آنها به يك کشور عربی در آینده بیشتر است.

فرمانده

دي. جي. هوکارث

فرمانده کل - وزارت جنگ

M.I.2

PRO Fo 371/3398/174858/25434 , October 17 1918 (784)

حاکم سیاسی بریتانیا در بغداد ، نقشه جنوب کردستان را پیشنهاد می‌کند

در همان مجموعه از اسناد 3407/3785/1 / سي. ايکس / 1918/10/15 ، تلگراف شماره 8744 حاکم سیاسی به وزارت خارجه بریتانیا دیده می‌شود: به جهت تحولات منطقه، لازم می‌دانیم حکومت بریتانیا را از وضعیت کنونی جنوب کردستان آگاه نماییم... عشایر ساکن شرق زاب کوچک، مایل به جدایی از عثمانی و پذیرش قیمومت بریتانیا هستند... عشایر کوچرو مانند «دزه‌یی» و «جاف» نیز مایل به همکاری با انگلیس هستند...

مصالح سیاسی و استراتژیک حکم می‌کنند زاب کوچک بعنوان مرز انتخاب شود بگونه‌ای آلتون کوپری و سلیمانیه و پنجوین در داخل می‌رودهی مورد نظر واقع گردند. حریم سلیمانیه و حلبچه از امکانات بالقوه‌ای برای رشد برخوردارند... عوامل تولید این دو منطقه برای صنعت و رفاه عراق بسیار مهمند. از این عوامل، می‌توان نفت، زغال سنگ از مواد اولیه حیاتی هستند

1- Ibid, 3385 / 191249 , November, 20, 1918

2- 3407, 17437, XC/A/ 3785, 8744

شیخ محمود از بریتانیا می‌خواهد کردستان را از لیست ملل آزاد شده خارج نکند

در سند شماره 3407 / 9351/69427/182011 مورخ اول نوامبر 1918، نامه حاکم سیاسی به وزارت خارجه بریتانیا با عنوان «امور جنوب کردستان» آمده است: افسر سیاسی در «کفری»، در تاریخ اول نوامبر 1918 در گزارشی اطلاع داده است که دوتن از اشراف که نماینده‌ی «شیخ محمود» هستند با مراجعه به نامبرده، نامه‌ی شیخ را تسلیم او کرده و ضمن پافشاری بسیار بر عقاید خود، از حکومت بریتانیا خواسته‌اند کردستان را از لیست ملل آزاد شده خارج نماید. شیخ محمود در این نامه گفته است اگر از سوی حکومت عثمانی بازداشت نمی‌شد، از هیچ تلاشی برای رهایی کردستان فروگذار نمی‌کرد...

شیخ محمود یکی از بزرگان سلیمانیه است که در این اواخر از سوی عثمانی‌ها بعنوان قائم مقام منطقه برگزیده شد... نامبرده یکی از بزرگترین روسای عشایر کردستان است... «میجرنوبیل» در روزهای آتی، همراه این دو تن به سلیمانیه عزیمت خواهد کرد...

3407/ 182011/69427/9351, XC/ A/ 3785

دیدگاه‌های آرنولد توینبی در مورد کردستان و ارمنستان

آرنولد توینبی در مورد مسائل کردستان و ارمنستان می‌گوید: اگر حریم «دیاریکر» را جدا و به بین‌النهرین ضمیمه کنیم، آنگاه جمعیت کردهای بین‌النهرین بیشتر خواهد شد. در این حالت، بسهولت می‌توان مسأله کردها را در ارمنستان چاره‌سر نمود... هرگاه فرانسویان قائل به قیومت «کیلیکیا» شوند، کردها بین ایران، بین‌النهرین و کیلیکیا تقسیم خواهند شد...

در سند شماره 3407 / 17037 / 19 نوامبر 1918، دیدگاه‌های توینبی ثبت شده‌اند:

التزامات حکومت بریتانیا در برابر مناطق مورد اشاره که در تلگراف شماره 8744 بغداد آمده است:

الف- بریتانیا در برابر «ملك حسين» متعهد است مناطق مورد نظر را به دولت آینده عربی منضم نماید
(Independent Arab Area)

نامه «سرمك ماهون» به حسین (1915/10/24)

ب- معاهده‌ی همکاری انگلو-فرانسه مورخ 1916/5/16 متضمن تقسیم مناطق تحت نفوذ به دو حریم A و B است.

این معاهده- لااقل در بین‌النهرین- ضمانت اجرا ندارد. ملك حسين نیز هنوز آنچنان نیرومند نشده است که بتواند از تصمیمات آتی سرپیچی نماید... بهمین خاطر، ما آزادانه می‌توانیم طرحی ارائه کنیم که منطبق بر آمال ساکنان منطقه باشد...

آینده‌ی کردستان، وابسته به آینده‌ی موصل است... اگر بین‌النهرین همچنان تقسیم نشده باقی بماند، معاهده ملک حسین و فرانسه بر سر عراق به جزیره ابن‌عمر نیز تسری خواهد یافت... اگر اتحاد مجدد بین‌النهرین عملی شود و حکومت عربی تحت قیمومت بریتانیا تشکیل شود، تأسیس کردستان خودمختار، بسیار به سهولت عملی خواهد شد (مانند هند و منطقه شمال غرب)... اخیراً نظیر چنین پیشنهادی از سوی «شریف پاشا» ارائه شده است...

کردستانی با این ویژگیها نه تنها جنوب زاب کوچک را شامل خواهد شد، بلکه مناطق «رواندز»، «کلاری» و «بوتان» را تا سرحدات مرزی ارمنستان آینده در برخواهد گرفت... کردها و آسوری‌های مسیحی ساکن این منطقه در زمان جنگ، متحمل آسیب‌های بسیار شده‌اند... آسوری‌ها یکبار در سال 1915 و بار دیگر در سال 1918 و هنگامی که ترکها به سوی کردستان و غرب ایران پیشروی نمودند، با مرگ دست و پنجه نرم کردند...

لازم است آسوری‌ها را به وطنشان بازگرداند و حکومتی چنان مقتدر تأسیس کرد که مانع برخورد مسلمانان و آسوری‌ها شود. کردها و آسوری‌ها در دو سوی مرز ایران و ترکیه ساکنند... آسوری‌ها بخش عمده‌ی جمعیت ارومیه را تشکیل می‌دهند... در تهاجم 1914-1915 ترکها به آذربایجان، آسوری‌ها ناگزیر از مهاجرت به قفقاز شدند... یکی از دولتهای بیگانه باید مسئولیت حمایت از آسوری‌های حکاری را برعهده گیرد... از سوی دیگر نباید در اندیشه جدا کردن ارومیه از ایران بود که در هنگام جنگ، بیطرفی اختیار کرده است... یک راه حل موثر واگذاری اداره امور کردستان به ایران با مرکزیت ارومیه و اعطای حکم خودگردانی به کردها تحت قیمومت یک کشور خارجی است...

توینبی در ادامه پیشنهادات خود را بترتیب زیر طرح می‌نماید:

الف- تسهیل شرایط برای عمران حریم ارومیه

ب- اتحاد نسطوری‌ها در دو سوی مرز

ج- دادن اطمینان خاطر به ایران در مورد مرزهای ایران- ترکیه

د- تثبیت موقعیت بریتانیا در بین‌النهرین

ایجاد هماهنگی میان کردها، ایرانیان و آسوری‌ها پیش از عملی شدن پیشنهادات فوق، الزامی است «مسترکیدستون» با اظهار نظر در مورد پیشنهادات «توینبی» می‌گوید:

ارائه پیشنهادات گوناگون بسیار مفید بوده دست ما را برای انتخاب اصلح بازخواهد گذاشت. بهتر است با متفقین و آمریکا نیز مشورت نمود... الحاق مناطق مطروحه فوق به ایران، در عمل چندان هم ساده نخواهد بود...

مستر «کی. او» نیز در مورد پیشنهادات «توینبی» می‌گوید:

من با اظهارات «مسترکیدستون» موافقم

مستر «بی. سی» نیز می‌گوید:

پیشنهادات «توینبی» جالب و عملی است.

توینبی به انتقادات «سرمارک سایکس» پاسخ می‌دهد

توینبی در تاریخ 1918/10/25 در نامه‌ای به انتقادات «سرمارک سایکس» پاسخ داد:

نمی‌دانم چرا «سرمارک سایکس» با دیدگاه‌های من مخالفت می‌ورزد... انتقادات او بشرح زیر است:

1- «مارک»، ایران و روسیه را از دستور مذاکرات خارج کرده است... در حال حاضر، شاید نتوان وارد این بحث شد، اما به محض آنکه ایران ادعاهای ارضی خود را در مورد مرزهای ایران- ترکیه طرح نماید، آنگاه می‌توان مسأله کردستان و ارومیه را طرح نمود.

2- نسطوری‌ها (آسوریان): «سرسایکس» می‌خواهد لبنان دیگری از نسطوری‌های «حکاری» و «جوله میرگ» و تحت حاکمیت «مارشمعون» بسازد و آنها را مستقل سازد. «سرسایکس» نمی‌خواهد نسطوری‌های ارومیه و حکاری، اتحادیه‌ای بوجود آورند. با این وجود، مسأله عمران اقتصادی ارومیه جایگاه والایی نزد «سرسایکس» دارد.

3- مرزهای کردستان: «سایکس» پس از آنکه در نقشه پیشنهادی خود، کردستان ایران را از دستور خارج و حکاری را نیز مستثنی نمود، مرز کردستان را در امتداد دجله (به استثنای موصل) تا دو سوی کوه «حمیرین» امتداد می‌دهد که این بمعنای تخلف آشکار از پیمان تشکیل یک حریم عربی با ملک حسین است... راه حل نهایی، گنجاندن کردستان در چارچوب یک کنفدراسیون عربی است...

4- ارمنستان: سرمارک سایکس پیشنهاد می‌کند الف) یک حریم ارمنی در کیلیکیا تشکیل شود و ب) یک حریم کرد- ارمنی در شمال شرق امپراتوری عثمانی ایجاد گردد.

در این حالت، ارمنستان روسیه نیز حریم سوم خواهد بود...

این طرح، با نارضایی شدید ارمنی‌ها مواجه خواهد شد چرا که به تجزیه ارمنستان منجر خواهد گشت.

گمان می‌کنم «سرمارک سایکس» در تدارک تأسیس یک دولت ارمنی ملی در منطقه A و یک منطقه چند ملیتی در منطقه B است. به باور من، بهترین راه‌حل، الحاق دو منطقه به یکدیگر و تشکیل یک دولت چند ملیتی تحت قیمومت کشوری خارجی است.

آرنولد توینبی و انتقاد از دیدگاه‌های سرمارک سایکس

«توینبی» با انتقاد از دیدگاه‌های سرمارک سایکس می‌گوید:

در واقع، درخواست ارمنی‌ها بسط قدرت یکی از کشورهای خارجی بر تمام منطقه و فراهم آوردن شرایط مقتضی برای اعطای حکم خودگردانی به ملتهای منطقه در آینده است. بیگمان، پروژه سرسایکس در منطقه B، این

امکان را برای ارمنی‌ها در تأسیس يك دولت فراهم خواهد آورد، اما این دولت بدلیل حضور اکثریت کرد و ترك ساکن منطقه دیري نخواهد پایید... سرسایکس مدعی است بسیاری از کردهای منطقه B «قرلباش» هستند و امکان ذوب آنها در ارمنی‌ها و مسیحی شدن ایشان، قوي است... بدینترتیب، تأسیس يك سیستم حکومتي در منطقه B ضروري بنظر می‌رسد... ارمنی‌ها چشم طمع به ارمنستان روسیه بعنوان حریم C نیز دوخته‌اند. این منطقه اخیراً بعنوان «جمهوری ایروان»، يك حکومت مستقل تشکیل داده است، اما از آنجا که آلمان و ترکیه در تأسیس آن، نقشی اساسی ایفا نموده‌اند، بهتر است بریتانیا از به رسمیت شناختن آن خودداری ورزد

ای. جی. تی

1918/10/25

برخی عشایر کرد از نهضت کمالی حمایت می‌کنند

در سند شماره (371) (4193) (163679) نماینده سامی در استانبول به وزارت خارجه بریتانیا آمده است:

نماینده‌ی سامی بریتانیا

از «آدمیرال دی روبیک» به وزیر خارجه «کرزن»

شماره: 2269

تاریخ: 4 دسامبر 1919

پیش از این، بعرض رسانده بودم که با اعلام آتش بس، عده‌ای فرصت طلب، با هدف تحریک و ایجاد آشوب، تلگرافهایی بعنوان نماینده سامی و سایر مسؤولان ارسال می‌نمایند...

2- اخیر شکایت نامه‌ای بدین مضمون دریافت نموده‌ام که در آن، کردها نارضایی خود را از جدا شدن از ترکیه اعلام و آمادگی خود را برای فداکاری در راه سرزمین مشترک ترك و کرد ابراز داشته‌اند...

3- به ضمیمه تلگراف حاضر، فهرست اسامی هشت عشیرت را که چنین ادعایی طرح نموده‌اند، تقدیم می‌نمایم. در این میان، نام رئیس عشیرت «ملکی» (میللی- مترجم) یعنی «محمود بگ»، که پیش از این، نسبت به بریتانیا اظهار وفاداری نموده است، جالب توجه می‌نماید... این تلگراف‌ها در فاصله 10 تا 27 دسامبر 1919 ارسال شده‌اند. آنچه می‌آید نام افراد، عشایر و محل سکونت آنهاست:

روسای عشیرت برواری:

- کورچین رئیس عشیرت
- حکیم رئیس عشیرت
- مصطفی رئیس عشیرت
- محمدرضا رئیس عشیرت
- «آدیان»
- «ماکشاکیر»
- «کیاران»
- «دودبران»

- شخصیت‌های جزیره:
 - سید محمود، مفتی بنام «سنجق» «سلیمانیه»
 - روسای عشایر
 - گویان، عمادیه، بیروکیان، کیوکیان و ...

- از «جارسنجق»، روسا شامل:
 - ابراهیم رئیس شهربانی
 - عبدالله مفتی
 - مصطفی

- از «دیره» روسای عشایر
- مزریکی، آتوش، بادسیرکا، اوراما، کیفارا، دوسکی.
- موسی رئیس شهربانی «حکاری»

از نصیبین:

- - روسای عشایر: بوتلان، کیجیان، ناریکی، هاورکان ازینج، ساهیکیان، آلنان، منارعلی.
- شیخ موسی از طرف «کمیسیون حقوق بشر» ایالتهای شرقی ترکیه و جمعی از اشراف منطقه

از مديات:

- روسای دیرهاو، کیفوزی، دومان، صالحان، علیکیان، هاورکی، حصار، محالمی، حسن کیف، دیکشوری، کوردوجوس، کریفن، هیزیوی...
PRO Fo371/ 4193/ 163679 (XC/A/4008) British high Commissioner,
(Cont) 4 th December, 1919

تلگراف نماینده سامی بریتانیا و یادداشت رهبران کرد

سند شماره 7623 /95/608 مورخ 16 آوریل 1919، متن تلگراف آد میرال کالسورب نماینده سامی بریتانیا است که با شماره 769 مورخ 13 آوریل 1919 به وزارت خارجه بریتانیا است: وضعیت منطقه بدلیل آماده شدن حکومت ترکیه جهت انجام اقدام نظامی، در شرف ناآرامی است که پیش از این در تلگراف شماره 21 مورخ 12 آوریل نیز به موضوع اشاره کرده بودم... من با این نظر که حزب «یه کیتی و سه رکه وتن» با هدف ایجاد ناآرامی در منطقه بدنال تأسیس «جامعه اسلامی» است و با ملیون مصر و هند و بلشویکها در تماس دائمی است موافقم... دستگیری فعالان سیاسی این گروه نیز در مقطع کنونی، بمصلحت نخواهد بود... بهرحال، من براین باورم که کردها همگی دشمنان ما نیستند... در این میان، هستند بزرگانی چون «دکتر عبدا... جودت» و «سلیمان نظیف» که طرفدار ترکیه هستند، اما وجود افرادی چون «عبدالقادر شمدینانی» را هم نباید نادیده گرفت... نامبرده بعنوان نماینده «حزب رهایی کردها» در دیدارهای خود، همواره از کردستان مستقل طرفداری می کند. شیخ عبدالقادر در آخرین ملاقات خود با من، از وضعیتی مشابه آنچه بریتانیا به «ملک حسین» در مورد مناطق عربی اعطا کرده است برای خود سخن می گفت...

لازم به تذکر است که دکتر عبدا... جودت و سلیمان نظیف از پذیرش نمایندگی حزب رهایی کرد خودداری ورزیده اند گمان می رود ایشان تمایل چندانی به خطرپذیری در این مورد نشان نمی دهند... اما در مورد «بدرخانیان» که در «حزب رهایی کرد» فعالانه مشارکت جسته اند، من با تردیدهایی مواجهم. هر چند در حال حاضر به آرشیو سال 1914 دسترسی ندارم، اما گمان می کنم مشارالیه در قیام «بتلیس» که نافرجام ماند،

نقشي محوري برعهده داشتند (منظور، قيام ملاسليم و علي و شهاب الدين است). اين قيام، با سرکوب شديد کردها توسط ترکیه خاتمه يافت. متشار نظامي ما که «احمد ثريا بدرخان» را به خوبي مي شناسد، مي گويد نامبرده همواره از بریتانیا- در چه زمان جنگ و چه بس از آن- حمايت کرده است...

در حال حاضر، کردها از نظر تمایلات سياسي دو دسته اند، گروهی طرفدار بریتانیا و گروه دیگر هوادار ترکیه هستند. اگر حکومت عليه مدارکی در اختیار دارد که بموجب آن، عبدالقادر و بدرخانيان به ترکیه وابسته اند، نماینده سامي را نیز در جریان قرار دهد، چون این مسأله بسیار مهم است: اگر عبدالقادر دوست ما باشد، موثرترین سلاح برای وارد کردن فشار بر استانبول خواهد بود. من پیشنهاد کرده ام پسر او به کردستان عزیمت کند، اگرچه هنوز اقدامي صورت نپذیرفته است...

به باور من، عملیات نظامي ترکیه، فایده ای برای ترکیه نخواهد داشت. تنها هدف ترکیه از عملیات نظامي، فراهم آوردن مقدمات لازم برای بازگشت وضعیت سابق به منطقه است... بنابراین بهتر است با تحلیلي سياسي، مسائل منطقه را در نظر گرفت:

1- در مقطع کنوني، نمی توانم سلطه ي سياسي قابل توجهی بر مناطق واقع در آن سوي مرزهاي نظامي اعمال کنیم.

2- بهتر است چنین وانمود کنیم که بریتانیا به سروري ترکیه بر کردستان عثمانی تأکید می کند، اگرچه سیاست حکومت عليه در مورد استقلال کردستان، تاکنون برای من روشن نشده است...

PRO Fo 608/ 95/7623, Turker and me (Constantinople Source of Kurdish Unrest), April 16 th, 1919

سند شماره (608) (95) (2251/2/1931) (6642) مورخ 19 اکتبر 1919 نیز نامه نماینده ي سامي بریتانیا «دي روبیک» است. در این نامه آمده است: سرورم لرد

بازگشت به تلگرافهاي شماره (1702/م) (2201) سپتامبر 1919، خلاصه يادداشت حزب دموکرات کرد را که در 7 اکتبر دریافت نموده ام، به پیوست تقدیم می نمایم.

جي. ام. دي روبیک

حزب دموکرات کرد

استانبول

شماره: 21

تاریخ: 7 اکتبر 1919

به نماینده ي سامي حکومت عليه بریتانیا

ضمن تشکر و قدردانی از جناب عالی بخاطر ارسال یادداشت 31 اگوست حزب دموکرات به حکومت عليه بریتانیا، مفتخریم یادداشت زیر را نیز تقدیم نمایم.

1- ما مطمئن هستیم مقامات حکومت بریتانیا با آگاهی از حضور نیروهای میلشیا که اخیراً در آناتولی تأسیس شده‌اند، ماهیت آنها را می‌شناسند. کردها به کلی و روشنفکران کرد بالاخص، با تمام وجود در برابر هر نیرویی که مخالف بریتانیا باشد، مقاومت خواهند کرد.

همچنانکه در یادداشت پیشین گفتیم، دشمنان ما از درون و برون تلاش می‌کنند با ایجاد ناآرامی در کردستان، این منطقه را سرزمینی نشان دهند که کانون آشوب است. آنها تمام سعی خود را برای انحراف ملت کرد از آرزوها و آمال واقعی خود بکار بسته‌اند تا مقاصد پست خود را عملی سازند...

جنابعالی این واقعیت را خوب می‌دانید که کردها بر اثر وقوع جنگ جهانی اول، دچار مصائب بسیار شدند، بهمین خاطر نسبت به هر رویدادی که آینده‌ای مهم داشته باشد، سوءظن دارند، چون می‌دانند اقدامات مقطعی و فاقد دوراندیشی، هیچ نتیجه‌ای دربر نخواهد داشت... جامعه کردستان و ملت کرد در نهضت‌های آناتولی مشارکت نخواهند کرد... در این میان، تحرکات انفرادی چند تن یا اقدامات گروهی معدود را نباید به حساب ملت کرد گذارد. این افراد قربانی نادانی و نفهمی خود شده متأثر از تبلیغات میلشیا به آنها پیوسته‌اند.

نظر حکومت بریتانیا را به نکته‌ای بسیار مهم جلب می‌نمایم: تنها راه برای حل معضلات آسیای صغیر، همانا تأسیس یک کردستان مستقل در چارچوب مرزهای طبیعی و ملی است. در این حالت، کردهای میهن‌پرست، تمام سعی خود را برای بازگشت امنیت و آرامش به منطقه بکار خواهند بست. زمان آن رسیده است که آرزوهای ملی کرد صورت عمل بخود گیرند و در این میان، بریتانیا می‌تواند منجی ملت کرد باشد.

2- سیاست همیشگی عثمانی‌ها زنده‌بگور کردن همه آرزوها و حقوق مشروع ملت کرد بود. اخلاف آنها امروز نیز از هیچ اقدامی برای نابودی ملت کرد دریغ نمی‌ورزند. اجازه دهید با ذکر مثال‌هایی چند، از واقعیات پرده برداریم:

حکومت مرکزی (در استانبول)، والی ستمگری به دیاریکر فرستاده است که مظهر تندخویی و قساوت با کردهاست... نامبرده از رسیدگی به شکایات بحق مردم خودداری می‌کند... رفتارهای بدور از انسانیت والی دیاریکر را نمی‌توان با هیچ نوع استبدادی مقایسه نمود... عثمانی‌ها به جنایات خود ادامه می‌دهند و برای اجرای سیاست‌های خود، هیچ مانعی در برابر نمی‌بینند. دفتر هر دو تشکل «کومه‌له‌ی سه‌رکه‌وتنی کوردستان» و «ته‌عالی کوردستان» در دیاریکر و سیعرت تعطیل شده‌اند و همه تلاش‌ها برای بازگشایی آنها بی‌نتیجه مانده است... در شهر اورفا نیز مسئولان عثمانی، مانع از افتتاح دفاتر این دو تشکل قانونی شده‌اند... اما حزب دموکرات هنوز هم از سوی وزارت داخله برسمیت شناخته نشده است... اینها تماماً نمونه‌هایی از سیاست‌های زور عثمانی است. عثمانی‌ها هرگونه فعالیت رسمی در دیاریکر را توطئه‌ای علیه خود می‌پندارند و شدیداً به سرکوب آن

مبادرت مي‌کنند... تداوم اسارت ملت کرد، هدف نهایی عثمانی است... بهمین خاطر، ما امیدوار هستیم و یقین داریم که حکومت بریتانیا به یاری کردها خواهد شتافت...

3- حکومت عثمانی تمام اقدامات خود را مصروف کمک به پناهندگان ایالت عابدين (ترکهایي که از یونان به این منطقه پناه جسته‌اند) نموده است در حالی که از اعطای کمک به کردهایي که به بهانه‌ي جنگ داخلی به غرب اناتولی رانده است، خودداری می‌ورزد... ترکها حتی در برابر بازگشت کردها به سرزمین آبا و اجدادی نیز مقاومت می‌ورزد... آیا این اقدامات غیرانسانی را می‌توان توجیه کرد؟

4- از حکومت بریتانیا درخواست می‌کنیم با پذیرش خواسته‌های ملت کرد، امیدهای ما نسبت به انگلستان را همچنان زنده نگه‌دارند

دبیر کل

حزب دموکرات کرد

ممدوح سلیم بگ

PRO Fo 608/95 (1931/ M / 2201) (6642), British high Commissioner,
Constantinople, October 19 th , 1919

یادداشت دیگر حزب دموکرات کرد به نماینده سامی بریتانیا

نماینده سامی بریتانیا در یادداشتی به وزارت امور خارجه آن کشور، با اشاره به نامه مجدد حزب دموکرات کرد می‌گوید:

1- مفتخریم نسخه‌ای از يك یادداشت را پیشکش نمایم که جمعیتی موسوم به حزب دموکرات کرد ارسال نموده است.

2- من تحقیقات مفصلي در مورد این جمعیت انجام داده در فرصت مقتضی نتایج آن را تقدیم خواهم نمود.

نماینده سامی

جی. ام. دی روبیک

خیابان باب العالی

31 / آگوست / 1919

به نماینده‌ي سامی حکومت بریتانیا

کمیته‌ي مرکزی حزب دموکرات کرد با تقدیم صمیمانه‌ترین سلامها این یادداشت را تقدیم می‌کند. (از محتوای نامه اینگونه برمی‌آید که این، نخستین نامه حزب دموکرات کرد باشد و نامه‌ي پیشین، دومین نامه این حزب بوده است- مترجم)

تمام کردهای روشن‌فکر براین واقعیت معترفند که ملت شریف انگلیس، پیشرو دول متفقین در مبارزه با دشمن بودند و جنگاوران آن، خون سرخ خود

را در راه دستیابی به هدف مقدس دموکراسی و پاسداری از حقوق بشر فدا نمودند...

همچنین، اطمینان داریم که متفقین در آینده، شرایط لازم را برای عملی شدن «دکترین ویلسون» در مورد ملت کرد عملی خواهند کرد! (دکترین ویلسون، حق تعیین سرنوشت را برای تمام خلقهای جهان قائل شده است)... کردها یکی از ملل تحت ستم بوده حق آزادی و رهایی دارند... در طول چهار سده اخیر، ملت کرد بر اثر تلاش یکی از رهبران خود (حکیم ادیس تبلیسی نویسنده کتاب شرفنامه، 1543-1604) به اتحاد عثمانیها پیوست، اما متأسفانه هیچیک از مفاد معاهده کرد- عثمانی بموقع اجرا گذارده نشد... عثمانیها با نادیده گرفتن حقوق اساسی ملت کرد، ایشان را ناگزیر از قیام و شورش نمود، قیامی که نتیجه آن سرکوب کردها با تمام ابراز ممکن بود... کردها زیر بار ستم سنگین عثمانی، هنوز نتوانسته‌اند به حقوق بدیهی و مشروع خود دست یابند... متعاقب شورش بزرگ 1908، روشنفکران کرد برای رهایی از ستم بیگانه، هر آن چه در توان داشتند بکار بستند و قربانیهای بسیار تقدیم قیام ملت کرد نمودند... اکنون نیز جوانان روشنفکر کرد در نهایت صداقت و سرور، به پیشواز عصر آزادی و دموکراسی تحت زعامت بریتانیای کبیر و متفقین آمده‌اند... متأسفانه، اشراف و بزرگان کرد بعلت آنکه در عصر سیاه خفقان عثمانی، هیچگاه تحت حمایت معنوی بریتانیا قرار نگرفتند، در دوران جنگ نیز نتوانستند موضعی دوستانه نسبت به این امپراتوری اتخاذ کنند... به هر حال، ما از ملت بزرگ انگلیس می‌خواهیم که حقوق ملی ما را برای دستیابی به استقلال در چارچوب مرزهای طبیعی فراموش ننماید. پیش از این، درخواستهای خود را در برابر هیات آمریکایی در کمیسیون «کینگ کراین» که «عزیز بابان» و... نمایندگان ملت کرد بوده‌اند، طرح نموده‌ایم... کردها جدای از یاری و راهنمایی بریتانیا پناه دیگری نمی‌جویند... در این یادداشت، باردیگر از حکومت معظم و دلسوز درخواست می‌کنیم که با برسمیت شناختن استقلال کرد، آزادی سیاسی ما را تأمین نماید... جامعه کردستان به این نتیجه مهم دست یافته است که به تنهایی نمی‌تواند خواسته‌های خود را از قوه به فعل در آورد از این وجود دوستی قدرتمند چون انگلیس، امری الزامی است... بیگمان، حمایت انگلیس از استقلال ملت کرد، نسلهای آینده را نیز وامدار این قدرت بزرگ خواهد کرد...

سعادت مآب:

از این پس، یادداشتهای حزب دموکرات کرد را تقدیم شخص جنابعالی خواهیم نمود... در یادداشت حاضر، خواسته‌های خود را بشرح زیر تقدیم می‌داریم:

1- تاکنون هزاران خانوار کرد به زور به غرب آناتولی تبعید و اسکان داده شده‌اند. آنها با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند و مکاتبات طولانی ما با عثمانی جهت رسیدگی به وضع کردها بینتیجه مانده است. به نام

دادپروري و انسانيت بریتانیا از شما مي خواهيم نیروهاي خود را براي رهايي کردها از ستم، آزار، گرسنگي و مرگ وارد عمل نماييد.
2- حکومت عثمانی با انکار حقوق مشروع ملی، مانع از تأسیس حزب ما مي شود و حزب دموکرات هم اکنون با تهدید سرکوب مواجه است. خواهشمندیم برای پایان دادن به این کشاکشها اقدامی عاجل بعمل آورید...
دبیر کل کمیته ي مرکزی حزب دموکرات کرد

ممدوح

سلیم بگ

Fo 68/95/6648, British High Commissioher, Istahbul, 18 th September
1919

ملاقات «سربرسي کوکس» و «شريف پاشا» در «مرسيليا»

سند شماره 3398/371 مورخ 3 ژوئن 1918، متن گفتگوهاي سربرسي کوکس و شريف پاشا در شهر مرسيلياي فرانسه است که در 8 ژوئن 1918 از سوي کوکس به عنوان «مارکسايکس» گزارش شده است:
سرورم سايکس
آنچه به عرض مي رسد گزيده گفتگوهاي من و شريف پاشاست... تصوير اين نامه را براي «شکبره» نیز ارسال نموده ام...

بي. زد. کوکس

بر اساس دستور وزارت خارجه، روز 3 ژوئن 1918 در شهر «مرسيليا» با «ژنرال شريف پاشا» ملاقات کردم. نامبرده از کردهاي عشيرت جاف در منطقه سلیمانیه است، اما از دوران کودکی کردستان را ترک کرده است. شريف پاشا مي گوید در يادداشت نوامبر 1914، آمادگي خود را براي همکاری با بریتانیا در مورد حل مسائل کردستان اعلام نموده است... من گفتم براي گفتگو و ارائه پيشنهادات آماده ام...
شريف پاشا گفت: من، به خاطر کرد بودن، به ملتم اهميت مي دهيم... از سخنان او چنين استنباط نمودم که تلاش او متقاعد نمودن مسئولان انگليس براي تأسيس يك کردستان مستقل و ارائه سياستهاي روشن در اين زمينه است... شريف پاشا آدرس پسر خود را که ساکن اسکندريه در مصر و مالک اراضي بسياري در اطراف بصره است به من داد و درخواست کرد مساعدات لازم را براي سفر او به اينجا فراهم آورم.

بي. زد. کوکس

Fo 371/3398/104697/3407/3406/3416/3413/33850/3386/4368/-
371/1918.

در سند شماره (371) (3398) (104095) (25434) مورخ 11 ژوئن 1918 سفیر بریتانیا در پاریس «اپریل دربی» به «بالفور» آمده است: شريف پاشا با

اظهار رضایت بسیار از ملاقات با کوکس، از حکومت بریتانیا به خاطر به رسمیت شناختن استقلال کردها قدردانی کرد.

Fo 371/3398/104095/25434/ Pares, June 11 th 1918.

سرمارک سایکس، با تقدیم یادداشتی که در سند شماره (3398)(104617/دبلیو/44) مورخ 14 ژوئن 1918 ثبت شده است می‌گوید: نمی‌توان زیرکی مافوق تصور کردها را انکار کرد... در میان آنها چندین شخصیت توانا وجود دارد که در امور مدنی و نظامی حکومت عثمانی، سالها فعالیت نموده است... من بر این باورم که پروژه شریف پاشا حاوی برخی پیشنهادات قابل اجرا است. به هر حال این پیشنهادات در خدمت سیاستهای عثمانی به «اسب تروا» تبدیل می‌شود... اگر ارمنی‌ها را در شمال از حق استقلال محروم کنیم تا حقوق کردها تأمین شود، این به معنای به رسمیت شناختن کردها و لزوم ایفای نقش جدید در شمال است...

از اینرو برای عملی ساختن هر گونه سیاست کردی باید قیود احتمالی را نیز در نظر گرفت... در مورد شخصیت «شریف پاشا» مطالب قابل توجهی نمی‌دانم. اگر فردی مقتدر باشد، موضع نظامی ما تقویت خواهد شد... از نظر من، او در حال برداشتن گامهای نهایی برای اتحاد کردهاست... اما نباید مشورت با «بوغوس‌نوبار پاشا» را در تمام مراحل، فراموش کرد.

Fo 371/ 3398/104697/W/44.

میجرنوییل مایل است شریف پاشا به جنوب کردستان سفر کند

«میجر نوییل» در مکانی واقع در حومه سلیمانیه، تلگرافی از شریف پاشا خواست به سلیمانیه سفر کند... سند شماره 188326/371 مورخ 15 ژوئن 1918، تلگراف حاکم مدنی سلیمانیه است:

میجرنوییل در تلگراف 9 نوامبر گفت: «شریف پاشا» در میان کردهای جنوب از محبوبیت قابل توجهی برخوردار است.

«نوییل» خواستار سفر «شریف پاشا» به سلیمانیه است.

Fo 371/1883/26, November, 15, 1918

ژنرال شریف پاشا از بریتانیا خواست با سفر او به استانبول موافقت شود

در سند شماره 188785 / 25434 مورخ 14 نوامبر 1918، تلگراف «لرد دری» سفیر بریتانیا در استانبول به عنوان وزارت خارجه بریتانیا ثبت شده است:

شریف پاشا برای جلب موافقت بریتانیا جهت سفر نمایندگان ویژه خود، «غالب بگ» و «عبدالرحمن بگ» به استانبول و گردآوردن اطلاعاتی چند از این شهر، درخواست ملاقات نموده است... «شریف پاشا» نزد یکی از کارمندان سفارت گفته است اگر حکومت بریتانیا اجازه دهد پس از دریافت گزارش نمایندگان خود شخصاً به استانبول سفر خواهد کرد...

Fo371/188785/25434. Paris, November. 14 th. 1918, Cherif Pasha.
From Lord Derby.

سرمارك سايكس و آرنولد توينبي از پاره‌اي واقعات تاريخي كرد مي‌گويد

در مجموعه اسناد 3398/371 وزارت خارجه بریتانیا، طرح توينبي و سايكس در جولاي 1918 براي کردها دیده مي‌شود. بخش‌هايي از اين طرح به دليل اذعان به برخي واقعات تاريخي جالب توجه است:

1- هر بيگانه‌اي که به کردستان سفر کرده است، پس از بازگشت تأکيد نموده است کردها همیشه آزاد بوده‌اند...

2- سرزميني که در امتداد رشته کوه زاگرس کشيده شده است، از بامداد تاريخ مسکن ملت کرد بوده است...

3-

4- چرا کردها سروري امپراتوري عثماني را پذيرفتند؟ آيا دليلي جز مذهب داشت؟

5-

6-

7- کردها و عرب‌ها با يکديگر همکاري کنند درست مانند همکاري کردها با سرباني و ارمنيان

پس از اين چند مورد، چهار مورد ديگر با مرکب و به صورت دستنويس نگاشته شده است:

اين پروژه بسيار مناسب است اما به جهت تعميق اثرات تبليغي، رفتارهاي غيرانساني عثماني عليه کردها نيز بايد لحاظ شود:

1- تبعيد کردها توسط سلطان سليم عثماني (1512-1520)

2- نابودي اقتدار امراي کرد در کردستان

3- تلاش عثماني براي نابودي کردها، ارمني‌ها و سنطوري‌ها به دست يکديگر

4- اعدام و جابجايي جکعي کردها توسط «په‌کيتي و سه‌رکه‌وتن- اتحاد و پيروزي»

5- ايجاد اختلاف بين عشاير کرد توسط عثماني

پنج مورد اخير توسط «مارك سايكس» به رشته تحرير درآمده است... اينها پروژه طراحي شده بریتانیا براي عصر صلح يعني پايان جنگ اول جهاني بود، اما هرگز اجرا نشد....

يادداشتي در مورد کردستان و چند شخصيت کرد

مستر «ريان»، مسئول دايره نماينده سامي بریتانیا در استانبول، در يادداشتي به ذکر برخي مسائل کردستان پرداخت:

1- چند روز پيش «حمدي پاشا بابان» وزير بحريه پيشين در مقالات با من، احتمال استفاده از کردها براي مقابله با حضور بلشويکها در منطقه را طرح نمود.

2- حمدي پاشا گفت بلشويکها اکنون حوزه نفوذ خود را تا مرزهاي ترکیه- روسيه سابق بسط داده‌اند. اين مسأله، تهديدي جدي براي سرزمينهاي جنوبي و از آن جمله، کردستان است. از اين رو بکارگيري کردها در مقابله با اين تهديد براي بریتانیا مؤثر خواهد بود... اين کار نیز از طريق اعزام شخصيتهاي برجسته‌اي چون «سيدعبدالقادر شمديني» و «حمدي پاشا بابان» به موصل و گفتگو با سران عشایر جهت تحریض آنها به مقابله با بلشويکها عملي خواهد بود.

3- اين، نخستين بار نیست که چندین پیشنهادهايي طرح مي‌شوند. پيش از اين، «عبدالقادر» به عنوان نیرومندترین شخصیت کرد نیز از تهديد بلشويکها سخن به میان آورده است. به گمان او همکاری بریتانیا و کردها، نهضت کمالی را تضعیف و خطر بلشويکها را خنثي خواهد کرد.

4- به «حمدي پاشا» قول دادم پیشنهادهاي او را به مسئولین انتقال دهم. به او گفتم کردها قبل از آنکه محتاج امکانات مادي باشند، نیازمند روحیه‌ي اتحاد هستند.

5- درست است هماهنگی میان کردها از اسکندرون تا قفقاز پایین است، اما مي‌توان از آنها براي مقابله با بلشويکها استفاده کرد... هجوم بلشويکها به جنوب نیز هر آن متحمل است... من «حمدي پاشا» را به دلیل آنکه متلون المزاج است زیاد قبول ندارم، اما احترام بسياري براي «سيدعبدالقادر» به عنوان يك شخصیت آيينی و منتفذ قائل هستم.

6- خبر ديگري که لازم است به آگاهی برسانم اتحاد مجهز دو تشکل کردی و تأسیس يك خانه مشترك به رهبري «سيدعبدالقادر» و «امين عالي بگ بدرخان» است.

Fo 371/6346/2262, December 23th 1920.

نماینده سامی بریتانیا در استانبول «سرهورنس رمبولت» با ارسال یادداشت 29 دسامبر «ریان» به وزارت خارجه بریتانیا می‌گوید:

1- یادداشت «ریان» را ارسال نمودم. از دیدگاه من، تحریک کردها در مقطع کنونی به مصلحت نیست، اما در هر حال، راهنمایی‌هاي شما بسیار مؤثر خواهد افتاد.

2- اطلاعاتی که از کردهاي ساکن «جزیره ابن عمر» دریافت نموده‌ام بسیار بیش از مطالب مندرج در یادداشت «ریان» است.

3- تهديدات گوناگون، بستره‌ي مساعدی براي انفجار منطقه به وجود آورده است...

4- اسنادی وجود دارند که از تمایل بلشويکها براي هجوم به جنوب خبر می‌دهند... ملک حسین در حجاز و پسرش عبدا... (پادشاه سابق اردن) و حتی ملک فیصل نیز با بریتانیا صادق نیستند... آنها تنها در اندیشه بسط قدرت به بین‌النهرین هستند... مصطفی کمال نیز در حال نزدیک شدن به بلشويکهاست... بلشويکها با ملک فیصل و پسرانش نیز مکاتبه کرده‌اند...

مصطفی کمال در اندیشه احیای ترکیه و بازگرداندن تمامی مناطق اشغالی به آن کشور است. این طرحها نیز صد درصد مخالف مصالح بریتانیاست... عده‌ای از ساکنان سرشناس بغداد و از آن جمله «فواد بگ دقتری زاده» و «رئوف بگ چادرچی» وارد استانبول شده‌اند و در تدارک خدعه‌چینی و دسیسه هستند.

5- اگر قرار باشد کردها را وسیله خنثی نمودن این تحرکات قرار دهیم، باید نقش مهمتری برای مردان سرشناس کرد در استانبول قائل شویم.

هورنس رمبولت

نماینده سامی بریتانیا در استانبول

Fo 371/1701/ (5/1743/11), 29 December 1920

سمکو و موضع بریتانیا در برابر قیام او

سند شماره (371) (6347) (2262) مورخ 20 جولای 1921، نامه محرمانه افسر سیاسی بریتانیا در رانیه است: اشاره به نامه «سمکو» به «بابکرآقا پشدر» دیدگاه‌های من در مورد این نامه به شرح زیر است:

«سمکو» که در سالهای طول عمر خود، انقراض چند دولت و حکومت را به چشم دیده است با اشعار به این که حکومت فعلی، سرشت متمایزی دارد، جایگاه واقعی خود را نشناخته است. او تمایلی به از دست دادن قدرت فعلی ندارد، بنابراین بدنبال یک حامی خارجی است... در مورد مناطق شمالی نیز گسترش پیوندهای ما با «سمکو» مؤثرترین منافع را در برخواهد داشت... درست یا غلط، «سمکو» اکنون شهره خاص و عام بوده از او به بزرگی یاد می‌شود... به نظر من، می‌توان با یاری رساندن به «سمکو» بسیاری از مواضع پیش رو را پشت سر گذارد.

Fo371/ 6347/2262, 20 July 1921.

در همان سند به شماره (س/63/مورخ 1921/7/20)، نامه سمکو به «بابکرآقا» سلیمانیه درج شده که «ملاسلیمان» پیک آن بوده است متن نامه به شرح زیر است:

هیچ حکومت دیگری غیر از بریتانیا توانایی اداره منطقه را ندارد. بلشویکها پس از پیشروی‌های مقطعی، سرانجام متوقف و ناگزیر از مراجعت شدند. ایران را نیز نمی‌توان یک دولت مقتدر بحساب آورد. مصطفی کمال و سپاهیان او هم از بیست هزار تن تجاوز نمی‌کنند و تبلیغات او در یورش به منطقه با دو هدف صورت می‌گیرد: نخست تأثیر مخرب بر اتحاد عشایر و دوم جمع‌آوری پول و دریافت باج... نیروهای مسلح ترک که وارد «کانیره‌ش» شده‌اند، هدفی جز ارباب عشایر منطقه ندارند... من می‌دانم به «فریبکاری» متهم شده‌ام، اما هرگز کسی حاضر به استماع سخنان من در دفاع از خود نشده است: نه اقدامات فعلی و نه عملیات پیشین من در دشمنی با بریتانیا نبوده است، برعکس، من همواره تلاش کرده‌ام پیوندهای

خوبی با حکومت بریتانیا داشته باشم. بنابراین از شما «بابکر آقا» می‌خواهم در نزدیکی روابط بریتانیا با ما مساعدات لازم مبذول فرمایید... من آماده‌ام برای گفتگو با نماینده‌ی حکومت، به «اشنویه» عزیمت نمایم... مطمئن هستم نقاط مشترک فراوانی میان طرفین وجود خواهد داشت... در یادداشت دیگری به شماره (ج/61/ مورخ 1921/7/29) که از سوی افسر بریتانیا در سلیمانیه خطاب به نماینده سامی ارسال شده است می‌خوانیم:

با ارزیابی‌های جانشین افسر سیاسی در رانیه «کاپیتان کوك» موافق هستم ضمن آنکه توجه شما را به موارد زیر جلب می‌نمایم:

1- نقشه منطقه تحت نفوذ سمکو در منطقه کردنشین حدفاصل ایران و ترکیه بشرح زیر است:

خطی طولانی از «بیره‌که‌په‌ره» در امتداد زاب بزرگ و از آنجا بسوی مرز دیلمان (سلماس) تا «خوی». از خوی به طرف جنوب تا سواحل دریاچه ارومیه و از آنجا تا «سولدوز» و «بانه» به استثنای سنندج و مهاباد... بیگمان، حمایت‌های معنوی بریتانیا سبب خواهد شد نامبرده حوزه اقتدار خود را تا شهرک «دزا» [!!! مترجم] در غرب ایران بسط دهد...

2- سید طاها احتمالاً در پاسخ به تقاضای «سمکو»، با بریتانیا وارد مذاکره خواهد شد

3- ایجاد ارتباط با «سمکوی» قدرتمند، تهدید مرزهای ما را خنثی خواهد کرد.

4- در مورد ایران نیز باید بگویم این کشور بخاطر از دست دادن اراضی که عملاً نظارتی بر آنها نگران نخواهد شد...

5- در مورد «سمکو» نیز باید گفت شخصی نیرومند و قس‌القلب است بنابراین نباید به تمامی به او اطمینان کرد... او اگرچه ظاهراً ایرانی‌ها را شکست داده است اما خوب می‌داند تکیه کردن به عشایر بومی بعنوان تنها حامی، امری پسندیده نیست بنابراین تلاش می‌کند با حکومتی چون بریتانیا وارد گفتگو شود...

از نظر من، تقویت پشتیبانی معنوی نامبرده در دراز مدت، منجر به آن خواهد شد که مجبور شویم در برابر تمام شروط او تسلیم شویم...

موضع برخی روشنفکران کرد علیه قطعنامه کرد- ارمنی

در سند شماره (371) (5068) (2786) نماینده سامی بریتانیا در استانبول به وزارت خارجه بریتانیا 2 مارس 1920 آمده است:

اتخاذ موضع علیه این قطعنامه ابتدا از سوی مصطفی پاشا بابان زاده (یا ملکی) و نعیم بگ بابان زاده آغاز شد. مصطفی پاشا از روشنفکران کرد و یکی از کارمندان اسبق عثمانی بوده است. نعیم بگ نیز از مردان آیینی منطقه است.

Fo 371/ 5068/ 2787, 2 th March 1920

درباره‌ی «مصطفی پاشا» سند دیگری به شماره‌ی (371) (6346) (2262) و شماره محرمانه 476 دید می‌شود که نامه نماینده سامی بریتانیا در استانبول «سرهورمن رمبولت» به وزیر خارجه «ایرل کرزن» است که در تاریخ 11 می 1921 به رشته تحریر درآمده است:

1- بازگشت به نامه محرمانه شماره (358 مورخ 2 آوریل)، کاملاً روشن شده است که یونانیها در تدارك تحريك کردها و بسیج آنها علیه کمالي‌ها در مرزهاي شرقی هستند. در این میان، شماری از کردهاي میهن‌پرست که سخت در پی اتونومی هستند، یونانی‌ها را دوستان خوبی برای دشمنی با کمالیت‌ها می‌دانند. کمالیت‌ها نیز که بشدت با استقلال کردها مخالف هستند، دشمنی عمیقی با کردهاي استقلال طلب و یونان دارند.

2- من در مورد انعقاد پیمان رسمی سران کرد با یونانی‌ها تردید دارم
3- مصطفی پاشا از افسران عالی‌رتبه عثمانی بوده و اصالتاً اهل سلیمانیه است. پس از جنگ، در اثر حمایت از صدراعظم «فرید پاشا» علیه کمالیت‌ها شهره شد. آخرین منصب او در حکومت عثمانی، ریاست دادگاه ویژه عرفی بوده نامبرده در این پست بسیار عالی عمل نمود تا جایی که بخاطر اقتدار فراوان، «مصطفی پاشا نمرود» لقب گرفت.

پس از فروپاشی حکومت فرید پاشا در اکتبر 1920، مصطفی پاشا دستگیر شد اما با تلاش نماینده سامی تنها به هدف ماه زندان محکوم شد اما پیش از پایان دوره‌ی محکومیت مشمول عفو قرار گرفت و از زندان آزاد شد. نامبرده قرار است در صورت موافقت دایره سیاسی جنوب کردستان به سلیمانیه بازگردد. چون در عثمانی بعنوان عنصر نامطلوب شناخته شده است...

4- مصطفی پاشا مردی صادق، شجاع و بلندمرتبه، اما بسیار عصبانی است... او می‌تواند برای بریتانیا عنصری مفید تلقی گردد، اما مهری‌ای نیست که برای ایجاد پیوند همکاری میان کردها و یونانی‌ها روی او حساب کرد... نامبرده در تقاضای بازگشت خود به سلیمانیه، از بریتانیا خواسته است با سفر چند تن از افسران او نیز موافقت شود. من با پذیرش این پیشنهاد مخالفم چرا که موافقت با سفر او، تنها بدلیل امنیت جانی بوده است و لاغیر...

1- Fo 371/5068 (E 2786).

2- Fo 371/6346/2262 (E 5713/43/93) No.476, Secret

حزب استقلال کرد، یادداشتی تقدیم نمایندگان متفقین نمود

سند شماره (608) (95) (434) مورخ 16 دسامبر 1918، یادداشت حزب استقلال کرد است که در آن نارضایی ملت کرد از تجزیه این سرزمین عنوان شده است، متن نامه بشرح زیر است:

Lecairo, Le 7 Dec, 1918 Excellecae,

Depuisving- Cingnal' Europe Ecoute avec Confidence Le Recit

Eemouvann De Massacre...

ما کردها اکنون در برابر انتخابی بزرگ قرار گرفته‌ایم... ما دشمن کسانی هستیم که چشم طمع به کردستان دوخته‌اند.

امضا

حزب

«سه‌ریه‌خویی-استقلال» کرد

دبیرکل احمد ثریا بدرخان

10- Nous Protestons Energument Conter les Pretetions... sur Le
Kurdistan Comite Del Independent kurd (Signe)
Sureya Bedrkhan
Secret aire
Pro, fo 608/95/434(Political Me) (Sir Re wingate)(Cairo), 16 th
December, 1918

**میجرنوویل: درخواست حکم خودگردانی از سوی کردها هر لحظه
بیشتر می‌شود**

در سند شماره (371) (3385) (747/192142) مورخ 21 نوامبر 1918 آمده است:

میجرنوویل در تلگراف خود می‌گوید: تحرکات کردها برای گرفتن حکم خودگردانی تحت سرپرستی بریتانیا گسترش یافته است. عشایر کرد منطقه از بریتانیا برای تأسیس اتحاد کنفدرالی، طلب یاری کرده‌اند.
Fo 371/3385/192142-747, November, 21 th, 1918

**سران کرد درخواست خود را برای حضور یک نماینده در کنگره‌ی
صلح مطرح می‌کنند**

در سند شماره (371) (3385) (747/192142) مورخ 21 نوامبر 1918 آمده است:

میجرنوویل در تلگراف خود می‌گوید: تحرکات کردها برای گرفتن حکم خودگردانی تحت سرپرستی بریتانیا گسترش یافته است. عشایر کرد منطقه از بریتانیا برای تأسیس اتحاد کنفدرالی، طلب یاری کرده‌اند.
Fo 371/3385/192142-747, November, 21 th, 1918

**سران کرد درخواست خود را برای حضور یک نماینده در کنگره‌ی
صلح مطرح می‌کنند**

در سند شماره (371) (3386) (747/204298) مورخ 12 دسامبر 1918 می‌خوانیم:

«میجرنوییل» در تاریخ 8 دسامبر 1918 در تلگراف خود، تقاضای سران کرد را به پیوست، ضمیمه نموده است:

ما از حکومت بریتانیا درخواست می‌کنیم شرایطی فراهم آورد تا در کنگره صلح پاریس، یک کرسی به نماینده کردها اعطا شود و این نماینده بعنوان سخنگوی ملت کرد، پیشنهادات خود را تقدیم نماید

میجرنوییل در تلگراف خود می‌گوید:

عده‌ای بازرگان کرد مایل به سرپرستی بریتانیا در کردستان هستند و سران عشایر را بدلیل عدم توانایی شناخت، نادان و فاقد شعور می‌خوانند...

در ذیل این نامه، به یادداشتی بر می‌خوریم که دست‌خط «آرنولد توینبی» است:

اگر با حضور یک نماینده کرد در کنگره صلح پاریس موافقت کنیم، باید خود را برای مقابله با نتایج حاصل از آن آماده نماییم.

1- در حالی که هیچ پروژه‌ای برای تأسیس یک قواری کردی وجود ندارد، حضور یک نماینده کرد در کنگره به اعتراض سایر اقلیتهای منطقه و بویژه ارمنی‌ها منجر خواهد شد.

2- در صورت موافقت، نماینده‌ی مزبور باید از کردهای کردستان باشد نه یکی از پاشاهای استانبول که تنها اصالت کردی دارد.

3- نماینده‌ی کردستان نباید در مورد مسئله‌ی ارمنستان حقوق رأی داشته باشد. همچنین هنگام گفتگو بر سر مسئله‌ی ارمنستان، باید نظر مردم کرد را نیز جویا باشد.

Fo371/3386(204298/717) (December, 12 th , 1918).

نمایندگان تشکلهای سیاسی کرد از بریتانیا می‌خواهند اهمیت بیشتری برای مسئله‌ی کردستان و کرد قائل شود

در سند شماره (371) (5086) (44/11/2607) مارس 1920، نامه‌ی نمایندگان تشکلهای سیاسی کردستان به وزیر خارجه‌ی بریتانیا ثبت شده است:

به: پارلمان بریتانیا «مجلس عوام»
از: قسطنطنیه، 26 مارس 1920

مقام فخیم نخست‌وزیر بریتانیا «لوید جرج»
ما امضاء کنندگان زیر به عنوان نمایندگان تشکلهای سیاسی کردی و به نمایندگی از ملت کرد، نسبت به اعلامیه‌ی 25 فوریه دولت علیه بریتانیا در مورد رهایی و آزادی ملت کرد، اظهار و قدردانی می‌نماییم.

ما مجدداً تکرار می‌کنیم ملت کرد شایان توجه متفقین و حکومت بریتانیاست و از آن دولت محترم برای بالندگی کردستان یاری می‌طلبیم.

امضاء

- جانشین رئیس جمعیت مرکزی کرد امین عالی
- دبیر کل حزب دموکرات کرد ممدوح سلیم بکر
- رئیس تشکل دانشجویان «هیوی کرد» صبری
- رئیس جمعیت «گسترش فرهنگ ملی» باقی

- نماینده‌ی روزنامه‌نگاران کرد
کمال فوزی
Fo371/5068(E 2607/11/44) (March.1920).

حمدي بگ بابان و قدرداني از مقامات بریتانیا

در سند شماره (371) (608) (32978) مورخ 15 آوریل 1920 وزارت هند آمده است:

به پیوست، نسخه‌ای از نامه «حمدي بگ بابان» که در تقدیر از مقامات بریتانیا در کردستان به رشته‌تحریر درآمده است تقدیم می‌گردد. همچنین یادداشت افسر سیاسی سلیمانیه در مورد «حمدي بگ» نیز تقدیم است.

ان. بی. فولر

25 ژانویه 1920

سرورم

سپاس‌های بی‌شائبه من را بپذیرید، چون مدیون الطاف کارمندان بریتانیا در منطقه بخاطر صدور مجوز سفر به کردستان و فراهم آوردن شرایط سهل‌تر از سوی ایشان هستم. همچنین از دولت بریتانیا بدلیل دریافتن کردها در شرایط بسیار سخت بسیار سپاسگزارم. بی‌شک قامت راست کردن مجدد ملت من و رهایی از حکومت بدنام عثمانی، مرهون مساعدات دولت بریتانیاست. بیگمان، اتحاد اداری کردستان و بین‌النهرین شاه کلید تعالی منطقه خواهد بود. امیدوارم ملت کرد در پناه ثروت و سامان ملی به ایام سعادت و خوشبختی دست یابد.

یادداشت میجرسون درباره حمدي بگ

آنچه می‌آید خلاصه یادداشت بلند میجرسون درباره حمدي بگ است: من از آمدن حمدي بگ به سلیمانیه بسیار مشعوف شدم... سخنان او در برگزیده پیشنهادات بسیار جالبی بود... اکثر ساکنان منطقه از او بعنوان «حاکم کل منطقه کردستان» یاد می‌کنند... برخی دیدگاه‌های او را که بنظر من بسیار موشکافانه است، تقدیم می‌کنم:

از نظرگاه حمدي بگ، بازگشت آرامش قطعی به منطقه و تثبیت آن، مستلزم اعمال قدرت يك نیروی خارجی- لاقول بمدت دو سال- است... پیشنهاد دیگر او تأسیس جاده‌های بسیار برای سهولت آمد و شد است. من با دیدگاه‌های او موافقم چون خواه ناخواه در آینده‌ای نه‌چندان دور ناگزیر از تأسیس يك اداره سیاسی در جنوب کردستان خواهیم بود نباید فراموش کرد که بلشویک‌ها و کمالیت‌ها تهدیدی بالقوه محسوب می‌شوند... سخنان حمدي بگ، تأییدی مجدد بر برخی دیدگاه‌های من بود و آن این که طبقات گوناگون کرد دشمنی چندانی با بریتانیا ندارند و تمام هراس آنها از آینده‌ای نامشخص است... در این میان، وجود برخی افکار سنتی که عمدتاً از موصل القاء می‌شوند را نیز نباید نادیده گرفت... «حمدي بگ» امیدوار است با

کسب حمایت اقشار مختلف مردم کردستان و پشتیبانی بریتانیا موقعیتی مناسب برای منطقه خلق کند.

البته از برخی سخنان «حمدي بگ» بوي نااميدي بمشامم خورد... نامبرده از روحانیون مذهبي روستاها هراس فراوان دارد... «حمدي بگ» شخصیتی فوق‌العاده مذهبي است و من گمان نمی‌کردم احساسات دینی در کردستان تا بدین پایه، قوی باشد... امیدوارم ترتیبی اتخاذ فرمایید تا امکان ملاقات حمدي بگ با مسئولان بلند پایه فراهم آید چرا که پیشنهادات او در مورد سیاست کرد در جنوب کردستان، کارشناسانه و دقیق است...
Fo 371/5068 (E 3297/11/44) (India office) (Views of Hamdi Baban).

صدراعظم از اهمیت شمال کردستان در خاموش کردن آتش کمالیسم خبر می‌دهد

در سند محرمانه (371) (5068) (A) (14/11/3398)، تلگراف «آدمیرال دي‌روبيك» از استانبول ثبت شده است:
بازگشت به تلگراف شماره 302 و 372... یکی از پیشنهادات صدراعظم فرید پاشا برای سرکوب نهضت کمالیسم، یورش نیروهای مسلح کرد به مناطق «دیاریکر»، «خریوت» و «موش» است. صدراعظم مایل است برای جلب نظر «عبدالقادر شم‌دینانی»، غالب بگ را بعنوان والی «خریوت» برگزیند، اگرچه این طرح‌ها تا اعلامیه نهایی کنگره صلح عملی نخواهد بود...
«فرید پاشا» از من سؤال کرد آیا این پیشنهاد مخالف مصالح بریتانیا نیست؟

«عبدالقادر» برای اجرای این عملیات آماده است، اما در کنار آن حاضر به معامله در مورد آرزوها و آمال ملی کرد نیست؟ هدف نهایی او رهایی از حکم عثمانی، تأسیس حکومت کردستان و پذیرش حمایت بریتانیا است... من میان دیدگاه‌های فرید پاشا در مورد سرکوب کمالیتها و نظر قاطع عبدالقادر که در بالا بدان اشاره رفت مردد مانده‌ام.
نظر اولیه من آن است که نهضتی از کردهای آناتولی با اقتدار منطقه‌ای محدود (بدون تسری آن به سایر مناطق کردنشین) پدید آید اگرچه تأسیس این نهضت بدلیل اختلاف دیدگاه کردها در مورد کمالیسم با مشکلات بسیار روبرو خواهد بود از یکسو و از سوی دیگر ایجاد هماهنگی میان «عبدالقادر» و «فرید پاشا» امری مشکل است... با این وجود، رای نهایی کنگره صلح پاریس، ضمانت اجرای لازم را برای حل مسأله کردها فراهم خواهد آورد.
آدمیرال دي‌روبيك

Fo 371/5068 (E 3398/11/44)

Tel. From Admiral De Robeck, Constantinople, 16 th April 1920.
(Sugesbed). Use of Kurdistan Tribes, Urgent, No. 400

حزب «سه‌ریه‌خویی کورد» و درخواست استقلال کردستان

حزب «سه‌ریه‌خویی کورد» در یادداشتی خطاب به متفقین، درخواست خود را برای تأسیس یک کردستان مستقل شامل کردستان ایران که فارغ از هرگونه وابستگی به حکومت عثمانی باشد، طرح نموده است.

Fo 371/5068 (E 2127) (14 th March 1920) from Surera Badrkhan,
Cairo

عشایر کرد و تقاضای توجه بیشتر به کردستان

در سند شماره (608) (95) (12360) مورخ 27 آوریل 1919 آمده است: سران عشایر کرد طی درخواستی، خواهان توجه بیشتر به کردستان و ارتقاء وضعیت اجتماعی- فرهنگی منطقه شده‌اند.

Fo 608/95/12306/165, 27 th April 1919, Sublime Porte, tres
Confidential

صدراعظم و پیشنهاد استفاده از کردها برای دفع هجوم کمالیسم

در یکی از نامه‌های وزارت خارجه حکومت استانبول خطاب به نماینده سامی بریتانیا موضوع استفاده از کردها برای مقابله با یورش کمالی‌ها طرح می‌شود. «مستریان» در توضیح این نام می‌گوید:

دیروز صدراعظم عثمانی اطلاع داد عشیرت «میللی» با تمام قوا در برابر نیروهای کمالی که به سوی «ویران شهر» در حال پیشروی هستند، مقاومت می‌کنند. این شهر، مرکز عشیرت «میللی» است... فرماندهان تیپ 13 این درگیری‌ها را تأیید کرده‌اند، صدراعظم گفت اعزام «ژنرال اسماعیل فضلی پاشا» و «سید عبدالقادر شم‌دینانی» به کردستان، موازنه را به سود ما تغییر خواهد داد...

ملاقات ژنرال شریف پاشا و فانسیتارت

در سند شماره (608) (95) (17280) مورخ ششم آگوست 1919 به نامه «شریف پاشا» خطاب به «مستر فانیستارات» در مورد سفر «فخری عبیدی بگ» به استانبول و قریب الوقوع بودن زمان بازگشت وی نزد هیأت کردی کنگره پاریس، اشاره شده است.

Fo 608/95/17280/17280 Cherif Pash to Vansitart , August, 6 th 1919
در بهار سال 1919 شریف پاشا در هتل «کارلتون» لندن با مسئولان بریتانیایی ملاقات و گفتگو کرد. سند شماره (5068) (2628-A) (44) متن گفتگوهای «فانسیتارت» و «شریف» است: «فانیستارت» می‌گوید پس از آنکه مذاکرات صبح امروز من با «سوکولر» به پایان رسید، شریف پاشا به ملاقاتم آمد. اکنون مطمئن هستم او مدافع ترک‌هاست. وقتی از او پرسیدم: «تو واقعاً نماینده چه کسی هستی؟» بسیار خشمگین شد. او از من خواست نامه‌ای را که نوشته است به «خانه کردهای استانبول» ارسال کنم.

بد نیست با فرستان این نامه، سرانجام دریابیم «شریف پاشا» نماینده کدام گروه است؟...

Fo 371/5068 (E 2628/11/44) (Vansitart), 3 th April 1920

نماینده سامی بریتانیا وزارت خارجه کشور متبوع خود را در جریان اختلاف اعضای خانه کردهای استانبول قرار می‌دهد
تلگراف «آدمیرال روبیک» نماینده‌ی سامی بریتانیا در استانبول بتاريخ 16 آوریل 1920، در سند شماره (371) (5068) (A-3401) ثبت شده است:
فوری

بازگشت به تلگراف (3398)، اختلاف و دو دستگی میان اعضای خانه کردها در استانبول هر لحظه عمیق‌تر می‌شود.
«بدرخانی‌ها» عبدالقادر را به انحراف از آرمانهای ملی کرد متهم می‌کنند در حالی که عبدالقادر خواهان اتحاد کردها و خودمختاری آنها در ترکیه است. عبدالقادر، اهمیت چندانی به کردستان مستقل نمی‌دهد و حاضر به دل‌کندن از خلافت نیست.

عبدالقادر می‌گوید: در صورت همکاری بریتانیا بمحض آنکه شرایط را مناسب بینم بدون هیچگونه تردیدی، تأسیس قواره مستقل کردی را اعلام خواهم کرد، اما در حال حاضر، این شرایط مناسب نیست.

نماینده سامی در تلگراف خود می‌گوید: عبدالقادر، انسانی دلسوز و موقعیت‌آینی‌وی، اعتبار بسیاری به او بخشیده است. هواداران او بیشتر مدافعان عثمانی هستند...

با این احوال، هماهنگی نمایندگان کرد در استانبول، بسیار سخت خواهد بود.

Fo 371/5068 (E 3401/11/44) Tel. From Admiral De Robeck, 16 th April 1920

کردها قربانی ناهماهنگی و عدم اتحاد هستند

در سند شماره (608) (95) (x.5828.8) مورخ 4 آوریل 1919 فرمانداری کل مصر به نماینده سامی در استانبول می‌خوانیم:
با رفع تهدید ترکها اختلاف میان کردها در «جزیره ابن‌عمر» تشدید شده است. وادار نمودن حکومت عثمانی به انجام یک عملیات تأدیبی در منطقه «گویان» توسط تیپ 13، بازگشت آسایش و امنیت را به منطقه تضمین خواهد کرد. برای آنکه مانع از خدعه چینی حکومت عثمانی شویم، حضور یک متشار بریتانیایی در کنار نیروهای عثمانی ضرورت خواهد داشت.

Fo 608/95 (x.5828.8), April 4 th 1919, to high Commissioner, Constantinople

سند شماره (608) (95) (767) مورخ 13 آوریل 1919، پاسخ نماینده سامی بریتانیا در استانبول است:

بازگشت به تلگراف شماره 5828 استعداد نیروهای عثمانی برای این عملیات نظامی بشرح زیر است:

از میان 18 فوج سرباز مستقر در «ملاطیه»، «دیاربکر» و «سیعرت»، تنها 8 فوج توانایی اقدام نظامی دارند. مجموع مسلسلهای آنها 12 قبضه است. بخشی از این نیروها نیز باید به جبهه «شرناخ»، «گویان» و «الجزیره» اعزام شوند و بخشی نیز برای قطع خطوط ارتباطی میان شمال و جنوب، باید به «موصل» و «نصیبین» اعزام شوند. حکومت عثمانی با حضور مستشار بریتانیایی در کنار نیروها موافق است. مستدعی است جهت اتخاذ تدابیر نهایی با فرماندهی دیاربکر تماس حاصل نمایید.

من شخصاً به نتایج این عملیات امیدوار نسیم. بی نتیجه ماندن این اقدام، عواقب وخیمی بدنبال خواهد داشت.

Fo 608/95/Turker, Decypher, No 767, AD MI. Calthorpe, Constantino ple, April, 13th 1919

حکومت عثمانی و اتخاذ موضع دوگانه در برابر کردها

سند شماره (608) (95) (7049) (682) مورخ 3 آوریل 1919، تلگراف نماینده سامی «آدمیرال ویپ» به نماینده سامی «بین‌النهرین» است:

بازگشت به تلگراف شماره (25754) (3650) مورخ 31 مارس پسر «عبدالقادر شم‌دینانی» برای بازگرداندن آرامش به «نصیبین» و «گویان» اعزام می‌شود. «عبدالقادر» نفوذ معنوی بسیاری بر عشایر کرد منطقه دارد. مستدعی است مساعدات لازم برای سفر نامبرده ایجاد شود.

Fo 608/95/7049 No. 682, 3th April 1919

سند شماره (608) (95) (6869) تلگراف مجدد خطاب به فرمانده ایتالیا در مصر به تاریخ 10 آوریل 1919 است:

بازگشت به تلگراف شماره 3439 مورخ 26 مارس، اطلاعات تکمیلی تقدیم است:

اشخاص برجسته که تحت نظارت استانبول برای خودمختاری کردها فعالیت می‌کنند، افراد زیر هستند:

1- شیخ عبدالقادر 2- دکتر عبدالله جودت 3- سلیمان نظیف 4- بدرخانی

شایع است این افراد مجاز به ایجاد ارتباط تلفنی با «ماردین» و «دیاربکر» هستند در دیدار بکر هیئتی از اشراف کرد برای گسترش دامنه‌ی نهضت تشکیل شده است. چنین هیئتی در «ماردین» نیز در حال شکل‌گیری است. در مصر هم، ثریا بدرخان در تدارک فعال نمودن کردهاست.

Fo 608/95/6869 (X. 5741). (Tod. M.I). Secret, 10 April 1919

در سند شماره (608) (95) (6869) (X 57860) مورخ 19 آوریل 1919 نیز می‌خوانیم تعریف پیشنهاد شده است افسران سیاسی «دیادمی» و چوترک» در نیمه می به ولایت وان اعزام شوند. مأموریت ایشان، حمایت از

آسوريهاي شمال موصل هنگام مراجعت آنها به موطنشان و اشغال جزيره «ابن عمر و نصيبين» با پشتيباني نيروهاي بریتانیایی مستقر در مصر است.
Fo 608/95/6869 (x. 5786 2 nd) 19 April, Repeated to G.H.Q., Egrpt

صدراعظم به پيشواز شريف پاشا مي رود

سند شماره (608) (95) (196) (13955) مورخ 23 ژوئن 1919، حاوي متن نامه شريف پاشا به صدراعظم و قدرداني وي از پذيرايي گرم اعظم فریدپاشا اقدامات شريف پاشا عليه «اتحاد و ترقی»، علل فروپاشي دولت عثمانی و راههاي وصول به آرمان ملي کرد از دیدگاه نامبرده است.

Fo 608/95/Tur Ker. ME (196) (13955), from Cherif Pasha to Damad farid Pasha, Juan, 23, 1919

نامه ي يك داماد به پدرزن

سند شماره (608) (95) (105597) فرماندهي نيروي مصر به تاريخ 3 ژوئن 1919، نامه «صالح بگ» به «ژنرال شريف پاشا» از بندر اسکندريه است که به زبان فرانسوي نگاشته شده است. صالح بگ داماد شريف پاشا و از فعالان سياسي کرد بود:

فرماندهي کل در مصر

3 ژوئن 1919

ترجمه ي نامه «صالح بگ» به «شريف پاشا» به پيوست تقديم مي گردد. «صالح بگ حسني» که در سپاه عثمانی دارای درجه ي «ليفانت» بوده است فرزند «حسني پاشا» و داماد و مدير برنامه هاي «شريف پاشا» است. همسر او «آمنه خانم» و در مصر ملقب به «اميره» است.

گفته ميشود «صالح بگ» در آغاز جنگ يکي از اعضاي «اتحاد و ترقی» را ترور کرده است به همين خاطر، غياباً به اعدام محکوم شده است. جي. يو. کورتني ميچر

متن نامه «صالح بگ» بشرح زير است.

پدر بزرگوام

چهاردهم همين ماه جهت بررسي مسئله «شکور» به قاهره رفتم. در قاهره با مقاماتي چند از کشورهاي مختلف به گفتگو نشستم. يکي از آنها وزير مختار ايران بود که در مورد ادعاهاي ارزي ايران و شکوايهاي که غريباً براي کنگره ي صلح پاریس ارسال خواهد شد مطالبی اظهار نمود... من نسخه اي از طرح مکتوب ايران را که تايپ شده بود از او گرفتم. همچنين در مورد عشيرت جاف نیز سخنانی رد و بدل شد. «عارف بگ» نیز مراجعت نموده است. در صورت تأييد، نامبرده را در فهرست اسامي اعضاي کرد حاضر در کنگره پاریس قرار دهيد.

Fo 608/95/ (No. 15597) (letter from Saleh Beg Husne, June 3, 1919.)

عشیرت «باجه لان»

سند شماره (371) (3406)(139152) (68571) مورخ 8 ژوئن 1918 نامه‌ی «میجرسون» راجع به عشیرت «باجه‌لان» است که در خانقین نگاشته شده است:
باجه‌لان:

عشیرت: جومور و قازانلو
شاخه‌های جومور: سایکاوند، حاجی لار، عرب‌وند، شیره‌وند، چوارکالو، مامه‌وند، داودوند، جلیل آقا
شاخه‌های قازانلو: حاجی خلیل، ولی آقا، عبدالرحمان آقا
سران جومور: مجید آقا، پرهیز، مبارک، جهانبخش، قادر آقا، محمد امین آقا
سران قازانلو: ولی آقا، عبدالرحمان آقا، غیدان آقا، حاجی خلیل آقا
استعداد عشیرت: 1300 خانوار... مجید آقا 80 سوار، محمد امین آقا و ولی آقا هرکدام 400 سوار... در حال حاضر پراکنده و فاقد سلاح هستند.
محل سکونت این عشیرت:

1- جومور: در دشت باجلان که مرز شمالی آن، رودخانه عباسان است در جنوب: جاده کرمانشاه
در شرق: داری دیوان و پیشیکان
در غرب: رود سیروان و آقا داغ
2- قازانلو: بخشی از آنها در دشت «کور دره» ساکنند.
شمال و غرب: رود سیروان
جنوب: بابا بیلاوی و قله مروارید
شرق: آغ داغ

تعدادی از آنها نیز در «بیوخ» زندگی می‌کنند که منطقه‌ای میان «موصل» و «زاب کوچک» است رهبر آنها «علی آقا قازانلو» است. بخشی از آنها نیز در روستای «باجه‌لان» حومه کرکوک زندگی می‌کنند و رئیس آنها «عبدالرحمان آقا» است.

رهبر فعلی آنها (1918) مصطفی پاشا باجلانی است. نامبرده رهبری موصل و دارای تشکیلات اداری نیرومندی است. او در کنار نیروهای بریتانیا با ترک‌های عثمانی جنگید و متحمل صدمات بسیاری شد. رهبری است بسیار شجاع، پاکدل، با ایمان و یک رنگ که دوران طولانی عمر خود را به مبارزه گذرانده و سال‌های بسیاری را در تبعید و زندان به سر آورده است. در میان تمام عشایر کرد و عرب به جوان مردی شهره است برای عملی ساختن روزه اتونومی کردستان، می‌توان به وی متکی بود. همسر او از خاندان بابا، یکی از خانواده‌های اریستوکرات کرد و از کهن‌ترین خاندان کرمانج جنوب کردستان است. نام او «اسماء خانم» است.

تاریخ این خاندان:

نیای بزرگ «باجه‌لانی»ها از کردهای «دیاریکر» است که در حدود سال 1630 میلادی به سوی «زهاب» مهاجرت نموده و با غلبه بر «فهلوی» زبانان منطقه، این مکان را بعنوان محل سکونت اختیار کرده است... سلطان مراد چهارم در ازاء دو هزار سوار و سالیانه 200000 قوشیش، اداره‌ی امور منطقه

را به او سپرد. اگرچه نیای بزرگ «باجه‌لانی»ها «عبدالله بگ» باجلان بود، اما لقب «پاشا» نخستین‌بار به «احمد پاشا باجلان» اعطاء شد. نامبرده در «باشاق» و «باشالیق» و «زهاب» با نادر شاه جنگید. در دوران عثمان پاشا که پدر مصطفی پاشا بود، «باجه‌لانی»ها موظف به مقابله با «محمد علی میرزا» شدند اما به سبب قلت تجهیزات «زهاب» را ترك کردند و پس از آنکه هیات «آرزوم» که عثمان پاشا یکی از اعضای آن بود، زعامت عثمانی را پذیرفت، این عشیرت در «خانقین» ساکن شدند و اکنون نیز در این شهر حیات بسر می‌بردند... شاخه دیگری از این عشیرت که به شرق آمدند، در همدان ساکن شدند. جماعتی که در نزدیک مرز سکونت پیدا کردند «درکزینلو» و ساکنان «قازانی»، «قازانلو» نام گرفتند... اعضای این عشیرت، همگی سنی و شافعی مذهب هستند.

Fo 371/3406/13952/68571, Notes on Tribes Major E. Soane, June 8 th. 1918

شریف پاشا و گفتگو با سران دولت عثمانی

سند شماره (371) (5069) (6067 A) (671) مورخ 8 ژوئن 1920 وزارت خارجه بریتانیا، متن گفتگوهای شریف پاشا با صدراعظم و وزیرخارجه «توفیق پاشا» برای رسیدن به یک موضوع مشترک و ارائه آن به کنگره صلح پاریس در مورد آینده کردستان و تعیین خطوط مرزی منطقه خودمختار از دریاچه «وان» در امتداد رودخانه‌های «کارمان»، «قره‌سو» تا «فرات» است.

Fo 371/CE 6067 (Turkey), Admiral De robeok, No 671, 8 th June 1920

سند شماره (371) (5069) (6437A) مورخ 10 ژوئن 1920 نیز تلگراف نماینده سامی بریتانیا در استانبول به وزارت هند در مورد گفتگوهای شریف پاشا و توفیق پاشا راجع به کردستان است: پیشنهادهای شریف پاشا در بسیاری از موارد، مشابه دیدگاه‌های حکومت عثمانی است.

Fo 371/ 5069 (E 6437) (India office), No. P4503, Negotiation between tewfik pash and Cherif pasha. 10 th June 1920

سند شماره (371) (5069) (5569A) مورخ 29 می 1920، تلگراف جانشین حاکم بریتانیا در هند و پیشنهاد اور در مورد عضویت «میجر نوییل» در هیات کردستان است.

Fo 371/5069 (E 5569) (Viceroy of India) (4123), 29 th Moy 1920.

سند شماره (371) (5069) (44/11/6322A) (4210 B) مورخ 10 ژوئن 1920 وزارت هند با اشاره به تلگراف وزارت خارجه در 27 می 1920 از این وزارتخانه می‌خواهد با تمدید دوره مأموریت «میجرنوییل»، مستمری نامبرده را به

وزارت هند ارسال نمایند. در این سند از وزیر خارجه خواسته شده است تاریخ دقیق شروع کار هیأت را اعلام تا آن وزارتخانه خود را برای انعقاد پیمان صلح آتی با ترکیه آماده نماید.

Fo 371/5069 (E 6322/11/44) (India office), No. P 4210,
Appointments on one Kurdish Commissions, June 10 th 1920.

اختلاف تشکلهای کرد

در سند شماره (371) (5069) (44/11/6148A) نماینده سامی در استانبول به تاریخ 20 می 1920 می خوانیم:

در انتخابات «خانه کردها»، «سید عبدالقادر شمدینانی» پیروز شده است. بهمین خاطر، بدرخانیها و روشنفکران کرد در تدارک تأسیس یک تشکل کردی جدید هستند.

Fo 371/5069 (E 6148/11/44) (Admiral De Robeck), No 726 May 20 th
1920.

در سند شماره (371) (5069) (44/11/6088A) مورخ 23 می 1920، تلگراف خانواده بدرخانی به نخست وزیر بریتانیا و درخواست آنها برای بازگرداندن امارت بوتان است که حکومت عثمانی با توسل به زور در زمان «امیر بدرخان» اشغال نموده است. امضا کنندگان درخواست، دکتر خالد بدرخان، خلیل بدرخان و احمد ثریا بدرخان هستند.

Fo 371/5069 (E 6088/11/44), from Bedir khan family To Prime
Minister, Signed J.A.C Tilley. 23 th May 192

در سند شماره (371) (5039) (7235 A) مورخ 22 ژوئن 1922، تلگراف نماینده سامی بریتانیا در استانبول به وزارت خارجه آمده است که در آن دو تن از اعضای خانواده بدرخانی به نمایندگی از خاندان خود، ضمن اظهار نارضایتی از واگذاری قیمومت جزیره ابن عمر به فرانسه (سوریه) پیشنهاد می کنند این منطقه به کردستان خودمختار یا شمال موصل منضم شود تا بتوان از مفاد بند 64 پیمان «سور» به سود این منطقه استفاده کرد... وزارت خارجه بریتانیا نیز انجام این کار در حوزه مسئولیت هیأت کردستان می داند.

Fo 371/5069 (E 7235) Tel. From Admiral De Robeck, Future
Boundaries of Kurdistan, June 23 th 1920.

جامعه کرد از رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا بخاطر پذیرش حکمیت کردها و ارمنیها قدردانی می کند

در سند شماره (371) (5069) (44/11/7906 A) مورخ 28 ژوئن 1920 که نامه نماینده سامی در استانبول به وزارت خارجه آن کشور است می خوانیم: مفتخرم جهت اطلاع، چند نسخه از این سند را در اختیار جنابعالی قرار دهم

1- از سوی «کومه‌له‌ی کومه‌لایه‌تی کورد- جمعیت اجتماعی کرد»، در تاریخ 17 ژوئن 1920، تلگرافی برای «وودرو ویلسون» رئیس جمهور ایالات متحده ارسال شده است. در این تلگراف از ریاست جمهوری آمریکا بخاطر پذیرش حکمیت کردها و ارمنی‌ها در ترکیه قدردانی شده است.

2- در نامه‌ی مورخ 17 ژوئن خطاب به کنگره‌ی صلح، از نهاد مزبور خواسته شده است دیدگاه‌های این تشکل در مورد حریم «جزیره‌ی ابن‌عمر» مورد امعان نظر قرار گیرد.

3- در این نامه، همچنین به رفع اختلاف تدریجی دوشاخه «خانه کردها» در استانبول و اشتراك دیدگاه در مورد آینده‌ی کردستان اشاره شده است در این سند، نامه «کومه‌لایه‌تی کورد» خطاب به «وودرو ویلسون» ثبت شده است. رهبر این جمعیت امین عالی بدرخان و دبیر کل آن، «ممدوح سلیم» است:

رئیس جمهور محترم
ملت کرد از اعلام آمادگی جنابعالی برای پذیرش حکمیت در مورد تعیین خطوط مرزی کرد- ارمنی، بسیار مسرور است. ملت ما این چهارده ماده را با تمام وجود پذیرفته است. ما امیدواریم حکمیت شما به رهایی ملت کرد از یوغ بیگانگان بینجامد. اکنون سرنوشت این ملت در دستان شماست. امید است وجدان شما راهبر این تصمیم خطیر تاریخی باشد.
امین عالی بدرخان

ممدوح سلیم
سند شماره (371) (5069) (969/م/3179) مورخ 6 جولای 1920، تلگراف نماینده سامی در استانبول خطاب به وزیر خارجه بریتانیا «ایرال کرزن» است:

سرورم
بازگشت به تلگراف شماره 930 مورخ 28 ژوئن، مفتخرم گزیده یادداشت «جمعیت کرد و کردستان» (به زبان فرانسوی) را به پیوست تقدیم نمایم. جمعیت کرد و کردستان نام جدید «خانه کردها» می‌باشد. این یادداشت با امضای سیدعبدالقادر ارسال شده است.

دی روبیک

- 1- Fo 371/5069 (E 706/11/44) from Admiral de robeck, No. 930, Future of Kurdistan, June 28 th 1920
- 2-Fo 371/5069 (969/M/3179), High Commissione, Constantinople, 6 th July 1920

بدرخانی‌ها و مسأله کرد پس از جنگ جهانی اول

سند شماره (371) (5069) (7827A) مورخ 6 جولای 1920 وزارت هند، نامه «سلیمان آفاشرناخی» و درخواست او برای انتخاب یکی از اعضای خاندان بدرخانیان به حاکمیت «شرناخ» (منطقه‌ای در شمال شرقی جزیره ابن‌عمر) است.

سند شماره (371) (4116) (9928) (12142) مورخ 31 می 1906 نامه «سراوکونوز» از استانبول خطاب به وزیر خارجه بریتانیا «مستر ادوارد گری» است در این نامه می‌خوانیم:

مفتخرم به اطلاع برسانم رئیس پلیس، عصر روز 22 می 1906 در شهر استانبول کشته شد. شایعات حکایت از آن دارند که این اقدام با هدایت دو تن از بزرگان خاندان بدرخانی یعنی «عبدالرزاق بگ» و «علی شامل پاشا» انجام شده است. مرگ رئیس پلیس خشم کاخ «یولدز» را برانگیخته است.

هیأتی برای بررسی جزئیات این ترور تشکیل شده است. روز 28 می، مشارالیه‌ها به همراه 13 تن دیگر بازداشت و تبعید شدند. عبدالرزاق به «مکه»، عای شامل به «نغازی» و دیگران به «ارخبیل» تبعید گشته‌اند. «عبدالرزاق» و «علی شامل» از پسران مرحوم «بدرخان بگ» هستند. این یکی نیز در سال 1850 به شبه‌جزیره کرت تبعید شده بود. بعدها بدرخان و نود و یک تن از اعضای این خاندان به استانبول مراجعه و قدرت بسیاری بدست آوردند. سلطان، مایل است با جلب حمایت بدرخانی‌ها، سلطه خود را بر عشایر کرد ساکن آسیای صغیر تثبیت نماید...

«بدرخانیان» سرانجام حزب کردی قدرتمندی در پایتخت تأسیس نمودند و به کاخ عثمانی راه یافتند. عبدالرزاق به قائم مقامی رئیس تشریفات سفیران برگزیده شد، علی شامل، فرماندار منطقه «سکوتاری» شد، «بدری بگ» به عضویت کابینه عثمانی درآمد و چهارتن دیگر مناصب عالی پلیس پایتخت را اشغال کردند. تعدادی از آنها نیز بعنوان فرمانداران ایالات کوچک، برگزیده شدند. آنها حتی تا احراز پست گارد ویژه سلطان و کاخ «یولدز» نیز پیش رفتند.

ان. آر. اوکونور

یک نسخه از روزنامه «اقدام» نیز به پیوست تقدیم می‌گردد.

1- Fo 371/5069 (E 7827) (Suleiman Agha Sharnakh, India office, No. P 5218, July 6 th 1920.

2- Fo 371 (61/4) (9928) (12142) (South Feasterm Europe), (Confidential), Sir N.O Conor to Sir Edward Grey, No 212, Constantinople, 31, 1906

**«کومه‌له‌ی کومه‌لایه‌تی کورد» یادداشت دیگری درباره‌ی حریم
«جزیره ابن‌عمر» منتشر می‌کند**

سند شماره (371) (5069) (E 10718) نماینده سامی در استانبول به شماره 1172 است که در 19 آگوست 1920 بعنوان وزیر خارجه بریتانیا «ایرل کرزن» ارسال شده است:

بازگشت به نامه 28 ژوئن در مورد درخواست «کومه‌لایه‌تی کورد» راجع به نارضایی کردها از قیمومت فرانسه بر حریم «جزیره ابن‌عمر». مفتخرم یک نسخه از یادداشتی را پیشکش کنم که در 14 آگوست برای دومین بار منتشر شده است. در این نامه، از حکومت بریتانیا بخاطر تلاش برای اعطای خودمختاری به کردها قدردانی شده است. در یادداشت حاضر، یکبار دیگر درخواست «جمعیت» برای الحاق جزیره ابن‌عمر به جایگاه واقعی خود خروج آن از تحت‌الحمایگی فرانسه طرح شده است.

دی روبیک. نماینده سامی

Fo 371/5069 (E 1018/11/44), from Admiral De Robeck, No. 1172,
19 th August 1920.

وزارت خزانهداری بریتانیا مقداری پول برای هیأت کردستان تخصیص داد

سند شماره (371) (5069) (A 8775)، نامه وزارت خزانهداری انگلیس (س 1241) مورخ 23 جولای 1920 است که به قلم «مستر بارستاو» نگاشته شده و بودجه تخصیصی هیأت کردستان را جهت تصویب به «مجلس کردها» فرستاده است. مخارج هیأت کردستان از سوی «مستر جون تیللی» پیشنهاد شده است.

در همین سند آمده است:

قرار شد 100000 لیره به بودجه 1920-1921 اضافه شود. این مبلغ برای هیأت‌های تعیین خطوط مرزی و هیأت کردستان هزینه خواهد شد. بودجه تخصیصی هیأت کردستان، مصوبه سال قبل، در 31 مارس 1921 به پایان خواهد رسید.

کی.

او. مارشال

Fo 371/5069 (E 8775/11/44), from Treasury, 51241, Expences...
Commission on Kurdistan, 23 th July 1920.

موضوع عشیرت شرنخ علیه کمالی‌ها

سند شماره (371) (5069) (A 10033) وزارت هند مورخ 17 آگوست 1920 نامه افسر سیاسی به مسئولان بریتانیایی است:

یادداشتی را به‌مراه چندین نامه که از «سلیمان آقا» رئیس عشیرت «شرناخ» و «عبدالکریم» به دستم رسیده است، تقدیم می‌کنم. مهمترین مطالب مندرج در نامه مشارالیه‌ها بشرح زیر است:

1- سلیمان آقا از سوی «اتحاد کنفدرالی عشایر» بجای «عبدالرحمان آقا» منصوب شد.

2- «عاکف بگ» نیز به فرماندهی تیپ دو عثمانی منصوب شد. این مسئولیت، قبلاً در اختیار «علی بگ» بود. گویا این عشیرت مایل است یکی از بدرخانی‌ها قدرت را در منطقه بدست گیرد. افسر سیاسی ادامه می‌دهد:

من به زبانی کلی با «سلیمان» سخن خواهم گفت و در مورد حسن نیت بریتانیا به او اطمینان خواهم داد. پیش از این به «سلیمان» هم گفته‌ام که در مورد درخواست ایشان برای انتصاب یکی از بدرخانی‌ها، مراتب را به اطلاع مسئولان بلند پایه بریتانیا خواهم رساند...

همچنین نسخه‌ای از فتوای «شیخ الاسلام عثمانی» که علیه «مصطفی کمال» صادر شده را به او خواهم داد... باید در مورد فرصت مناسبی که کرده‌ها در کنگره صلح پاریس بدست آورده‌اند نیز اطلاعاتی در اختیار او قرار دهم.

افسر سیاسی در پایان، نامه «سلیمان آقا» را ضمیمه یادداشت خود کرده است:

همراه این نامه، یکی از معتمدین خود را فرستاده‌ام. او اهل «بتلیس» و کاتب شخصی من است... مصطفی کمال کردستان و منطقه آناتولی را با خدعه چینی، فریفته است. او حکومتی موقت در آنکارا تأسیس نموده است. ما ساکنان کردستان، حاضر به پذیرش حاکمیت شخصی چون مصطفی کمال نخواهیم شد که نامردانه از پشت به حکومت عثمانی خنجر زد. در حال حاضر چون رهبر جامع الشرایطی هم نداریم، کمالی‌ها توانسته‌اند اداره مدنی و نظامی را تحت کنترل درآورند.

ملت کرد برای رهایی، باید متحد شوند. تشکیل یک کردستان خودمختار تحت قیمومت بریتانیا تنها از این راه میسر خواهد شد از این‌رو لازم می‌دانیم یکی از سرشناس‌ترین اعضای خاندان «بدرخانی» که هم اکنون ساکن استانبول هستند به «جزیره ابن‌عمر» عزیمت و قدرت را بدست گیرند.

«مصطفی کمال» پس از تشکیل حکومت موقت در آنکارا همه عشایر را به دشمنی به حکومت بریتانیا برانگیخته است. او با تبلیغات سوء تلاش می‌کند جماعت بیشتری را با خود همراه کند... اما من سوگند یاد کرده‌ام تا آخرین نفس با کمالی‌ها مبارزه کنم... حامل نامه، مطالبی را شفاهاً بعرض خواهد رساند.

سلیمان آقا

Fo 371/5069 (E 10033) (India office), No.P. 6099, August 17 th 1920
Letter from Suleiman Agha.

**رؤساي عشایر و اشراف و روشنفکران جنوب کردستان بنام ملت
کرد، درخواست تاسیس يك دولت كردي را مطرح مي‌کنند**

سند شماره (371) (5069) (7928 A) وزارت هند به شماره 5237 مورخ 8
جولای 1920 نامه‌ی نماینده مدنی به وزارت هند است. متن نامه بشرح زیر
می‌باشد:

یادداشتی به امضای 62 تن دریافت نموده‌ام که اکثریت قریب باتفاق بزرگان
جنوب کردستان را شامل می‌شود. متن نامه بشرح زیر است:
ما سران کرد اعلام می‌کنیم هدف نهایی و آرزوی ما تاسیس يك دولت
مستقل كردي تحت حمایت حکومت بریتانیاست. این دولت با دولت
بین‌النهرین، يك اتحاد کنفدرالی تشکیل خواهد داد و براساس حقوق
مشترک در این اتحاد، مشارکت خواهد ورزید.

سید محمد بی‌شماشبنه، سید محمود نقی‌بی، نوه سید عمر، نوه سید
حسین، رئیس پیشدر قائم مقام بابکر آقا، محمود آقا رسول، قاسم پاشا
محمد فواد بگ، صالح بگ‌زاده، محمد پاشا محمد صالح، رئیس سرگولو
شیخ عثمان، رئیس جاف محمد پاشازاده علی، رئیس داوده اسماعیل بگ
محمد رفعت، شیخ علی‌زاده محمد رفعت، شیخ علی‌زاده محمد عارف،
رئیس عشیرت «زان» درویش آقازاده علی، عبدالرحمن آقا، رستم خان،
رئیس «سیده کانی» جباری سید محمد، رئیس کویسنجاق ملا محمد،
رئیس بلیاس و پیران و سورانی، رئیس عشیرت آکو مامند آقا، رئیس عشایر
کوچ رومنگور حسین آقا، شیخ قادر سندولان و حاکم راینه سید محمد امین،
رئیس عشیرت بالک شیخ محمد آقا، رئیس عشیرت برادوست محمد سعید
بگ، بایز پاشازاده، رئیس منگور حسین آقا، رئیس پیشدر عثمان آقا رشید،
رئیس عشیرت هرکی احمد خان آقا، میرانی محمد امین بگ، نماینده
پیشین سلیمانیه حاج ملا سعید (نماینده: عضو انجمن- عضو پارلمان)،
رئیس «دلو» ابراهیم بگ، رئیس جاف احمد بگ، رئیس جاف عثمانی پاشا
محمد عزت، محمد امین، کاک عبدالله آقا، عزیز آقا، محمد امین کاک
عبدالکریم بگ، سید اسماعیل سید محمد برزنجی، برزنجی سید محمد
سیدرضا، برزنجی سید احمدزاده سید احمد، رئیس سانکانا صفوت آقازاده
عبدالغفور، رئیس سانکانا جاسم آقازاده عبدالعزیز، رئیس عشیرت دلو کاک
صالح، رئیس عشیرت دلو سلیم بگ وازی، رئیس سانکانا جاسم آقا محمد
رشید، رئیس عشیرت آکوی دشت غفور خان، کدبانوی رئیس کل خورشید
بگ، آرزو سالی، احسان بگ، رئیس عشیرت میلمهالی میرانی قادر بگ-
خوشناو، رئیس عشیرت ماریوب محمد رشید، رئیس عشیرت میر ویس
میران حاتم بگ، رئیس عشیرت بارزان شیخ احمد، رئیس عشیرت شیروان
احمد بگ، قادر آقا، عبدالرحمن آقا، رئیس عشیرت کردي بهروز احمد، رئیس

عشیرت یان کاتراب، رئیس عشیرت شامرلی، شیخ محمد صادق سید مصلح.

Fo 371/5069 (E 7928) (India office) No.P. 5237, Future of Kurdistan, July 8 th 1920

تلاش برای بهبود وضعیت اداری جنوب کردستان

سند شماره (371) (5069) (8333 A) مورخ 10 جولای 1920، نامه نماینده مدنی به افسر سیاسی در مورد وضعیت جنوب کردستان است. در این نامه به ایجاد فرصت مقتضی برای کردها جهت سامان دادن به امور اداری اشاره شده است.

در همین سند، نامه افسر سیاسی را بعنوان جوابیه می‌خوانیم: بازگشت به تلگراف شماره 6184 از مساعدات جنابعالی سپاسگزارم. در مورد این مسأله، از تابستان پیش مشغول برنامه‌ریزی برای انتصاب بهترین فرد برای اداره منطقه هستیم. باید برای افراد مستعد و هوشیار، موقعیتهای مناسبی خلق کنیم.

در این میان، اگرچه افراد باهوش، بسیارند و تواناییهای خود را در مناصب مورد نظر بخوبی نشان داده‌اند اما متأسفانه پس از مدتی دچار تکبر کاذب شده چنین می‌پندارند مسئولیت میوه حرامی است که تنها برای ایشان حلال شده است و دیگران نمی‌توانند بدان دستیابند. یکی از این مردان «فایق تاپویه» است که بعنوان مشاور ارشد واردات برگزیده شده اما به کمتر از ریاست راضی نیست... در این میان، بی‌انصافی خواهد بود اگر از مردانی چون «رضا بگ»، «جمال عرفان بگ» و «عونئی افندی» که مسئولیتهای مهمی در اختیار دارند و دچار آفت غرور نشده‌اند به بزرگی یاد نکنم... همچنانکه در گزارش اداری سال 1919 نیز تأکید نموده‌ام، یگانه راه برای دستیابی به مفاصل مطلوب، اصلاح ساختار اداری جنوب کردستان است... نکته دیگری که باید بعرض برسانم وجود دو بازرگان ثروتمند کرد بعنوان عامل توطئه علیه بریتانیاست.

1- Fo 371/5069 (E 8333) (India office). Sulaimani a Situation, 5 th July 1920

2- Fo 371/5069 (E 8751/11) (India office). No 4958. Administration Report of Sulaimani a divi, July 1920.

دیدگاههای مستر یونگ در مورد آینده کردستان

سند شماره E/875/44/11 به بررسی دیدگاههای مستر یونگ می‌پردازد: ... اینها مجموعه عواملی هستند که در نهایت به چشم‌پوشی از اعطای اتونومی به کردستان خواهند انجامید (این نظریه پس از بروز مخالفت‌هایی چند از سوی برخی منتقدان کرد و حمایت آنها از نهضت کمالی طرح شده است. مترجم)

«میجر نوییل» برای حل این موضوع، راه‌حل‌های مناسبی ارائه کرده‌اند. او از تحولات اخیر منطقه بسیار نگران است. آنچه لازم می‌نماید اداره‌ای قوی است که بتواند ظرفیت پذیرش حکم ذاتی را در خود داشته باشد. من در حال آنجا که ترک می‌کنم هر لحظه بر اعطای حکم خودگردانی به کردها بیشتر متعهد می‌شوم...

میجر یونگ

Fo 371/5069 (E/875/44/11), Major yong.

در «کویه» چه خبر است

سند شماره (371) (5069) (E 12457) مورخ 1920، مجموعه‌ی مکاتباتی است که یکی از آنها نامه شماره (102/59/24304) مورخ 19 آگوست 1920 حاکم مدنی بریتانیا در مورد دیدگاه‌های «ملا محمد» و گفتگوهای او با حاکم مدنی در «کویه» است.

افسر سیاسی بریتانیا از «کویه» در ذیل این نامه به طرح دیدگاه‌های خود می‌پردازد:

من اهمیت چندانی به درخواست او در مورد انتصاب یک حاکم نمی‌دهم. به باور من، تنها پاسخ ما این است که باید در انتظار عملی شدن شروط مندرج در پیمان صلح باقی بمانیم. من تلاش کرده‌ام با نزدیک کردن تمام دیدگاه‌ها به یکدیگر، مرکزیت فکری واحدی در «ارییل» بوجود آورم، اما حصول به موفقیت بسیار دشوار است. شهر «ارییل» بسیار میانه‌رو است و بزرگان شهر با انتصاب یک حاکم، و وابستگی احتمالی به شریف‌پاشا سخت مخالفند... «ارییل» تمایل چندانی به دگرگونی‌های سریع ندارد. تعدادی از ساکنان شهر نیز که غالباً کارمندان معزول امپراتوری عثمانی پیشین می‌باشند، هوادار ترکها هستند اگرچه شمار آنها زیاد نیست.

ملا محمد کویی و راهنمایی کنگره صلح پاریس

در سند شماره (371) (5069) (E 12457) وزارت هند به تاریخ 20 آگوست 1920، یادداشت محرمانه افسر سیاسی بریتانیا در ارییل به شماره /S.C 4/155 مورخ 17 جولای خطاب به حاکم مدنی دیده می‌شود:

در بازدید از شهر «کویه»، وضعیت سیاسی شهر را مناسب و اوضاع عمومی آن را آرام دیدم. ملا محمد افندی حاکم شرع و جمیل آقا قائم مقام اوست. این دو در مورد آینده‌ی کردستان، مطالبی چند اظهار داشتند.

«ملا محمد افندي» از بزرگان نجبای شهر است. هر دو از مناسبترین افراد برای تأمین مصالح بریتانیا هستند... ملا محمد سخنان خود را با این جمله شروع کرد: من گمان نمی‌کنم اعضای کنگره صلح پاریس آنقدر نادان باشند که دو واقعیت زیر را در نیابند:

1- نظریه اتحاد کردهای شمال از مرز ایالت موصل، در یک حکومت مستقل، امری نامعقول است.

2- اگر اتفاق غیر منتظره ای روی دهد جنوب کردستان هرگز با شمال متحد نخواهد شد.

نامبرده در ادامه گفت: ملت کرد حاضر نخواهند شد تنها استقلال بخشی از کردستان را بپذیرند. برای آنها اتحاد کردستان تحت قیمومت یک دولت خارجی ایده‌آل‌تر است. ما مخالف تداوم حکومت عثمانی بر کردستان هستیم. عثمانی‌ها سمبل استعمار دیگر ملل هستند...

«اربیل» هم باید به کردستان متحد بپیوندد... مخالفان اندک این دیدگاه در «اربیل»، کاری از پیش نخواهند برد...

کردستان تحت قیمومت بریتانیا باید یک حاکم داشته باشد... بنظر ما «حمدي بگ» مناسب‌ترین شخصیت برای احراز این منصب است... پایتخت ما نیز براساس انتخاب نهایی ما «اربیل» یا «سلیمانیه» خواهد بود... سپردن اداره امور کردستان به کارمندان کرد نیز باید در اولویت برنامه‌های اداری قرار گیرد...

Fo 371/5069 (E 19457) (India office), 20 th August 1920

حاکم مدنی بریتانیا در سلیمانیه با دیدگاههای ملا محمد کویي موافق است

در سند شماره (371) (5069) (E 12457)، یادداشت محرمانه دیگری به شماره S 1/2807/مورخ 4 آگوست 1920 دیده می‌شود که از سوی افسر سیاسی سلیمانیه برای حاکم مدنی ارسال شده است. بازگشت به نامه شماره 9051 مورخ 27 جولای 1920 جناب‌عالی، ضمن پوزش از شما بخاطر تأخیر نسخه‌ای از نامه افسر سیاسی اربیل به شماره 4/155 مورخ 20 جولای را تقدیم می‌نمایم...

در فرصت مقتضی با مفتی «اربیل» ملاقات خواهم کرد. گویا او نیز از طرفداران «ملا محمد کویي» است... ملا محمد در مورد احتمال ضعیف اتحاد کردهای شمال از مرز موصل و اتحاد کردهای شمال و جنوب درست گفته است.

گمان می‌کنم در یادداشت شماره (B-1/1/2707) به شرح دیدگاههای ملا محمد پرداخته باشم... در مورد تغییر در نظام اداری، کردها تصور می‌کنند هر اقدامی در شرایط کنونی، نوعی سیر قهقرایی است... پیشنهاد حاکمیت «حمدي بگ» نیز از تمام راه‌حلهای ارائه شده معقول‌تر بنظر آید... برای آنکه مخالفان را خلع سلاح نمایم، بهتر است فعلاً از حاکمیت «حمدي

بگ» تنها بصورت سمبلیک حمایت کنیم چون عملی شدن این موضوع، مستلزم بررسی جزئیات بیشتر است... مطالب زیر باید مورد امعان نظر مسئولان بلند پایه قرار گیرد.

1- هدف ما در مورد تأسیس يك اداره قوي و با ثبات
2- عده‌اي معتقدند يك نظام اداري با ثبات، نظامي است كه با پیچیدگی و مشکل مواجه نشود.

3- حاكم كل چه كسي است و چگونه خواهد بود؟
4- چگونگی مقابله با کسانی که مخالف حاکمیت بریتانیا برنظام اداری منطقه هستند. در این مورد با دیدگاه‌های ملا محمد موافقم...

اگر واقع بین باشیم و ویژگی‌های اتنوگرافی کردستان را در نظر آوریم، باید مناطق دیگری را به این حوزه اداری افزود... الحاق عشایر «ذره‌یی» در حال حاضر میسر نیست، اما عشیرت «شوان» را می‌توان وارد نظام اداری مورد نظر نمود...

Fo 371/5069 (E 12457/11/44) (1/2807 S) (India office) (Pi. Arrangement), Gonfe. Mermo No. 138 4 th August 1920.

شواهد موجود حاکی از تأسیس يك دولت مستقل كردي در دیاربکر است

در سند شماره (371) (5069) (E 14608) وزارت هند به شماره (8320 S) مورخ 23 نوامبر 1920، نامه نماینده سامی در استانبول به شماره 13987 تحت عنوان «کردستان مرکزی- ترکیه» ثبت شده است:

23 آگوست، افسر سابق عثمانی متولد سلیمانیه بنام «ادیب افندی» از دیاربکر به استانبول آمد. این افسر می‌گوید نهضت بزرگی در دیاربکر آغاز شده است که هدف آن بیرون راندن بیگانگان و تأسیس کردستان به سرپرستی بریتانیا است. سران نهضت نوادگان «جمیل پاشا» هستند که بزرگ ایشان یعنی «اکرم بگ» در استانبول زندگی می‌کند. رهبران بومی آنها یعنی «قاسم بگ» و «قدری بگ» در دیاربکر هستند و با «خریوت» و «بتلیس» نیز در ارتباطی تنگاتنگ بسر می‌برند. آنها منتظر پاسخ شما در زمینه شروع گفتگوها با لندن هستند.

Fo 371/5069 (E 14608) (India office). Situation in Kurdistan, No.P. 8320, Norember 23 th 1920

وزیر خارجه بریتانیا در 27 اکتبر 1920، تلگرافی به شماره 2860 (کردستان) بعنوان نماینده سامی در استانبول، ارسال نمود:
اخبار دریافتی حاکی از اتحاد کمالیست‌ها و بلشویکها در منطقه ارمنستان است. در صورت موافقت مردم، هر چه سریعتر فردی را به حاکمیت جنوب کردستان منصوب نمایید...

پاسخ نماینده سامی به وزارت خارجه نیز در همین سند ثبت شده است:

«سرکوکس» براین باور است که افسران سیاسی منطقه (جنوب کردستان) فاقد آمادگی لازم برای چنین امر خطیری هستند. این کار مستلزم صرف وقت بیشتر و بررسی جزئیات است.

- 1- Fo 371/5069 (E 13428/11/44) (India office), No.P. 7337, Future of South Kurdistan, 29 th october 1920
- 2- Fo 371/5069 (E 14585) (India office), No.P.P.8318.

افسر سیاسی بریتانیا اربیل (کاپیتان‌های) در سال 1919 دیدگاه‌های خود را بشرح زیر ارائه کرده بود:
تمام این فعالیتها حلقه‌هایی از زنجیری را پدید می‌آورند که هدف نهایی آن حل مسأله کرد است.

Fo 371/5069 (E 12856) (India office) No.P. 7546, Administration Report of Arbil Dirision for the year 1919, October 18 th 1920

وزارت هند تأسیس کنفدراسیون کردی را راه‌حل مناسبی برای دفع تهدید کمالی‌ها می‌داند

سند شماره (371) (5069) (E 14939) مورخ 29 نوامبر 1920 نامه وزارت هند است. از آنجا که قرائن و شواهد موجود حاکی از یورش قریب الوقوع ترکها در سال 1921 است، تأسیس یک کنفدراسیون کردی تحت سرپرستی بریتانیا اهمیت عملی فراوانی پیدا کرده است.
Fo 371/5069 (E 14939) (India office) No.P. 5210, future of Kurdistan.

در سند دیگری به شماره (371) (5069) (E 1516/11/44) اول دسامبر 1920 نماینده سامی در استانبول (رمبولت) می‌گوید:
نمی‌دانم موضوع مورد اشاره نوییل چیست و مأموریت او در هیأت کردستان چه خواهد بود؟ این هیأت چه وقت تشکیل شده چه هنگام شروع بکار خواهد نمود.

Fo 371/5069 (E 15161/11/44), from Sir Rumbort, Constantinople, No 1262, Service of Major Noel.

«میجر یونگ» در پاسخ نماینده سامی می‌گوید:
من پیشنهاد می‌کنم «نوییل» در بین‌النهرین مشغول بکار شود. «تیلماجوس» در روزهای اخیر «سرکوکس» را برای انتصاب یک حاکم کرد در جنوب کردستان تحت فشار قرار داده شد. بگمان من «کوکس» در لندن به «نوییل» گفته بود که برای تأسیس حکومت بین‌النهرین منتظر فرصت مقتضی است. حضور «نوییل» در بین‌النهرین تا شروع بکار هیأت کردستان بسیار منطقی است.

ه.و.یونگ

نامه «تیللی» در 7 دسامبر 1920، موضوع «نوییل» را روشن‌تر توضیح می‌دهد:

وزیر هند می‌گوید «لرد کرزن» وزیر خارجه مایل است «میجرنوییل» همچنان در کمیسیون تعیین مرزهای کردستان به فعالیت ادامه دهد.

ج. تیللی

وزارت هند- لندن

اتحاد بلشویکها و کمالیستها و کنفدراسیون کردستان

در سند شماره (371) (5069) (E 15670) وزارت هند بتاريخ 16 دسامبر 1920 مسأله تهدید اجتماعی بلشویکها و کمالیستها در يك اتحاد سياسي- نظامي مورد بررسی قرار گرفته است. در همین سند، سخنان «سید طاها» نیز ثبت شده است:

سید طاها گفته است رهبران کرد در تدارك تأسيس کنفدراسیون کردستان تحت سرپرستی بریتانیا هستند... لازم «میجرنوییل» همچنان در بین‌النهرین به فعالیت ادامه دهد تا با آگاهی از وضعیت فکری رهبران کرد، مسأله عملی شدن پیشنهاد «سید طه» با جدیت بیشتری دنبال شود...

Fo 371/5069 (E 15770) (India office), 16 th December 1920

وزارت هند با نادیده گرفتن پیمان بلشویکها و کمالیست‌ها از اعزام نیروی مسلح به کردستان خودداری می‌کند

وزارت هند

25 دسامبر 1920

وایت‌هال- لندن

خیلی فوری

بنا به درخواست وزیر هند، این نامه را که باید به رویت وزیر خارجه برسد، تقدیم می‌نمایم.

گمان غالب آن است که پیشنهادهاي سید طاها موثرترین حربه برای خنثی‌سازی توطئه ترکی- بلشویکی است، اگرچه اطلاعات دریافتی روزهای اخیر خبر از کاهش احتمال هجوم نیروی مشترک ترک- بلشویک می‌دهند. جدی گرفتن موضوع از سوی کردها و تلاش‌های مضاعف برای نزدیک شدن به بریتانیا موقعیت مناسبی فراهم آورده است. «سید طاها» در گفتگوهای خود بارها بر توافق سران کرد برای تأسيس يك کنفدراسیون کردی تحت حمایت دولت علیه تأکید نموده است.

«لردكرزن» از تردید «سید طاها» نسبت به اجرای مفاد مندرج در پیمان «سور» آگاه است... «سید طاها» معتقد است هیأت کردستان در مقطع کنونی بدون حمایت يك دولت خارجی کاری از پیش نخواهد برد... دیدگاههای سید طاها بسیار واقع بینانه است... «مستر مونتگیو» بر این باور است که گام نخست، عزیمت نوییل به بین‌النهرین و ایجاد عمیق با بزرگان کرد در مناطق اشغالی و تحریض مردم به تأسیس کنفدراسیون کردی تحت سرپرستی بریتانیاست... «مستر مونتگیو» بخاطر درخواست «سید طاها» مبتنی بر ارسال مقادیر معتناهی اسلحه نگران است...

امضا

شبکه- منشی وزیر هند

Fo 371/5069 (E 15679) (India office), No.P. 8580, Situation in Kurdistan, December 16 th 1920

پیمان «سور» در اسناد وزارت خارجه

در جلد هجدهم به شماره 23 سالهای 1919-1939 وزارت امور خارجه بریتانیا می‌خوانیم:

به هر حال، چند مورد خاص در پیمان سور وجود دارند که لازم است در کنگره لندن، راجع به آنها گفتگو شود. یکی از این بندهای ویژه، مسأله کردستان و ارمنستان است.

در نشست کنگره (کاخ سنت جیمز) لندن مورخ 25 فوریه 1921 موارد زیر مورد بررسی قرار گرفت:

1- پیمان سور... ارمنستان و کردستان...

«بکر سامی» نماینده هیأت ترک و افسر سابق (اصالتاً چرکس) عثمانی که وزیر خارجه دولت موقت کمالی‌ها در جنگ استقلال بود گفت: هیأت ترک، دیدگاههای خود در مورد ارمنستان و کردستان را بخوبی تشریح نموده است. آینده‌ی این دو سرزمین برای ترکیه از اهمیت بسیار برخوردار است چون این منطقه در شرق مرزهای ترکیه قرار دارند... بکر سامی در ادامه گفت: در مورد مسأله کردستان باید بگویم نماینده عالی کردها در هیأت ما حاضر است [!!!- مترجم].

نظر نهایی این نماینده و همکارانش، نظر مردم کرد خواهد بود [!!!- مترجم]

نخست وزیر بریتانیا «لوید جرج» گفت: هیأت ترکی مقدمتاً باید همه بندهای پیمان «سور» را بپذیرد باستثنای چند بند که مربوط به ارمنستان و کردستان است.

در نشست 26 فوریه 1921، وزیر خارجه بریتانیا تأکید کرد هیأت ترکی موظف به رعایت بندهای مندرج در پیمان «سور» است و تنها بندهایی که مربوط به ارمنستان است مورد تجدید نظر قرار خواهد گرفت... در پایان این سند، به مطلبي دیگر اشاره شده است.

کردستان -2

«لرد کرزن» در مورد حذف مورادي از بندهای 62 و 64 پیمان سور، مایل بود سخنان «بکر سامی» را بشنود. «بکر سامی» هم که روز پیش ادعا کرده بود نماینده کردها در هیأت ترکی حاضر است گفت: مایه افتخار است که ساکنان کردستان حق مشارکت در تمام تصمیمات «انجمن ملی» را دارند و می‌توانند پنج نماینده داشته باشند...

من نیز بخاطر آنکه نماینده تام‌الاختیار دولت موقت ترکیه هستم، خود را نماینده شرعی و قانونی کردها و ترکها می‌دانم.

بکر سامی در ادامه گفت: کردها همیشه فریاد زده‌اند که کردستان بخش لایتنجای ترکیه است... هر دو نژاد هدفی مشترک را در پیش گرفته‌اند و علاوه بر فرهنگ مشترک، دین مشترکی نیز دارند.

The Two Races were united by a Common feeling a Common Culture and Common Religion

بکر سامی گفت: درست است که پس از پایان جنگ دو گروه به رهبری «شریف پاشا» و «عبدالقادر» ادعای استقلال نمودند، اما هیچ يك نمایندگان واقعی کردها نیستند. هدف آنها وصول به مفاصل شخصی است نه جامه عمل پوشانیدن به اهداف ملی... آنها در حال حاضر، حتی نماینده کردهای استانبول هم نیستند... اگر هیأت عالی مایل به اعزام هیأتی به ترکیه است، ما حسن استقبال می‌کنیم...

بکر سامی در پایان گفت: با تمام این احوال، اگر کردها بخواهند حکومت ترکیه آماده اعطای «حکم‌ذاتی» به آنهاست... اما مرزهای مندرج در بند 62 پیمان سور، منطبق بر واقعیات «اتنوگرافی» نیست چرا که بخشهای غربی و جنوبی ایالات «معموره» «الجزیر» و «دیاریکر» بویژه «سنجق سیوریک»، ترک هستند... کردها در «بتلیس»، «وان» و «موصل» اکثریت جمعیت را شامل می‌شوند. غالب کردها ساکن مرزهای ایران می‌باشند.

Document on British Foreign Policy 1919-1939. Vol. B A, No.23,
The Treaty of Sevres

«لرد کرزن» در پاسخ سئوالات «بکر سامی» نماینده حکومت آنکارا گفت: از رئیس هیأت آنکارا سئوالاتی دارم. ایشان گفتند جدای از دو ایالت «بتلیس» و «وان» که غالب ساکنان آن کرد هستند، در بقیه ایالات کردها و ترکها زندگی مسالمت آمیز دارند... آیا «بکر سامی» می‌تواند بگوید سایر ایالاتی که کردها اکثریت جمعیتی آن را تشکیل می‌دهند،

کدام ها هستند؟ آیا می‌تواند بگوید تعداد نمایندگان کرد انجمن ملی آنکارا چند نفر هستند و نسبت تعداد نمایندگان کرد به نمایندگان ترک چقدر است؟

«بکر سامی» در پاسخ گفت: کار بسیار سختی است اما مطمئناً تعداد آنها کم نیست؟

«لرد کرزن» بار دیگر از «بکر سامی» پرسید: مقصود شما از اعطای حکم ذاتی به ایالات کردنشین چیست؟ و این حکم، دارای چه ویژگی‌هایی است؟

بکر سامی در پاسخ گفت: حکم ذاتی تنها شامل ایالات کردی نیست بلکه تمام ایالات را در بر خواهد گرفت و نوعی حکومت «اداره‌ی غیر مرکز» است...

«بکر سامی» در مورد بندهای مربوط به ارمنستان گفت: حکومت آنکارا با تأسیس یک ارمنستان مستقل موافق است...

Document on British foreign policy, 1919-1939 Vol.8 A, No. 23.

The Treaty of Sevres.

بابان‌ها خواستار استرداد اراضی غصبی خود شدند

سند شماره (371) (5069) (E 15421) نماینده سامی بریتانیا به شماره 1580 مورخ 30 نوامبر 1920 متن دو نامه «خاندان بابان» خطاب به نخست وزیر بریتانیاست که در اولین نامه خانواده‌ی بابان طی شکواییه‌ای خواستار استرداد اراضی غصبی خود توسط حکومت عثمانی می‌شود و دومین نامه، اعلام آمادگی «فواد عزت بابان» برای خدمت در دولت کردی آینده است.

نماینده سامی بریتانیا در استانبول سررمبولت

به وزارت خارجه حکومت علیّه

شماره/1520

تاریخ/20 نوامبر 1920

سرورم

مفتخرم، به پیوست، دو نامه‌ی خاندان بابان به نخست وزیر انگلیس را تقدیم کنم:

2- بابان‌ها اگرچه هنوز هم خاندان بزرگی هستند، اما پس از آن که قدرت خود را در جنوب شرق کردستان از دست داده در قلمرو عثمانی قرار گرفتند، روبه افول گذارده‌اند. شمار قابل توجهی از سران بابان جذب «یه‌کیتی و سه‌رکه‌وتن- اتحاد و ترقی» شدند. معدودی از آنها نیز وارد «جامعه اسلامی» عثمانی شدند که یکی از آنها «نعیم بابانی» است.

3- اما در مورد استرداد اراضی کردها که توسط عثمانی ضبط شده بود، مقامات حکومت تا پیش از انعقاد پیمان «سور» مبلغی بابت اجاره یا مالیات به بابان‌ها می‌پرداختند، اما بمحض انعقاد پیمان «سور» این اجاره

را به بهانه وضعیت وخیم اقتصادی قطع کردند... البته وزارت مالیه عثمانی آمادگی خود را برای استرداد اراضی آنها اعلام نموده است.

هوارس رمبولت

استانبول

نامه نخست

به نخست وزیر محترم بریتانیا

پیمان صلح ترکی (پیمان سور) منعقد و حکومت ترکیه بر آن گردن نهاد. موضوع سرزمین بین‌النهرین که جنوب کردستان در آن قرار دارد، در رأس تمام مسائل است. در این منطقه، سنجق سلیمانیه و کوی سنجق قرار دارند که ملک آبا و اجدادی ماست. خاندان بابان حاکم جنوب کردستان بوده‌اند و شهر سلیمانیه که چندین بار علیه عثمانی‌ها قیام کرده است، توسط «بابان»ها ساخته شده است. شهر سلیمانیه همواره مرکز دفاع از ملت کرد در برابر هجوم عثمانی و فرس بوده است و در این مورد، تاریخ شاهد ماست. اما بر اثر اختلاف دو امیر بابان یعنی «احمد پاشا» و برادرش «عبدالله پاشا»، عثمانی‌ها فرصت را غنیمت شمرده بر جنوب کردستان مسلط شدند. عثمانی‌ها تمامی اراضی و ملک و مال بابان را بنفع خود مصادره و ضبط کردند که همه آنها در دفاتر وزارت مالیه عثمانی ثبت شده‌اند. بعدها دولت عثمانی وظیفه خود دانست اجاره بسیار کمی بابت مصادره‌ی اموال بپردازد که این خود نیز دلیل دیگری بر صحت ادعاهای ماست.

پولی که به ما پرداخت می‌شد از محل بودجه عمومی و تحت عنوان «محاسبه املاک مضبوطه» تصویب می‌شد... اما در مقطع کنونی که سرزمین ما از سلطه عثمانی رهایی یافته و تحت قیمومت بریتانیاست، استرداد این اراضی حق مسلم ماست. ماده 240 از پیمان صلح «سور» نیز تأکید می‌نماید که همه اراضی مضبوطه توسط امپراتوری عثمانی می‌باید مسترد شوند.

بنابراین از شما می‌خواهیم با مساعدات خود، زمینه بازگشت اموال ما را فراهم آورید. سپاس‌های بی‌کران ما را بپذیرید.

به

نماینده‌ی از خاندان بابان

امضاء

مصطفی ذهنی پاشا حاکم پیشین حجاز

محمود مخلص بگ کنسول پیشین عثمانی در سنندج پسر حمیدی پاشا

فواد عزت بگ نوه احمد پاشا دو امیر سلیمانیه

فواد ع بابان، محمود جلال الدین بگ حاکم پیشین کربلا فرزند احمد پاشا

محمد سلیمان حکمت بگ نماینده‌ی پارلمان عثمانی اهل سلیمانیه

حکمت حسین شکری بگ آخرین دبیر «دارالانتداب عثمانی» در قاهره و نویسنده‌ی روزنامه «ترجمان حقیقت»

نامه دوم

استانبول 28 آگوست 1920

نخست وزیر محترم بریتانیا- لندن

سیادت مآب:

امضای پیمان صلح با ترکیه، دیدگاه‌هایی چند را در مورد بین‌النهرین و آینده جنوب کردستان پدید آورده است... اکنون که بریتانیا قیمومت این سرزمین را پذیرفته است من نوه «احمد پاشا» آخرین امیر سلیمانیه، مفتخرم به اطلاع برسانم آماده انجام خدمت در سرزمین خود هستم... بنده تجارب بسیاری در امور حکومتی دارم چون در عصر عثمانی وابسته نظامی این امپراتوری در سفارت آلمان بوده‌ام اما اختلاف نظر من و انور پاشا (وزیر جنگ عثمانی) به کنار رفتن من منجر شد. در آغاز جنگ بعنوان افسر احتیاط به استانبول بازگشتم بعنوان افسر نظارت برگزیده شدم. موقعیت خانوادگی من در کردستان، مرا به این باور رهنمون گشته است که می‌توانم عنصر مفیدی برای آینده جنوب کردستان باشم. با اطمینان خاطر می‌گویم که به هیچ حزب یا گروه سیاسی نیز وابستگی نداشته‌ام

فواد عزت بابان

Fo 371/5069 (E 15421) (Constantinople), 30 November 1920

«سید طاها» نکات دیگری از همکاری بلشویکها و کمالیست‌ها علیه نهضت کردستان را فاش می‌کند

در سند دیگری به شماره (6/س/6805) مورخ 2 سپتامبر 1920 نامه افسر سیاسی موصل به حاکم مدنی را می‌خوانیم:

موضوع: وضعیت مرزهای ترکیه- ایران و امکان تأسیس یک کشور مستقل برای کردها/ خلاصه دیدگاه‌های سید طاها در مذاکرات 2 سپتامبر 1920: «میجر برای‌های» افسر سیاسی در «اربیل» با «سید طاها» به گفتگو نشست. نامبرده از «سید طاها» در مورد نشست اخیر سران کرد به رهبری «اسماعیل آقا شکاک- سمکو» سؤال کرد. سید طاها در پاسخ گفت: تاکنون سه نشست برگزار کرده‌ایم که محور اصلی آنها گفتگو بر سر تأسیس یک کردستان مستقل در مرزهای ترکیه- ایران بوده است. من نیز برای دریافت اسلحه و مهمات و آذوقه از بریتانیا نزد شما آمده‌ام. سید طاها در ادامه گفت: بلشویکها و مصطفی در تلاش بلشویک کردن هر دو جمهوری آذربایجان هستند... مصطفی کمال مترصد بازگرداندن ایالات آزاد شده به حریم ترکیه و دستیابی به مقاصد خود در قفقاز است. آنها می‌خواهند از راه ایران و کردستان، سرزمین بین‌النهرین را مجدداً اشغال کنند.

سید طاها گفت: پیمان «انلگو- ایران» نیز از سوی ایران لغو خواهد شد چون تمام منطقه تبریز مخالف این پیمان نامه هستند. تبریز مایل به اطلاعات از تهران نیست. آنها چنین کاری را در حکم مرگ خود می‌دانند... من (افسر سیاسی) بر این باورم که کردها هنوز هم متمایل به ترکها هستند. بعنوان نمونه، یکی از فرماندهان سابق عثمانی با وجود آنکه اکنون فاقد قدرت اجرایی است، اما مورد احترام ساکنان است اگرچه این احترام، بیشتر نتیجه‌ی ترس از آینده است... ترکها از هر نشانه‌ای که ملت کرد را تعریف کند، سخت بیزارند. اگر به یاری کردها نشتابیم، وضعیت آنها وخیم‌تر خواهد شد.

افسر سیاسی در ادامه می‌گوید: مصطفی کمال، اخیراً «مدحت بگ» والی وان را در مقام خود ابقاء نموده در تدارک عفو «عاکف بگ» فرماندهی تپ دو «سیرت» نیز هست.

«سید طاها» معتقد است پیش از انجام هر گونه اقدامی باید افسرانی رابط در «اریل»، «موصل» و تمام کردستان بکار گمارده شوند... باید در اعلامیه‌ای، حمایت قبیلہ‌ی «بوتان» را از تأسیس کردستان مستقل اعلام کنیم. پیش از این شایع شده بود «بوتانی»ها مخالف آن هستند... من (افسر سیاسی) در پاسخ گفتم: چنین اقدامی مستلزم دریافت فرمان از مقامات بالاست... از آنجا که بندهای مندرج در «پیمان سور»، تأسیس کردستان آزاد را به رسمیت شناخته است، محلی برای نگرانی وجود ندارد.

«سید طاها» گفت: اگرچه پیمان سور مایه امیدواری است اما امکان تعویق آن وجود دارد.

من (افسر سیاسی) گفتم: فشارهای اروپا مانع از نفوذ بلشویکها خواهد شد... پروژه کردستان هم با عجله عملی نخواهد شد. بنظر من بهتر است ابتدا کنفدراسیونی با حضور عشایر کرد تشکیل و موقعیت کنونی تثبیت شود سید طاها گفت: من هم با این نظر موافقم و بهمین خاطر نزد شما آمده‌ام.

بنظر من (افسر سیاسی) کردها میان اتحاد بلشویسم-کمالیسم و بریتانیا، ما را انتخاب خواهند نمود، اما کوتاهی ما در کمک به کردها دفاع ایشان در برابر کمالیستها را متزلزل خواهد نمود.

در مورد تأسیس کنفدراسیون هم باید بگویم جلب حمایت «عشیرت شرناخ» بسیار مهم است. آنها با انتخاب «عبدالرحمن بگ» به ریاست و «سلیمان بگ» به نیابت، امور داخلی خود را شخصاً بعهدہ گرفته‌اند. این موضوع عشایر دیگر را نیز سخت تحت تأثیر قرار داده است.

اتحاد عشایر در کنفدراسیونی وسیع با هدف تأسیس کردستان مستقل

سند شماره (28770) مورخ 7 اکتبر 1920، یادداشت حاکم مدنی بریتانیا به وزارت هند در لندن است که اشاره به نامه شماره 28053 و یادداشت

شماره 3897/12/C.S/ مورخ 25 سپتامبر افسر سياسي «اريل» دارد در اين سند آمده است:

سيد طاها از شانزدهم تا بيست و سوم سپتامبر در اريل بود. با او مفصلاً گفتگو كرديم. محور اصلي مذاكرات ما آينده كردستان به استثناي سرزمينهاي اشغالي (شمال كردستان) بود.

سيد طاها گفت: نشست اخير زعماي كرد در منطقه ي «شمدينان»، با حضور عشاير «تهرگه وهر»، «اروميه»، «هركي»، «حكاري»، «حيدرآلي»، «بگزاده»، «آرتوش» و... انجام گرفت. اين عشاير به هماهنگي كاملي در مورد تأسيس كردستان مستقل و درخواست همكاري از بریتانيا دست يافته اند. نمايندگان برگزيده اين نشست براي جلب حمايت كردهاي بوتان و شمال، عازم منطقه شده اند.

از سيد طاها پرسيدم: درخواستهاي شما براي كمك چيست؟

سيد طاها در پاسخ گفت: ابتدا بايد افسري بریتانيايي در منطقه بكار گمارد كه تسلط كافي بر زبان كردي داشته و بتواند با سران عشاير وارد گفتگو شود. اين افسر لازم است در «اريل» يا «موصل» مستقر شود اگر مناسب بدانيد در محل اقامت من سكني گزيند. درخواست ديگر من تأمين اسلحه و مهمات است... نمي دانم چرا بریتانيا همواره در مورد كردها مردد است. روسيه بدين خاطر پيش افتاد كه دچار عدم اطمينان نبود... بریتانيا در مورد بياعتماديهاي خود، سرانجام متضرر خواهد شد... بریتانيا در برابر تبليغات تركها هم موضعي انفعالي داشته است. تبليغات كذب تركها و عدم پاسخ بریتانيا تاثيرات قاطعي برچاي گذارده است... من (افسر سياسي) گفتم: بریتانيا نمي خواهد راساً در امور شمال كردستان دخالت كند. يك هيأت اروپايي در چهار ماه آينده وارد منطقه خواهد شد تا سرنوشت كردستان تعيين شود.

سيد طاها با ابراز ترديد در مورد اين هيأت گفت: هيأت مزبور براي تاثير گذاري بر امور منطقه، ناگزير از نيروهاي مسلح است و بدون وجود نيروهاي نظامي كاري از پيش نخواهد برد. نيروهاي نظامي ضمانت اجراي تصميمات اين هيأت بوده و سبب خواهند شد مردم بدون واهمه از تهديد آتي تركها نيات واقعي خود را اظهار كنند. در حالي كه تركها قدرت نظامي بالا دست منطقه هستند، آيا مي توان از كردها انتظار صداقت و راستگويي در برابر هيأت اروپايي را داشت؟ لازم است هيأتي تبليغاتي براي اعلام غير رسمي تأسيس كردستان مستقل تشكيل و به نقاط مختلف سفر كند.

سيد طاها با اشاره به تهديد روزافزون بلشويكها نامه «جاويد بگ» بعنوان «اسماعيل آقا» را به من نشان داد كه در آن از حضور سپاهيان روسيه در قفقاز و سپاه چهل هزار نفری انور پاشا سخن رفته بود. سپاهيان سرخ روسيه و سپاهيان سبز (سپاه ترك) كه در سالهاي 1919-1923 با يونانيها جنگيد) آماده هجوم به كردستان هستند. كنفدراسيون كردي، يگانه راه حل مقابله با اين تهديد است و تجهيز كردهاي فاقد اسلحه و

مهمات در برابر ترکها و روسهای سراپا مسلح، امری الزامی است... سید طاها مردی دلسوز است اما در بسیاری موارد راجع به بلشویکها مبالغه می‌کند. هدف نهایی او تأسیس يك کنفدراسیون کردی به رهبری خودش و استفاده از کمکهای مادی و معنوی بریتانیاست. من نمی‌دانم چرا به درخواستهای مکرر سید طاها از سال پیش اهمیت داده نشده است و علت تغییر این سیاست‌ها چیست؟ در صورت صلاحدید می‌توان مهمات را غیر مستقیم و از طریق عشیرت «بالک» ارسال نمود. سید طاها مطمئن بود پیمان انگلیس و ایران لغو خواهد شد و بریتانیا سرانجام به یاری کردها خواهد شتافت. سید طاها و «کلنل هاردو» در 20 سپتامبر در ناحیه «گور» به گفتگو نشستند و چون این منطقه در حوره فعالیت من نیست، اطلاع چندانی ندارم...

«سید طاها» گفت: ما مخالف اسکان پناهجویان نیستیم و در حد توان، آنها را یاری خواهیم کرد اما اگر هجوم مسلحانه‌ای علیه عشایر کرد ترتیب دهند، ما دیگر کاری از پیش نخواهیم برد. پناهجویان و اهالی ایرانی ارومیه نمی‌توانند با یکدیگر کنار آیند چون هر دو گروه مسلح هستند. حکومت ایران نیز فاقد هر گونه توانایی است. تبریز هم حاضر به پذیرش حکم تهران نیست...

سید طاها در ادامه سؤال کرد: افسر بریتانیا تا چه موقع در ارومیه خواهد بود و آیا مسأله 250 زن کرد که در اسارت پناهجویان (آسوری) بسر می‌بردند، بزودی مرتفع خواهد شد. من در پاسخ سؤال اخیر ضمن اظهار بی‌اطلاعی از این موضوع گفتم: به هر حال، همکاری کردها با بریتانیا به حل نهایی مسأله کردستان منجر خواهد شد.

شريف پاشا و هیأت کردستان از دیدگاه بریتانیا

در سند شماره (608) (95) (123276) وزارت خارجه بریتانیا به آدمیرال وایپ در تاریخ 3 سپتامبر 1919 آمده است:

شريف پاشا اطلاع داده است که بعنوان رهبر کردستان مستقل برگزیده شده است و درخواست نموده که هیأت او به‌مراه هیأت بریتانیایی عازم مناطق کردنشین شود. نامبرده همچنین از حکومت بریتانیا خواسته است کمکهای مادی و معنوی خود به کردها را آغاز کند... اما حکومت گمان می‌کند سن زیاد شريف پاشا و مدت طولانی حضور او در پاریس، قدرت مانور سیاسی او را تقلیل می‌دهد، بهمین خاطر نماینده واجد شرایط دیگری به منطقه اعزام شود.

Fo 608/95 (123276/M.E. 44 A) No. 145, September 3 th 1919.

در سند شماره (5069) (9300 E) تلگراف نماینده سامی ثبت شده است: دو عضو از خانواده بدرخانی شفاهاً در جریان قرار گرفتند که حضور کمیسیون تعیین خطوط مرزی فرصت مناسبی پدید آورده است تا کردها درخواست خود را برای خروج جزیره ابن‌عمر از قیمومت فرانسه و الحاق آن

به کردستان مطرح نمایند. با وجود این، نماینده‌ی سامی در مورد رضایت کمیسیون به این اقدام، تردید دارد.
Fo 371/5069 (E 9300), De Robeck, Constantinople, No. 1033, Future of Kurdistan.

اتحاد کمالیسم- بلشویسم علیه بریتانیا و فرانسه

سند شماره (S 5644) مورخ 12 نوامبر 1920 تلگراف نماینده‌ی سامی به این شرح است:

اتحاد کمالیسم- بلشویسم، زمینه مساعدی را برای انجام عملیات سیاسی- نظامی علیه منافع بریتانیا و فرانسه بوجود آورده است. اگرچه منافع ترکیه و روسیه در بلند مدت منطبق بر هم نخواهد بود، اما اتحاد کوتاه مدت آنها ممکن است به بروز مشکلاتی برای بریتانیا بینجامد. بهمین خاطر، پیشنهاد می‌کنم طرحی دقیق برای بر هم زدن این اتحاد تدوین و به اجرا در آید. بلشویکها و کمالیستها تعرضهای محدودی علیه جزیره ابن‌عمر انجام داده‌اند. اگر چه این عملیات آنقدر گسترده نیست که تهدیدی ایجاد کند، اما بهر حال يك تهدید است... طرح پیشنهادی من برای ایجاد اختلاف اولیه میان کمالیسم و بلشویسم، به رسمیت شناختن سروری ترکیه بر آذربایجان است. جرقه‌های اولیه این طرح نیز با تأسیس يك حزب در استانبول که اعضای آن را افراد میانه‌رو تشکیل می‌دهند، زده خواهد شد... خواهشمند است ضمن بررسی، در اسرع وقت پاسخ دهید، چون زمان سفر هیأت کردستان نزدیک شده است.

Fo 371/5069/5644 (P. 8176) (13787), from the high Commissioner, 12 November, 1920

بریتانیا و کنفدراسیون کردستان

سند شماره (S 3616) (8210) مورخ 20 نوامبر 1920 تلگراف وزارت خارجه بریتانیا به نماینده‌ی سامی این کشور است:

نامه‌های سید طاها و اظهارات او به دقت، کارشناسی شد. همکاری بلشویکها با ارمنستان و قریب الوقوع بودن یورش ترکها در سال آینده، اهمیت تأسیس يك کنفدراسیون کردی را مضاعف می‌کند... خواهشمند است اعلام نظر فرمایید.

Fo 371/5069/3616 (P. 8210) (Priority a), Repeated Viceroy, 20 th November 1920

نماینده سامی در پاسخ تلگراف وزارت خارجه که نسخه‌ای از آن بعنوان افسر سیاسی در شمال (شماره S 8580) بتاريخ اول دسامبر 1920 ارسال شده است می‌گوید:

بازگشت به تلگراف 26 نوامبر و شماره (3616):

آيا برقراري تماس با «عبدالرحمن شرناخ» و «سيد طاها» بدون آگاهي كميسيون صلح، به مصلحت خواهد بود؟ درخواستهاي مشاراليتها انتصاب يك افسر سياسي در منطقه و ارسال اسلحه و مهمات است... اگر شرايط را مناسب مي دانيد، بلافاصله «نوييل» را به منطقه اعزام نماييد... آيا در مورد درخواست سران كردي و گفتگو با آنها داراي اختيارات وسيع هستم؟... من به «اکرم جميل بگ» براي بازگشت به كردستان (ازدياريکر) رسماً اجازه دارم.

Fo 371/5069/6467 (P.8580) (Priority a) (5S), 1 th November 1920

کمالیستها برخی عشایر کرد و عرب را به مقابله با بریتانیا تحریض می کنند

در سند شماره (E) 16331 (S) 90650 (C) 715 تلگرافي با مضمون زیر آمده است: بازگشت به تلگراف شماره (5 س) در مورد عمليات کمالیستها در جزیره ابن عمر به اطلاع مي رسانم کمالیستها با تحريك عشایر کرد و عرب، تلاش مي کنند آنها را عليه حاکمیت بریتانیا بر منطقه بشورانند... «عبدالرحمن آقاي شرناخ» و «حاجي رشيد بگ برواري» درخواست فرمانده ترکها براي نشست جزیره رد کرده اند... «عبدالرحمن» تأمین اسلحه و مهمات مورد نیاز عشایر کرد را امري کاملاً ضروري مي دانند... او معتقد است قريباً شورشي از سوي يکي از اعضاي بدرخانيان بر پا خواهد شد... به نظر من، اشغال نظامي جزیره ابن عمر الزامي است، اگرچه در مقطع کنوني، عملي نيست، بهمين خاطر ناگزير از انتخاب مسير آشتي جويانه هستم... از نماينده سامي در استانبول و قاهره نیز مي خواهم اخبار خانواده بدرخانيان بويژه «امين عالي» و «احمد ثريا» را مداوماً گزارش کنند.

Fo 371/5069 (16331), India office, P.9065, Priority a, 1155

سندي ديگر در مورد انتخابات خانه کردها و جمعيت اجتماعي در استانبول

سند شماره (E) 6143 مورخ 20 مي 1920، مربوط به انتخابات خانه کردهاي استانبول و فهرست اعضاي بدرخاني مخالف «سيد عبدالقادر شمديناني» بنام «کومه لهي کومه لايه تي کوردستان» است.

پزشک و	عبدالله جودت بگ
	مؤسس: خربوت
سردبير	شکري بگ بابان
	روزنامه ترجمان حقيقت: سلیمانیه
پزشک:	شکري محمد بگ
	دياريکر
نویسنده:	جلادت بگ بدرخان
	دياريکر

اکرم جمیل بگ
امین علی بگ
حسین حامی بگ
ممدوح سلیم
وان
نجم‌الدین حسین بگ

اورفا
نویسنده روزنامه «ژین»:

کرکوک

Fo 371/5069 (E 6143/11/44), De Robeck, 725, May 20 th, 1920

دو نامه شریف پاشا و سید عبدالقادر شمدینانی به کنگره صلح پاریس

سند شماره (608) (95) (19829) مورخ 22 اکتبر 1919، دو نامه شریف پاشا و سید عبدالقادر شمدینانی، رئیس هیأت مرکزی جامعه کردهاست که به عنوان کنگره صلح پاریس نوشته شده است:

پاریس: کنگره صلح

دبیر کل

23 اکتبر

کمیته عالی کنگره صلح مفتخر است دریافت دو نامه سران کرد در مورد به آینده کردستان را به آگاهی برساند...
به «جرح کلمانسو» رئیس کنگره صلح
پاریس 22 اکتبر 1919

جناب رئیس مفتخرم دو نامه «سید عبدالقادر افندی» عضو انجمن معمرین و نخست وزیر سابق، که اکنون ریاست کمیته مرکزی جامعه کردستان را برعهده دارند پیشکش نمایم... اجازه دهید به این موضوع نیز اشاره کنم که از زمان تأسیس «اتحاد و ترقی»، تمام ملت‌های ساکن در امپراتوری عثمانی سابق، با «استعمار نو» مواجه گشته‌اند... وظیفه انسانی کنگره صلح ایجاب می‌کند هر گونه اقدامی برای برقراری صلح در کردستان و رفع استعمار ترک‌های کمالیست انجام شود و این کار، تنها با عدم تجزیه کردستان به دو بخش تحت قیمومت میسر خواهد بود.

شریف

رئیس هیأت کرد

Fo 608/95/19829 (Peace Conference) (Sec. Gen), 24 th October 1919.

نامه اول
استانبول/ اکتبر 1919
جناب رئیس

شایعات موجود که خبر از تجزیه کردستان می‌دهند، هیچگاه به آشتی خاورمیانه منجر نخواهد شد. کردها برخلاف «اتحاد و ترقی»، انجام هر گونه عملیات نظامی علیه متفقین را رد کرده‌اند. آنها از جان و مال ارمنی‌ها به بهترین وجه ممکن حمایت کرده‌اند. عدالت کنگره در به رسمیت شناختن اتحاد کردستان است.

سید عبدالقادر

نامه دوم

استانبول / 20 اکتبر 1919

جناب رئیس

از زمان آتش بس (1918) حکومت عثمانی تلاش می‌کند با فریب افکار عمومی، خود را مدافع حقوق ملت کرد نشان دهد و سران کرد را بسوی خود متمایل کند. اما در باطن امر، خانه‌های کردی را تعطیل و خواسته‌های مشروع ما را نادیده گرفته است. بهمین خاطر، کمیسیون تحقیق بین‌المللی نخواهد توانست کاوش‌های خود را- آنچنانکه باید- انجام دهد. از شما درخواست می‌کنم حکومت استانبول را در برآورده نمودن خواسته‌های بحق ملت کرد تحت فشار قرار دهید.

عبدالقادر

عضو مجلس معمرین

رئیس کمیته‌ی جامعه کردستان

Fo 608/95/19829 (Peace Conference) (Sec. Gen). 24 th October 1919.

یکی از مسئولان بلند پایه انگلیس می‌گوید:

مسأله کردها و ارمنی‌ها را نباید از یکدیگر جدا کرد

سند شماره (19025) سپتامبر 1919، یادداشت محرمانه «سرآرتور هرتزل» خطاب به وزارت هند- دایره سیاسی در لندن بتاريخ 8 سپتامبر 1919 است:

یونگ عزیز

به پیوست، یادداشت «سرآرتور هرتزل» را تقدیم می‌کنم. دیدگاه‌های «مستر مونتگیو» در مورد این یادداشت نیز ضمیمه است.

ان.دی.واکلی

یادداشت هرتزل

مسأله ارمنی، مسأله کرد است، بهمین خاطر، اتحاد يك سیاست مشترك لازم است. وزارت هند، اهمیت بسیاری برای مسدله کرد قائل شده است و آن را جدای از موضوع ارمنی‌ها می‌داند. اما واقعیت آن است که فاجعه

کشتار ارمني‌ها در طول پنج دهه اخير، افکار عمومي جهان را بشدت متأثر نموده است و هر روز درخواست‌هاي تازه‌اي براي تأسيس ارمنستان مستقل طرح مي‌شود. اما تأسيس اين دولت با در نظر گرفتن واقعيات موجود و «حق تعيين سرنوشت»، اندکي غير محتمل بنظر مي‌آيد، چون ارمني‌ها به استثنای «کيليكيا» در ساير نقاط، در قليت بسر مي‌برند و بهمين خاطر، تأسيس يك ارمنستان مستقل، در حالي که اکثريت جمعيتي غير ارمني است. عادلانه نخواهد بود. کردها مي‌گویند اکثريت نباید تابع اقلیت باشد و اين ادعایي بحق است. کردها و ارمني‌ها در صورت رفع سلطه عثمانی، زندگي مسالمت آميزي خواهند داشت اگر راه حل عادلانه‌اي براي آنها در نظر گرفته شود... اما راه حل چیست؟

«محمود بگ» رئيس عشيرت «ميلي» هنگام تشریح دیدگاه‌هاي خود گفت: پس از تأسيس کردستان، طبعی خواهد بود که غالب مناصب اداري را ارمني‌ها اشغال کنند چون آگاهی‌هاي علمي ایشان بیشتر است اما با افتتاح مدارس و دانشگاه‌ها و ارتقاء درجه علمي کردها، توازن تدريجي بوجود خواهد آمد...

براي حل موضوع کردها و ارمني‌ها مي‌توان «پلان مورلي- مونتو» را که در هندوستان و در مورد مسلمانان و هندوها اجرا شد به کار بست. در هندوستان، مسلمانان بدليل آگاهی‌هاي علمي- اجتماعي بیشتر، مسئولیت‌هاي اداري بیشتری دارند.

در حالت کلي، تأسيس يك کردستان مستقل تحت حمايت بریتانیا، فرانسه یا آمریکا بسیار مناسب است اگرچه بریتانیا به علت سابقه حضور در منطقه و تجارب بیشتر داراي اولويت است... حضور ارمني‌ها در ساختار اداري «کردستان»، اگرچه در کوتاه مدت موثر است اما منطبق برآزوي بلند مدت ارمني‌ها براي تشکیل «ارمنستان بزرگ» نیست. با وجود این، مشارکت ارمني‌ها در حکومت کردستان، عادلانه است. اگر ارمني‌ها حاضر به پذیرش چنین شرایطی نباشند، دیگر کسی حق آنها را مشروع نمی‌داند... در هر حال نباید آرزوي ملي کردها براي تشکیل يك کردستان مستقل را عقیم گذارد...

امضا

ای.اچ

1919/8/17

Fo 608/95/19025, The Armenian and Kurdish Questions, September,
17 th 1919

کویه و شقلاوه از دیدگاه مقامات بریتانیا

سند شماره (371) (5069) (7877 E) یادداشت افسر سیاسی «کویه» در مورد دستگاههای اداری و مردم «کویه» و «شقلاوه»، مردان بزرگی زندگی می‌کنند که مسالمت‌جو و طرفدار آرامش هستند...
Fo 371/5069 (E 7877) (India office) (P. 4794), Future Administration of Koi District 7 th July 1920.

جامعه کردستان بخاطر بندهای مندرج در پیمان «سور» از کنگره صلح پاریس قدردانی می‌کند

سند شماره (8555 E) مورخ 20 جولای 1920، یادداشت «کومه‌له‌ی کورد و کوردستان» بعنوان کنگره صلح پاریس است که توسط سید عبدالقادر امضا شده است:
سپاس بی‌پایان ما را بخاطر پذیرش یک مبدأ اتونومیک برای ملت کرد و قائل شدن مشروعیت برای تأسیس یک کردستان مستقل که به تعالی و بالندگی این منطقه منجر خواهد شد را بپذیرید...
«کومه‌له‌ی کورد و کوردستان» مرزهای شمالی مناطق کردنشین را ایالات «ارزروم»، «بتلیس» و «وان» و مرز غربی را «سنجق» در ملاطیه می‌داند. امیدواریم ملت کرد آزادانه در سرزمین کردستان به نشو و نما و بالندگی ادامه دهد.

رئیس

«کومه‌له‌ی کورد و کوردستان»

عبدالقادر

Fo 371/5069 (E 8555), From De Rebeck, No 969, Future of Kurdistan,
20 th July 1920

یادداشت شریف پاشا به نمایندگان متفقین

سند شماره (608) (95) (16585) مورخ 29 جولای 1919، نامه شریف پاشا به «روبرت وانس سیتارت» دبیر اول سفارت بریتانیا در پاریس است:
هتل استوریا
20 خیابان دی‌ماسان-8
91: تلگرام: پاریس
29 جولای 1919
دوست گرامی!

برای جمع‌بندی سخنان دیروز، یادداشتی آماده نموده‌ام که درخواست می‌کنم به وزیر خارجه «مستربلفور» تقدیم دارید. خوشحال خواهم شد که نظر نهایی وزیر خارجه را نیز به اطلاع اینجانب برسانید، چون من باید مراجعت نموده به درمان بیماری خود بپردازم. من دوره‌ی درمان خود را به

خاطر حضور در هیأت کردی و تداوم ارتباط با نمایندگان کنگره صلح نیمه‌کاره رها نمودم.

من وجود خود را فدای آرمان ملی کرد نموده‌ام و میل دارم عمر باقیمانده را نیز به خدمت به ملت بگذرانم. انتظار دارم وزیر خارجه و مسئولان بلندپایه‌ی بریتانیا یادداشت مرا با دقت تمام مورد بررسی کارشناسانه قرار دهند. وضعیتی که اکنون در ترکیه وجود دارد، وخامت اقتصادی را به حداکثر رسانیده است. این وضعیت، به نحو هیچکس نخواهد بود... امیدوارم این یادداشت مورد توجه «مستر بلفور» قرار گیرد.

شریف

متن یادداشت به شرح زیر است:

استقرار امنیت و آسایش در کردستان بروز اسلحه امری قابل انجام است اما چنین پروژه‌ای به دلیل آنکه تهدیدی برای جان و مال مردم و مستلزم صرف هزینه‌های مادی و معنوی بسیار است، منطقی نخواهد بود. تثبیت اسلحه مسلحانه بر کردستان، لاقلاً بیست سال وقت می‌برد که تحمل چنین زمان طولانی برای مردم منطقه و ساکنان کرد، منصفانه نخواهد بود....

وضعیت جغرافیای نظامی کردستان مشابه «داغستان» است. امپراتوری عظیم روسیه، در مدت بیست سال توانست بر این سرزمین کوچک تسلط یابد. حتی پس از گذشت این همه سال، سربازان روسیه نمی‌توانند با امنیت کامل در شهرهای «داغستان» آمد و رفت کنند. اگر انگلیس راه حل سرکوب را در کردستان در پیش گیرد به همین سرنوشت دچار خواهد شد....

کردستان زیر نفوذ سران عشایر و شیوخ است. این گروه نیز اگرچه دارای اختلافات داخلی هستند، اما در برابر دشمن خارجی، همیشه متحد و یکصدایند. حتی کردهای تحت سلطه عثمانی که 400 سال در یک حوزه حاکمیت اسلامی زیسته‌اند نیز از این قاعده مستثنی نیستند و هرگز حاضر به پذیرش انقیاد عثمانی نبوده‌اند. سران عشایر و شیوخ کرد، همیشه حرف اول و آخر را می‌زنند. تمام بزرگان آئینی، سران عشایر و اشراف استانبول که مصالح ملت کرد را بر منافع شخصی ترجیح داده‌اند، آن را به عنوان رهبر برگزیده‌اند....

نماینده سامی بریتانیا در استانبول نیز انتخاب مرا به عنوان یک انتخاب اصلح شناخته است. انتخاب من از سوی بزرگان کرد، در واقع به رسمیت شناختن ضمنی حمایت بریتانیا از کردستان نیز هست. فرزندان ملت کرد می‌دانند که تنها بریتانیا می‌تواند حرکت رهایی بخش ما را یاری دهد....

به رسمیت شناختن یک کردستان آزاد و تأسیس حکومت مرکزی که عشایر کرد را در منطقه تحت حاکمیت خود آزاد بگذارد، کاری است که حکومت بریتانیا تجربه‌ی آن را در دیگر مناطق جهان، بارها آزموده است بنابراین تنها حکومت بریتانیا خواهد توانست با ایجاد اداره‌ی سیاسی و نظامی مناطق کردنشین، از بروز حساسیتهای کاذب در میان این ملت با غیرت جلوگیری

نماید... انسانیت ایجاب می‌کند برای تلاش در جهت تعالی ملت کرد، هر چه زودتر جهت تأسیس يك حکومت مستقل کرد دست به کار شوید، حکومتی که حقوق عشایر خود را به رسمیت شناخته مانع غارت و چپاول آنها توسط دشمنان شود... «فخري عادل بگ» از بزرگان ملت کرد نزد من آمد و اطلاعات تاریخی بسیاری در اختیارم گذارد. او دانش بسیاری در مورد کردستان اندوخته است و من وظیفه‌ی خود می‌دانم با انتقال این اطلاعات به شما حکومت بریتانیا را برای برگزیدن راه حل درست یاری نمایم. اما فراموش نباید کرد هر مسیری ابتدائاً از تأسیس يك کردستان آزاد آغاز خواهد شد.

بسیاری از بزرگان کرد مقیم استانبول و دیگر شهرها که در شرایط تبعید به سر می‌برند وضعیت مالی وخیمی دارند. مساعدات مالی شما سبب خواهد شد این افراد تبعیدی بتوانند با فراغت خاطر بیشتری به تعاقب آرمانهای ملی پردازند.

«سرلویس مالیت» سفیر بریتانیا در پاریس از من خواسته است با واسطه منشی خود «میجر غالب علی بگ»، مقدمات ملاقات او یا سران کرد را در سفر آتی مشارالیه به استانبول فراهم آورم... «فخري بگ» و هیأت همراه او در مورد اعلام حمایت سران عشایر و بزرگان کردستان از بریتانیا حامل پیغامهای امید بخشی هستند. «شیخ عبدالقادر افندی» و «امین عالی بگ بدرخان» که پیش از این در مظان اتهام بودند، برای یاری بریتانیا رسماً اعلام آمادگی نموده‌اند امیدوارم هرچه سریعتر هیأتی از نمایندگان بریتانیایی، «میجر غالب بگ» و «فخري عادل» برای بررسی مسائل کردستان و انتخاب راه حل نهایی تشکیل شود. همکاری نمایندگان بریتانیایی و نمایندگان کرد، مقدمه‌ی مناسبی برای تأسیس ادارات نظامی- سیاسی و استقرار امنیت در کردستان مستقل آینده خواهد بود. مطالب فوق را پیش از حضور در جامعه‌ی ملل به اطلاع مسئولان بریتانیایی رساندم. امیدوارم ملت کرد به آرمان نهایی خود دست یابد.

ژنرال شریف پاشا

پاسخ هیأت بریتانیا

پاریس، 1 آگوست 1919

جناب شریف پاشا

نامه مورخ 29 جولای جنابعالی دریافت شد. حکومنی علییه با بررسی پیشنهاد شما در مورد عزیمت يك هیأت بریتانیایی به کردستان، سفر این هیأت بریتانیایی را پیش از تصمیم‌گیری نهایی کنگره صلح در مورد کردستان و آگاهی از دیدگاههای ایالت متحده در مورد سیستم قیمومت، ضروری نمی‌داند.

روبرت فانیستارت

Fo371/608/95/19829 (Peace Conference) (Secr. Gen), October 2th
1919.

سند شماره (608) (95) (194636) مورخ 9 اکتبر 1919، توضیح «مستر فوریس آدام» در مورد نامه دیگری از «شریف پاشا» است: «ژنرال شریف پاشا» دیروز یادداشت مفصلي نزد من آورد و تقاضا کرد به عنوان وزیر خارجه بریتانیا به لندن ارسال شود. او در تلاش است کنگره صلح را به تصویب قیمومت بریتانیا بر کردستان مستقل متقاعد نماید. پیشنهاد می‌کنم طی مکاتبه‌ای، با اشاره به نامه شماره 18761 مورخ 12 سپتامبر به مشارالیه اطلاع دهم که نظر نهایی بریتانیا تابع تصمیم کنگره صلح است.

به هر حال، اگر ایالات متحده آمریکا قیمومت ارمنستان را بپذیرد، این اقدام تأثیری بر مسأله کردستان نخواهد گذارد. پذیرش قیمومت ارمنستان از سوی آمریکا سبب خواهد شد کمیسیون تعیین خطوط مرزی، مرزهای کردستان را با آرامش بیشتری تعیین نماید. مسأله کردستان با سه راه حل مواجه خواهد بود: یا آنکه قیمومت آنرا به طور کامل بپذیریم یا کردستان را در چارچوب بین‌النهرین قرار دهیم و یا آنکه اداره آن را با فرانسه تقسیم نماییم.

اف. آدام

15 اکتبر

Fo608/ 95/ 19025 (the Armenian and Kurdish Questions, 9 th October 1919)

فرانسه پیشنهاد تأسیس يك امارت كردي را رد مي‌کند

«مسیوپیکو»ی فرانسوی در تاریخ 19 ژانویه 1919 تلگرافی از «مارک سایکس» دریافت کرد که در آن نماینده عالی انگلیس از هم‌تای فرانسوی خود می‌خواهد با تأسیس يك امارت كردي تحت قیمومت فرانسه موافقت نماید... اما «مسیوپیکو» با این استدلال که این اقدام سبب از دست رفتن برخی عشایر متکی به فرانسه خواهد شد، از پذیرش این پیشنهاد خودداری ورزید.

FO608/ 95/ 1539 (Foreign Office) (Kurdish Emarate), February 5 th 1919

اگر آمریکا قیمومت ارمنستان را بپذیرد باید جنوب کردستان را در حوزه بین‌النهرین قرار داد

در سند شماره (608) (95) (5069) مورخ 21 مارس 1919 می‌خوانیم: در این اواخر، «شریف پاشا» مدعی شد که کردها او را به رهبری کردستان برگزیده‌اند... اگر آمریکا قیمومت ارمنستان و بریتانیا حمایت از بین‌النهرین را بپذیرند، آنگاه آمریکاییها بریتانیا را وارد خواهند کرد جنوب کردستان را در حوزه بین‌النهرین قرار دهد.

کردهای ساکن جنوب رودخانه «مرادسو» و «دجله» که اکثریت جمعیتی را تشکیل می‌دهند، به جهت اراضی غنی کشاورزی و بازرگانی پر رونق، مسیر مناسبی برای تأسیس خط آهن مورد نظر ما هستند. ما باید خود را برای اجرای این پروژه آماده کنیم... به همراه این یادداشت، نقشه‌ای فرستاده‌ام که در آن خطوط مرزی کردستان و ارمنستان تعیین شده‌اند. آمریکایی‌ها این خطوط مرزی را پذیرفته‌اند... سرچشمه‌های رود دجله و دریاچه «کولجه‌کیشه» به همراه منابع غنی مس «آرغانا» در داخل ارمنستان قرار خواهند گرفت.

اداره‌ی آینده حکومت کردی در مناطق کوهستانی اهمیت بسیاری دارد. اگر مسئولیت این کار را بپذیریم تأسیس یک حکومت کنفدرالی تحت نظارت یک نماینده بریتانیایی الزامی خواهد بود. این حکومت کردی اگر چه آزادی ابتکار عمل بسیار خواهد داشت اما در هر حال وابسته به حکومت بریتانیا با مرکزیت بغداد خواهد بود. البته نمایندگان دیگری باید در دیگر مراکز مستقر شوند...

تلگراف‌های ارسالی اخیر از استانبول نشان می‌دهند که نیروهای «لیوی» کارایی چندانی نداشته‌اند. دو تلگراف ژنرال «گون» و ژنرال «میلن» را به پیوست تقدیم می‌نمایم.

هیأت بریتانیا

کنگره صلح

پاریس 21 مارس 1919

Fo608/ 5069/ 95 (Peace Conference), 21 th March 1919

چند پیشنهاد در مورد آینده اداری کردستان پس از جنگ اول جهانی

سند شماره (608) (95) (2395) (659) (2335) مورخ 30 دسامبر 1918، گزارش «میجر نوییل» است که به شماره 43 مورخ 8 دسامبر سال 1918 بعنوان مقامات بریتانیا در لندن ارسال شده است متن این گزارش به شرح زیر است:

در بهار گذشته تصمیم گرفتیم شیخ محمود را به عنوان نماینده‌ی بریتانیا مصوب کنیم، اما نمی‌دانم به چه دلیل این تصمیم لغو شد. شاید نفوذ روز افزون شیخ محمود، دلیل این امر باشد... اما قدرت شیخ محمود روز به روز بیشتر می‌شود و ما باید این موضوع را بپذیریم. پیش از آغاز جنگ جهانی اول، سلیمانیه پرآشوب‌ترین منطقه کردنشین جنول لود و این دلیلی جز نارضایتی شیخ محمود و خاندان او نسبت به عملکرد عثمانی نداشت... مگاهی واقع بینانه به ماهیت استعماری امپراتوری عثمانی، قیام شیخ محمود و نارضایتی‌های مداوم او را توجیه می‌کند چرا که ملت او متحمل شدیدترین ستمهای عثمانی شده بود... در اینجا ذکر نکاتی چند ضروری به نظر می‌رسد نخست آنکه قدرت شیخ محمود روز بروز افزایش می‌یابد و بدون همکاری او نمی‌توانیم هیچ کاری انجام دهیم. اگر شیخ محمود نبود

دولت علیه ناگزیر از اعزام نیروی دفاعی بسیاری به منطقه بود که ناگفته پیداست هنوز چنین نیروی نظامی عظیمی در این منطقه حساس، چه عواقبی بدنبال داشت... با در نظر گرفتن پیمان انگلیس-فرانسه در مورخ 8 نوامبر 1918 درباره «آزادی خلیج‌های شرق عثمانی»، ما می‌خواهیم کردستان مستقلی تأسیس کنیم، اما بدلیل عقب‌ماندگی منطقه، فقدان راه‌های مواصلاتی و اختلاف عشایر، ناگزیر از تأسیس یک نظام اداری-سیاسی مترقی در منطقه هستیم که بستره‌ای مناسب برای اتحاد ملی کردها فراهم آورد... در مورد مشارکت این حکومت کردی در دولت آینده بین‌النهرین، افراد تندرو و غالباً هوادار عثمانی، مخالفت نشان می‌دهند اما افراد روشنفکر و تحصیلکرده، برقراری ارتباط با بغداد را عاملی مؤثر در تعالی مادی و معنوی کردستان می‌دانند.

مهمترین وظیفه‌ی ما در حال حاضر، تثبیت آسایش و امنیت به هر قیمت ممکن حتی به بهای قربانی دادن نیروهای ارزشمند است... نهضت کردها باید هدف دستیابی به حق تعیین سرنوشت را در اولویت قرار دهد و وظیفه‌ی ما در این پروسه، تداوم گفتگوهای منطقی است... اگر بریتانیا مسئولیت اداره‌ی کردستان را بپذیرد، آنگاه استقرار قانون و تأسیس اداره‌ی سیاسی کردستان، پیام‌آور عدالت برای منطقه خواهد بود. اگر پرسنل اداری و کارمندان منطقه کرد زبان باشند، افسران سیاسی و نیروهای نظامی نیز حتی‌الامکان از میان کردها برگزیده شوند، زبان رسمی هم کردی باشد و قوانین مصوب منطبق بر آداب و رسوم کردها باشد آنگاه می‌توان اطمینان داشت که عشایر نیز بدون ایجاب آشوب، تمام نیروهای خود را در خدمت کردستان مستقل به کار خواهند گمارد و مسأله تفرقه و اختلاف، خودبخود منتفی خواهد شد.

هزینه‌های مادی منطقه نیز از محل بودجه ویژه تأمین و در کردستان صرف خواهد شد. مالیات‌های دریافتی نیز باید صرف عمران منطقه و تأسیسات زیربنایی شود. بودجه‌ای که پیش از این در مورد آن سخن گفتیم از طریق بغداد تصویب خواهد شد و آموزش و پرورش، توسعه کشاورزی و تأسیس جاده‌ها از وظایف دولت آینده بین‌النهرین با مرکزیت بغداد خواهد بود. گسترش اقتصادی-فرهنگی کردستان مستقل منجر به بهبود روز افزون وضعیت منطقه و توسعه اجتماعی کردستان خواهد شد...

لازم است موضع خود را در برابر شیخ محمود نیز بصورت کاملاً شفاف، روشن کنیم. از نظر من، به رسمیت شناختن حاکمیت مدنی شیخ محمود بر کردستان، زمینه‌ی مساعدی برای تثبیت امنیت منطقه فراهم خواهد نمود...

در ادامه این گزارش آمده است:

مشکلات موجود بر سر راه شیخ محمود بسیار زیاد است، اما او توانسته بر بسیاری از آنها غلبه کند... شیخ محمود مردی بسیار صبور و متین و به عهده‌ی که سپرده وفادار است اما متأسفانه گروهی منفعت‌پرست، او را به اقداماتی غیر منطقی و غیرمعمول تحریض می‌نمایند تا جایی که او خود را

حاکم مطلق کردستان می‌داند. نامبرده بودجه‌های غیرمنطقی و فاقد اصول علمی تدوین می‌کند که در آن حقوق یک خدمتکار از مزایای یک کارمند عالی‌رتبه بیشتر است، به همین دلیل. اقربای او مایل به تداوم حکمرانی و دیگر مخالف ادامه حکومتش هستند، از اینرو خصومت عشایر دیگر هر روز با او بیشتر می‌شود. اگر چه عشایر «جاف»، «هه‌مه‌وه‌ند»، «زنگه»، «شیخ بزینی»، «پشدر»، «دلو»، «ویسی» و «اورامان» از حکمرانی او اظهار رضایت کرده‌اند. اما فاصله حرف تا عمل بسیار است.

ذکر یک نکته دیگر ضروری است و آن اینکه نباید عشایر مخالف را بزور وادار به تبعیت از شیخ محمود کرد چرا که برخی اختلافات بسیار ریشه‌ای و عمیق است و دخالت‌های بی‌مورد خارجی، بعضاً عواقب وخیمی به دنبال خواهد آورد...

سؤال دیگری که باید طرح نمود این است که آیا تداوم حکمرانی و قدرت روزافزون شیخ محمود به مصالح ما لطمه‌ای وارد نمی‌آورد؟ از دیدگاه من وجود افراد دیگری چون شیخ محمود در کردستان ضروری است اما در مقطع فعلی، رهبری با هوشیاری او نمی‌توان در کردستان یافت. شیخ محمود، دور افتاده‌ترین مناطق کردستان را نیز وادار به اطلاع از خود نموده است... مادامی که نامبرده چنین توانی دارد، نباید رقبا را دیگر برای او بوجود آوریم چرا که مصالح دولت علیه با حفظ وضعیت موجود تأمین خواهد شد...

مشکل دیگری که وجود دارد حضور برخی روشنفکران دست چندم امپراتوری عثمانی پیشین است که بدمست از باده‌ی غرور و بدون توجه به حضور بزرگان فکری، شرایط نامناسبی را در ادارات رقم زده و اسباب نارضایتی ساکنان را فراهم آورده‌اند...

به هر حال، بر این باورم که یکی از اساسی‌ترین اهداف ما تشویق بازرگان، مردان آئینی و سران عشایر به ایجاد و تعمیق روابط با حکومت آینده‌ی بین‌النهرین است.

Fo 608/95/2395/659/2305/44 (Influence of Shotkh Mahmud, 30 th December 1918. No 125.

سند شماره (608) (95) (5095) کنگره صلح مورد 21 مارس 1919 دیدگاه‌های «ژنرال کوب» در مورد مناطق کردنشین آناتولی است: از «ژنرال کوب» به «سرویلسون»

بازگشت به تلگراف شماره 249 مورخ 4 مارس 1919

1- الحاق «دیاریکر» به «بین‌النهرین» از قدرت نظامی ما در آسیای صغیر خواهد کاست.

2- یک نیروی شبه نظامی کرد، تأثیر تعیین کننده‌ای نخواهد داشت.

3- در صورت پذیرش قیومیت بریتانیا حضور نظامیان بیشتری لازم خواهد بود.

4- امتداد مرز بصورت طرح پیشنهادی یا تخلیه‌ی برخی مناطق اشغالی در شمال، مستلزم اتمام خط آهن دیاریکر است.

5- آنچه گفته شد به جهت پیشگیری از تعرض عشایر و استقرار امنیت است. حکومت ترکیه آینده‌ی دشمن بالقوه‌ی کردها در ایالت «دیاریکر» و سایر ایالات است.

Fo 608/95/5069 (Peace Conference) (Future Status of Kurdistan).21
March 1919.

نیروهای مسلح کرد و مرزهای کردستان قبل و بعد از جنگ اول جهانی

از: اداره‌ی بریتانیا

به: وزارت خارجه بریتانیا

12 مارس: صفحه‌ی 5138

بازگشت به تلگراف «دیدس» مورخ 2 مارس:

کردها پیش از جنگ 65 شاخه‌ی نظامی غیر متحد در میان نیروهای مسلح عثمانی بودند. در سال 1911، تعداد آنها به 24 شاخه کاهش یافت و در آغاز جنگ، در قالب نیروی مرکب از شش تیپ و 30 شاخه به قفقاز اعزام شدند.

در میان عشایر نیز شکل سازمان یافته‌ای وجود نداشت.

منطقه کردستان:

1- از مبدأ مرزهای ترکیه در شمال به سوی شمال غربی شهر «قوتور»، مرزهای پیشنهادی در کناره‌ی رودخانه به این شرح است: کوه قره حصار داغ، جوغ داغ، پاراچول داغ، جاویک داغ و از آنجا به سوی شمال رودخانه تا رود «مایسیروچای»...

2- از ساغ داغ می‌گذرد.

3- از «نمروداغ» به سوی حدود.

الف- کوه «مالاتوداغ» در شمال شرقی دریاچه «کولجیک»

ب- جنوب شرق تا شهر «موش» در رودخانه «مرادسو»

4-

5- در مناطق کوهستانی کردستان که این خطوط از آنها می‌گذرند باید اداره‌ی ویژه‌ای تأسیس کرد مشروط بر آنکه نماینده بریتانیا در بغداد، منصوبینی در «بتلیس»، «سعرت»، «دیزه»، «قلب»، «نرهی قوجانس» و «منجق» داشته باشد.

6- حدود پیشنهادی کردستان، از جنوب غربی رود دجله آغاز خواهد شد.

7- مناطق «دیاریکر»، «اورفا» و «ماردین» که اکثریت جمعیت آنها کرد است باید اداره‌ی ویژه‌ای داشته باشند.

8- مناطق «دیاریکر»، «اورفا»، «ماردین» غالباً کردنشینت هستند. بهتر است مانند منطقه بین‌النهرین دارای ادارت ویژه خود باشند.

Fo 608/95/5069 (Peace Conference) (Future Status of Kurdistan, 12 th
March 1919).

